

فصلنامه رهنمای

سال اول - دوره جدید - شماره دوم - پاییز ۱۴۰۳

آنچه در این شماره میخوانید:

- ناکامی در تکوین همبستگی عقلایی ملت و دولت
- بررسی سیاست خارجی اوباما و ترامپ در قبال بحران سوریه
- تبیین مفهوم «هژمونی» در رهیافت انتقادی «رابرت کاکس»
- جایگاه مشارکت سیاسی زنان در جامعه بعد از انقلاب اسلامی ایران



انجمن علمی علوم سیاسی دانشگاه لرستان

فستاسا

صاحب امتیاز: انجمن علمی - دانشجویی علوم سیاسی دانشگاه لرستان

مدیر مسئول: رضا مریدی

سر دبیر: زهرا ارجمندی

استاد مشاور: دکتر محسن بیات

ویراستار: رضا مریدی

اعضای هیئت تحریریه: دکتر محسن بیات، دکتر شهریار فرجی نصیری، مرتضی اسماعیلی، ابوالفضل خاندلیان، زهرا ارجمندی، رضا مریدی، امیررضا دریکوند، پریسا پارسا، امیرحسین علی خانی، امیر شاهوردی، طیبه حسنونند

طراح جلد و صفحه آرا: محمد مهدی مؤمنی

آدرس: دانشگاه لرستان، کیلومتر جاده ۵ خرم آباد - تهران

پل‌های ارتباطی:

شماره تماس: ۰۹۳۸۴۷۷۵۴۴۲



Zahraarjmandi2005@gmail.com



@politicallu



@political.lu



دکتر محسن بیات
استاد مشاور و
عضو هیات تحریریه



رضا مریدی
مدیرمسئول و
عضو هیات تحریریه



محمد مهدی مؤمنی
طراح جلد و
صفحه آرا



زهرا ارجمندی
سر دبیر و
عضو هیات تحریریه



پریسا پارسا
عضو هیات تحریریه



طیبه حسنونند
عضو هیات تحریریه



امیرحسین علی خانی
عضو هیات تحریریه



دکتر شهریار فرجی نصیری
عضو هیات تحریریه



مرتضی اسماعیلی
عضو هیات تحریریه



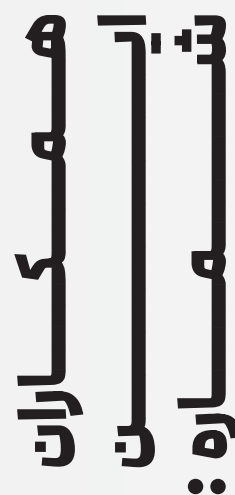
ابوالفضل خاندلیان
عضو هیات تحریریه



امیرشاهوردی
عضو هیات تحریریه



امیررضا دریکوند
عضو هیات تحریریه



فصل دوم

سخن مدیر مسئول	۳
ناکامی در تکوین همبستگی عقلایی ملت و دولت	۴
بررسی تطبیقی سیاست خارجی باراک اوباما و دونالد ترامپ در قبال بحران سوریه (سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۱)	۱۴
تبیین مفهوم «هژمونی» در رهیافت انتقادی «رابرت کاکس»	۲۴
جایگاه مشارکت سیاسی زنان در جامعه بعد از انقلاب اسلامی ایران	۳۲
اخلاق در سیاست	۴۰
بریکس و امکان دلار زدایی از تجارت ایران	۴۶
مصاحبه با دکتر محسن بیات	۵۰
مصاحبه با آقای محمدجواد گودرزی	۵۴
تازه‌های نشر	۵۶
نقد فیلم	۶۰
گزارش فعالیت‌های انجمن علمی علوم سیاسی	۶۴
اخبار	۷۰



سخن مدیر مسئول

دبیر انجمن علمی دانشجویی علوم سیاسی

دانشگاه لرستان

دنیای شگفت‌انگیز علم سیاست همواره برای بسیاری از آحاد جامعه جذاب بوده و هست؛ حتی استادان و دانشجویان سایر رشته‌ها به آن علاقه نشان می‌دهند. گرچه در سال‌های اخیر این علاقه و اشتیاق به دلایلی کمتر شده است، اما هنوز هم بسیاری خواهان مشارکت در برنامه‌ها و فعالیت‌های مرتبط با این علم هستند. از جانب دیگر، نشریه به عنوان یک عنصر ضروری برای دو حیطه مهم دانشگاهی یعنی پژوهش و آموزش، اهمیت والایی دارد. شکرگزاری که توانستیم پس از چند سال رکود، انجمن علمی دانشجویی علوم سیاسی دانشگاه لرستان را احیاء کنیم و با طرح‌ریزی و اجرای برنامه‌های متنوع، این انجمن را به یکی از فعال‌ترین انجمن‌های دانشگاه تبدیل کنیم. احیاء نشریه رهیافت سیاسی، که به همت دانشجویان علوم سیاسی در سال‌های قبل ثبت و منتشر شد، گام دیگری در راستای هدف مهم اعتلای رشته علوم سیاسی است. این دانش بسیار ارزشمند، سیاست و قدرت را به روش‌های علمی تخصصی بررسی می‌کند و بدون شک، گهربارترین سخنان درباره سیاست، از قلم و دهان دانشمندان و دانش پژوهان متخصص این رشته صادر می‌شود. بیش از یک دهه از راه‌اندازی مقطع کارشناسی علوم سیاسی در دانشگاه لرستان می‌گذرد و در سال‌های اخیر نیز خوشبختانه مقطع کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل نیز به آن اضافه شده است که این امر، نوید بزرگ‌تر شدن خانواده علوم سیاسی در این دانشگاه را به ما داد و امیدهایمان را رونق بخشید. طبیعتاً کاستی‌هایی هم وجود دارد. هم‌اکنون، دانشگاه لرستان فاقد کتابخانه تخصصی برای رشته علوم سیاسی می‌باشد که راه‌اندازی آن می‌تواند کمک مهمی به دانشجویان و استادان بنماید. رشته علوم سیاسی نیز در گروه آموزشی علوم سیاسی و حقوق جای دارد که تفکیک گروه‌های این دو رشته و ایجاد گروه مستقل علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، مطمئناً کمک شایانی به این رشته ذی‌بها می‌کند. نیاز به تاکید است که وضعیت اقتصادی نامناسب کشور در سال‌های اخیر، آسیب‌هایی به جامعه و دانشگاه وارد نموده است. در واقع جامعه ما از سیاست‌زدگی به سمت زدگی از سیاست حرکت کرده و این اتفاق موجب شده مشارکت سیاسی در میان مردم کاهش یابد. دانشگاهیان رشته علوم سیاسی، مدار امید کشور برای ارائه راهکار برون رفت از این شرایط هستند؛ بنابراین همه ما وظیفه داریم که به دور از سلايق و جهت‌گیری‌های شخصی، به صورتی علمی و دقیق، مسائل را بررسی کنیم و راه حل ارائه دهیم. از شما دوستان و خوانندگان گرامی خواهش‌مندم ما را در فضای مجازی دنبال کنید و نظرات و مطالب خود را از راه‌های ارتباطی ذکر شده به دست ما برسانید.

با آرزوی توفیق روزافزون برای شما عزیزان

رضامریدی







ناکامی

در تکوین همبستگی عقلایی ملت و دولت؛ بزرگترین چالش جمهوری اسلامی ایران

چکیده:

وضعیت اقتصادی ایران با توجه به سابقه اقتصاد ایران در تحریم شدن و تاکید بر اقتصاد مقاومتی، در سالهای اخیر آشکار کرد که با وجود شعارها، برنامه‌ها و ابلاغیه‌های بی‌شمار، بین اقتصاد ایران و الگوی ترسیم شده از اقتصاد مقاومتی فرسنگ‌ها فاصله است. گسترش فساد، قاچاق، احتکار و دلالی و مصرف‌گرایی در یکسال اخیر این امر را تایید می‌کند. این که ایران هدف تحریم قرار گرفته امری بی‌سابقه نیست اما وضعیت اقتصادی و معیشتی برآمده از اعلام تحریم‌های دولت ترامپ، خوشبینان را نیز غافلگیر کرده است. رکود و تورم بی‌بدیل سال ۹۷، در کنار این نکات که این بار، برعکس تجربه سالهای قبل، تنها کشور آمریکا به طور مستقیم مجری تحریم است و هنوز تحریم‌های نفتی آغاز نشدند، هر ناظری را انگشت به دهان کرده است. علت و ریشه وضعیت کنونی در زمینه گسترش فساد، احتکار، قاچاق و مصرف‌گرایی را باید در ضعف همبستگی عقلانی بین دولت و جامعه در ایران جستجو کرد. بررسی تاریخ جمهوری اسلامی ایران از منظر جامعه‌شناسی سیاسی نشان می‌دهد که تعامل بین دولت و جامعه فراز و فرودهای زیادی داشته است. گذشته از مقاطع تاریخی که گسست بین دولت و جامعه در تعامل بین آنها غالب بوده است، مقطعی که همبستگی بین این دو خرده نظام ایجاد شده است از نوع کاریزماتیک، کارکردی، هنجاری و گفتمانی بوده است. این درحالی است که این انواع همبستگی ماهیتاً شکننده و ناپایدار هستند. زیرا وابسته به شخصیت فردی، کارآمدی سیاستهای دولتی، هنجارهای نامنسجم و متغییر و گفتمانی بوده است که در عمل به نتایج ملموسی منجر نشد. این وضعیت باعث شده است که همبستگی عقلانی بین دولت و جامعه ایران تکوین نیابد.

کلید واژه: همبستگی عقلایی، فرهنگ اقتصادی، دولت-ملت، حاکمیت قانون،.

اقتصاد مقاومتی چند سالی است به عنوان مسیر اصلی پیشروی رشد اقتصادی در وضعیت تحریم در دستور کار نظام سیاسی ایران قرار گرفته است. اما تورم و رکود ناشی از خروج ترامپ و بازگشت تحریمهای آمریکان نشان داد که مهمترین بستر اقتصاد مقاومتی که همان فرهنگ است، بسیار سست است. میزان گسترش احتکار، قاچاق، دلال‌گرایی و نوع الگوهای مصرف در جامعه ایرانی گواهانی مشهود برای این ادعاست. این الگوها نشان میدهند که جمع‌گرایی یا ملی‌گرایی در برابر فردگرایی و فردمحوری در فرهنگ اقتصادی ایرانی بسیار ضعیف و ناتوان هستند. در چارچوب رویکرد جامعه‌شناسی سیاسی و کاربرد روش تطبیقی-تاریخی به این نتیجه رسیدیم که مهمترین علت ضد توسعه بودن فرهنگ ایران و فردگرایانه بودن آن، ناکامی در تکوین همبستگی عقلانی بین دولت و جامعه بوده است. همبستگی عقلانی بین دولت و جامعه بر پایه شخصیت فردی رهبران، هنجارهای نامسنجم و ناپایدار، گفتمانهای غیرشفاف و شعارگونه و کارکردهای سیاستگذاریهای مقطعی شکل نمیگیرد. بلکه پایه و اساس آن قوانین مشروعی است که هم شفاف و هم پایدار هستند. از این رو همبستگی عقلانی بر پایه حاکمیت قانون بین دولت و جامعه می‌تواند زیربنای ایمن و مستحکمی برای توسعه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ایران باشد. همچنین این همبستگی زمینه و بستری استوار برای گذر از بحرانهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است. تاریخ جمهوری اسلامی نشان میدهد که با وجود انواع دیگر همبستگی بین دولت و جامعه، رقابتهای فراقانونی نیروهای آزاد شده از انقلاب، طولانی‌ترین جنگ معاصر و اقتدار سنتی در بین نهادها، قشرها و خانواده‌های متنفذ پس از انقلاب این امکان را گرفته است که همبستگی بین دولت و جامعه به همبستگی عقلانی و منطقی مبنی بر حاکمیت قانون تبدیل شود.

به عبارت دیگر «اجرا نشدن کارآمد قوانین مشروع» باعث تعمیق تضاد دولت و ملت در ایران و تکوین نیافتن همبستگی عقلانی در دوران جمهوری اسلامی شده است. حاکمیت قانون^۱ یا قانون‌گرایی^۲ با وجود اینکه مفهومی عمومی است اما هنوز یکانگهی نظری در مورد آن به وجود نیامده است. برخی این مفهوم را به معنای نبودن نهاد و شخصی برتر از قانون و تابع قانون بودن همه افراد تلقی کردند. این دیدگاه حاکمیت قانون را همان قانون‌گرایی و برابری در برابر قانون تلقی می‌کنند. برداشت دیگر بر قانونیت^۳ تکیه دارد و حاکمیت قانون را محور بودن آن در ایجاد حق و تکلیف می‌دانند. برداشت سوم از حاکمیت قانون، حکومت آن بر مردم به جای اراده شخص یا گروهی خاص است. در کنار این برداشتها، گروهی دیگر بر این باورند که مبتنی بودن تصمیمات بر مبنای دلایل قانونی، همان حاکمیت قانون است به این معنا که هیچ تصمیم حکومتی گرفته و اجرا نمی‌شود مگر در چارچوب دلایل قانونی. برداشت اخیر عام‌تر و به نوعی در بردارنده قانون‌گرایی و قانونیت هم هست (مالمیری، ۱۳۸۵؛ ۱۸-۱۹). در رابطه با موضوع این مقاله، برداشت اخیر مطلوب‌تر است. قانون‌مداری را نباید امری یکطرفه تصور کرد و تنها حکومت را در مورد قانون‌مداری مسئول بدانیم. زیرا اگر قانون‌مداری را «تبعیت آگاهانه و پایدار از قوانین» بدانیم این امر باید هم از سوی مقامات و هم از سوی شهروندان رعایت شود (موسوی زاده، ۱۳۹۶: ۸). اما باید قبول کنیم که رفتار مقامات که غالباً خود را قانون‌مدار معرفی می‌کنند، در این زمینه توان شکل دهی بالایی به رفتار شهروندان دارد. به این معنا که قانون‌مداری شهروندان، الگویی از قانون‌مداری مقامات حکومتی است. «نفی رفتار دلبخواهانه» (United Nations, Hartmann and Klonowiecka-Milart, ۲۰۱۱: ۴۲-۶۵، ۲۰۱۱: ۲۷۱)، «اجرا شدن قوانین» (یا پیش‌بینی‌پذیری رفتار دولت بر پایه قانون) (Hayek, 1960: ۱۸۱، موسوی زاده، ۱۳۹۶: ۸) و «اعمال یکسان قانون بر



شهروندان» (Weingast, 2010: ۱۱-۱۲; Godson, 2004: ۱۴) از شاخصهای مهم قانون‌مداری در سطح مقامات است. پرسش این است که در تعامل بین حکومت و مردم در ایران، این شاخصها از سوی مقامات تا چه اندازه‌ای رعایت شده است؟ فراوانی شاخصها و رفتارهای تاییدکننده قانون‌گریزی در بین مردم و مقامات حکومتی در سراسر تاریخ معاصر ایران، غالب نویسندگان را به نفی فرهنگ قانون‌مداری در ایران سوق داده است (Banakar and Banakar and Nasrolahi, 2012: ۲۱; Fard, 2009: ۱۶; Katouzian, 2009: ۱۶). برخی دیگر بر اساس روش‌های کمی نبود شاخصهای مهم قانون‌گرایی را از دیدگاه جوامع نمونه مختلف در ایران تایید کردند (موسوی زاده، ۱۳۹۶) آنچه مهم است برداشت مردم از جایگاه حاکمیت قانون در رفتار مقامات حکومتی است. در دوران جمهوری اسلامی، دوره‌ای بلند مدت نمی‌توان یافت که در آن مردم به قانونی بودن رفتارهای مقامات حکومتی اعتماد کامل داشته‌اند. در دوران پس از انقلاب اسلامی، وضعیت انقلابی سالهای اول و طولانی‌ترین جنگ معاصر بین ایران و عراق، دو قطبی‌گرایی اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی به شکل فراقانونی مانع از حاکمیت قانون و باورپذیری آن در نظر مردم شده است. پس از جنگ نیز مطالعات نظری-تاریخی و تجربی زیادی در مورد قانون‌گریزی در ایران انجام شده است که با مفروض پنداشتن قانون‌گریزی در ایران در پی تبیین آن بودند (حاتمقادری، ۱۳۸۱، عباس عبدی، ۱۳۸۱، حق‌شناس، ۱۳۸۱، عبدالهی ۱۳۷۸، علوی تبار ۱۳۷۶) در کنار این آثار، مقالات و کتاب‌هایی در مورد تایید آماری قانون‌گریزی در ایران و سنجش دیدگاه‌های مردم در این زمینه وجود دارد (موسوی زاده، ۱۳۹۶؛ علیخواه، ۱۳۸۱). در این آثار مبتنی بر رویکرد پوزیتیویستی معمولاً باور به قانون‌گریزی مردم و مقامات حکومتی از طریق شاخصهای مختلفی مانند میزان اختلاس، رشوه‌گیری، تعداد پرونده‌های کیفری یا مدنی، اعتقاد به برابری در اعمال قانون، باور به مشروعیت نظام حقوقی، اعمال مجازاتها به صورت ناعادلانه، میزان جرایم رانندگی،

۱-The rule of law

۲-Legalism

۳-Legality

۴- برای مطالعه مطالعات آماری در مورد قانون‌گریزی مراجعه کنید به: علیخواه، فریدین (۱۳۸۱) بررسی میزان پایبندی مردم به قوانین و مقررات، تهران: اداره کل پژوهشهای اجتماعی و سنجش برنامه‌های صدا و سیما؛ ج. ا. رضایی، محمد (۱۳۸۳) بررسی میزان، نوع و عوامل موثر بر قانون‌گریزی بخشی از کارمندان دولت، تهران: معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

پوپایی دولت‌ها در قبال حکومت قانون، نفی رفتار دلبخواهی و اعمال یکسان قانون بر شهروندان به سنجش کشیده شده است. تقریباً تمامی این مطالعات قانون‌گریزی در ایران را تایید کردند. زمانی که روابط بین مردم و حکومت تابع حاکمیت قانون نباشد و یا مردم به این حاکمیت باور نداشته باشند همبستگی عقلانی بین خرده نظام اجتماعی و خرده نظام سیاسی امری دور از انتظار و تنها شعارگونه است. نبود حاکمیت قانون به نظام اجتماعی و نظام سیاسی اجازه قوام یابی نمی‌دهد. عدم پیوستگی ویژگی اساسی جامعه ایرانی است و این دقیقاً نتیجه‌ی فقدان طبقات و نهادهای اجتماعی دیرپا ناشی از قانون است. از همین رو جامعه ایرانی را جامعه کوتاه‌مدت خوانده‌اند. فقدان چارچوب حقوقی پابرجا و تخطی ناپذیر مانع از استمرار روابط پیش‌بینی‌پذیر و توجیه‌پذیر در بین حکومت و مردم شده است. در این وضعیت نمی‌توان امیدوار بود که همبستگی عقلانی بین این دو خرده نظام تداوم یابد.

با توجه به این قانون‌گریزی و ضعف حاکمیت قانون بر تعامل بین دولت و مردم باید گفت که

ناکامی در تکوین همبستگی عقلانی پیامد منطقی است که خود منجر به تقدم فردگرایی بر ملی‌گرایی و قانون‌گریزی بر قانون‌مداری در جامعه شده است. نمونه بارز این رویه، گسترش فساد، احتکار و قاچاق در جامعه ایرانی در شرایطی است که اقتصاد مقاومتی شعار و راهبردی اصلی کشور در برابر تحریم‌های آمریکا است. در این وضعیت چگونه می‌توان انتظار داشت که مردم از الگوهای فرهنگی همسو با اقتصاد مقاومتی پیروی کنند؟ چگونه می‌توان با قانون‌گریزی قانون‌گزاران، مجریان آنها و مقامات در کشور، قانون‌گرایی را از مردم مطالبه کرد؟

فردگرایی قانون‌گریز که حاصل از ضعف تاریخی همبستگی عقلانی قانون‌مدار بین دولت و جامعه است منجر به دلالت مسلکی مزمن، مصرف سرمایه‌ای و مبنی بر فخر فروشی، ضعف ناسیونالیسم مثبت اقتصادی، احتکارگرایی، قاچاق و فساد در اقتصاد ایران شده است. روند گسترش این الگوهای فردگرایانه در یک سال اخیر مشهود بود است. نامگذاری سالهای مختلف تحت عناوینی مانند «سال اقتدار ملی و اشتغال‌آفرینی» (۱۳۸۰)، «همبستگی



ملی و مشارکت عمومی» (۱۳۸۴)، «اتحاد ملی، انسجام اسلامی» (۱۳۸۶)، «تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی» (۱۳۹۱)، حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی (۱۳۹۲) «اقتصاد و فرهنگ، با عزم ملی و مدیریت جهادی» (۱۳۹۲)، دولت و ملت، همدلی و همزبانی (۱۳۹۴)، «اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل» (۱۳۹۵)، «اقتصاد مقاومتی، تولید - اشتغال» (۱۳۹۶)، «حمایت از کالای ایرانی» (۱۳۹۷) نشان از ضعف انگیزه‌های ناسیونالیستی مثبت و ضرورت تحریک انگیزه‌های اجتماعی در فرهنگ است. در فرهنگ ایرانی ناسیونالیسم غالباً بر پایه توطئه‌گرایی شکل منفی و برون‌نگر داشته است. ناسیونالیسم مثبت درون‌نگر که منجر به اتحاد و همبستگی در کنار تعامل سازنده با جهان می‌شود جای خود را غالباً به ناسیونالیسم منفی بر پایه تقابل با جهان داده است. انجام فعالیت‌ها و اقداماتی که نفع شخصی مستقیم فردی نداشته باشند و صرفاً به اقتصاد ملی کمک کنند مثلاً اضافه‌کاری بدون حقوق یک ساعته کارمندان، در فرهنگ اقتصادی ما هنوز غیرقابل تصور است.

حتی صرفه‌جویی‌هایی که زحمت زیادی ندارند و ضرری به منافع شخصی نمی‌رسانند، برای ارتقاء منافع اقتصادی ملی در فرهنگ ما امری غریب و عجیب است. با وجود تبلیغات زیاد در مورد مصرف کالاهای داخلی هنوز علتی غیر از ارزانی نسبی و اجبار فشار اقتصادی، محرک‌های مردم برای خرید کالاهای ایرانی نیست.

خیابان‌ها و حتی کوچه‌های این سرزمین مملو از بنگاه‌ها و مغازه‌های بزرگ و کوچکی است که دلالتی و واسطه‌گری پیشه دارندگان‌شان است. این در حالی است که استاد دانشگاه، پزشکان، معلمان، هنرمندان، تعمیرکاران، وزشکاران، معماران، کشاورزان و ... که بدون اختصاص مکانی خاص و به عنوان شغل دوم در حال خرید و فروش املاک، خودرو، تجهیزات پزشکی، ارز، مصالح ساختمانی، محصولات کشاورزی هستند در جامعه و اقتصاد دلال پرور ایرانی کم نیستند. نه تنها دلالان ایرانی متنوع هستند، کالا و خدمات موضوع دلالتی در ایران تنوع بالایی دارند؛ از گرفتن وقت پزشک برای به دنیا آوردن فرزندمان تا یافتن جایی برای خواب ابدی اجدادمان، از ثبت نام فرزندمان در مدرسه‌ای خاص تا مقاله و



رساله دانشگاهیش، از یافتن شغل و همتایی برای زندگی مشترک تا گرفتن وکیلی برای طلاق، از وام‌های بانک‌های اسلامی تا فیش‌هایی برای حج اسلامی، از خرید دارو و گرفتن تختی در بیمارستان تا خرید و فروش اعضای بدن.

نتیجه‌گیری:

زمانی که روابط بین مردم و حکومت تابع حاکمیت قانون نباشد و یا مردم به این حاکمیت باور نداشته باشند همبستگی بین خرده نظام اجتماعی و خرده نظام سیاسی امری دور از انتظار و تنها شعارگونه است. نبود حاکمیت قانون به نظام اجتماعی و نظام سیاسی اجازه قوام یابی نمی‌دهد. عدم پیوستگی ویژگی اساسی جامعه ایرانی است و این دقیقاً نتیجه‌ی فقدان طبقات و نهادهای اجتماعی دیرپا ناشی از قانون است. از همین رو جامعه ایرانی را جامعه کوتاه‌مدت خوانده‌اند. فقدان چارچوب حقوقی پابرجا و تخطی ناپذیر مانع از استمرار روابط پیش‌بینی‌پذیر و توجیه‌پذیر در بین حکومت و مردم شده است. در این وضعیت نمی‌توان امیدوار بود که همبستگی بین این دو خرده نظام تداوم یابد.

نیاز کشور ما در وضعیت کنونی چیست؟ تلاش برای دور زدن تحریم نفت و حفظ فروش آن از هر طریقی مثل مبادله با کالا یا فروش آن از طریق بازار سیاه. انتظار کشیدن برای لطف‌اروپاییان به جهت باز کردن سازوکاری جهت مبادله بانکی و کمک به اقتصاد ملی؟ تکیه بر روسیه و چین برای نادیده گرفتن منافع خود و توجه به منافع ایران؟ رایزنی برای وصل شدن پنهانی مقامات ایران و آمریکا برای توافقی دیگر؟ در وضعیتی که دولت ایران به اذعان مقامات بین‌المللی و حتی مقامات سازمان سیا آمریکا به بندهای توافق برجام پایبند بوده است، شاید تمامی راه‌های مطرح شده در بالا، نمکی بر زخم‌های کهن این دیار باشد. خروج نامشروع و یکجانبه دولت ترامپ از برجام همبستگی مبنی بر شور و احساس را در بین ایرانیان برانگیخت اما فرصت را برای تبدیل آن به همبستگی بر پایه عقلانیت و منطق بر اساس حاکمیت قانون هنوز غنیمت نشمردیم. ضعف همبستگی عقلانی و تعامل قانون‌گرای جامعه و دولت در حوزه اقتصاد و سیاست‌گذاری اقتصادی مهمترین عامل غلبه الگوهای تقلیل‌گرایانه (احتکار، فساد و قاچاق) در فرهنگ اقتصادی است که آینده اقتصاد ایران را به شدت تهدید می‌کند. از همین رو راهکار مقاله تحول در تعامل دولت-جامعه بر پایه قانون‌مداری است که می‌تواند وضعیت تهدیدآمیز تحریم و فشار اقتصادی را به فرصت تبدیل کند.



۱. ابلاغیه مقام معظم رهبری (۲۹ بهمن ۱۳۹۲)، «سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی»، قابل دسترس در: <http://www.leader.ir/fa/content/pdf/11480/>
۲. آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۷) ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
۳. آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۲). تاریخ مدرن ایران، ترجمه محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
۴. آدمیت، فریدون (۱۳۶۲) امیرکبیر و ایران، چاپ هفتم، تهران: خوارزمی.
۵. اوکازاکی، شوکو (۱۳۶۵). «قحطی بزرگ سال ۱۲۸۸ در ایران»، ترجمه هاشم رجب زاده، مجله آینده، سال دوازدهم، شماره یک: ۲۸-۴۲. در دسترس: <http://ensani.ir/file/download/pdf.858-3092-2012042612511/article>
۶. بدیع، برتران و بیرن‌بوم، پیر (۱۳۷۹). جامعه‌شناسی دولت، ترجمه احمد نقی زاده، تهران: انتشارات باز.
۷. بشیریه، حسین (۱۳۸۱) «کاریزما، سنت و قانون؛ منابع مشروعیت»، در معمای حاکمیت قانون، ویراستار عباس عبدی، تهران: انتشارات طرح نو، صص ۴۴-۵۶.
۸. بشیریه، حسین (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی سیاسی، نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، تهران: نشر نی.
۹. بشیریه، حسین (۱۳۷۸) جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: نشر نی.
۱۰. بیات، محسن (پاییز ۱۳۹۶) تجربه تحریم: راهبردی برای شناخت آسیب‌پذیری‌ها و تحقق اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه راهبرد، سال بیست و ششم، شماره ۸۴، ۱۳۹۶: ۷۷-۱۰۸.
۱۱. بیانات مقام رهبری در دیدار با دانشجویان (۱۶ مرداد ۱۳۹۱)، قابل دسترس در: <http://www.leader.ir/fa/9609/speech>
۱۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با صدها نفر از کارآفرینان (۱۶ شهریور ۱۳۸۹)، در دسترس: <http://www.7211/leader.ir/fa/content/pdf>
۱۳. بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع زائران حرم رضوی (یکم فروردین ۱۳۹۳)، قابل دسترس در: [file:///C:/Users/persian/Downloads/content.pdf.\[Leader.ir\]_11588_](file:///C:/Users/persian/Downloads/content.pdf.[Leader.ir]_11588_)
۱۴. خبرگزاری تسنیم (۱۴ شهریور ۱۳۹۷)، سازمان تعزیرات حکومتی جدیدترین آمار کشفیات کالاهای احتکار شده را اعلام کرد، قابل دسترس در: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1397/06/14/4481820708/14>
۱۵. دهقان نژاد، مرتضی و لطفی، الهام (بهار و تابستان ۱۳۹۲). «بررسی و تبیین عوامل مؤثر در شیوع قحطی سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۴ شمسی و اقدامات دولت در کاهش آثار مخرب آن»، تاریخ نامه ایران بعد از اسلام، سال سوم، شماره ۶: ۴۵-۶۵.
۱۶. کاتوزیان، محمدعلی همایون و طیب علیرضا (۱۳۷۶)، «حکومت خودکامه: نظریه‌ای تطبیقی درباره دولت، سیاست و جامعه ایران»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۱۷ و ۱۱۸.
۱۷. قوام، عبدالعلی و مالمیر، مهدی (زمستان ۱۳۹۳) «ارائه یک مدل تحلیلی برای بررسی شکاف دولت-ملت (الگویابی روابط بین دولت و جامعه)»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال دهم، شماره اول: ۱۵۷ تا ۱۹۷.
۱۸. لمبتون، آن‌کاترین سو این فورد (۱۳۹۴) مالک و زارع در ایران، مترجم منوچهر امیری، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۹. عاملی، سعیدرضا و محمدخانی نجمه (زمستان ۱۳۸۷) «ارتباطات بین فرهنگی و گفتمان حقوقی، آموزشی و رسانه‌ای ایرانی»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۴: ۷۸-۵۴.
۲۰. مالمیر، مهدی (۱۳۹۵) مطالعه تطبیقی-تاریخی زمینه و ریشه‌های اجتماعی شکاف دولت-ملت با تاکید بر ایران (۱۳۵۷-۱۳۰۴)، استاد راهنما مسعود چلبی، دانشگاه شهید بهشتی.
۲۱. مالمیری، احمد (۱۳۸۵) حاکمیت قانون (مفاهیم، مبانی و برداشتها)، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۲۲. موسایی، میثم (تابستان ۱۳۸۸). «نقش فرهنگ بر الگوی مصرف»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۳۴، سال نهم: ۱۲۵-۱۵۰.

۲۳. نوریس، پیپا و کدی، نیکی (۱۳۸۸) جامعه-شناسی سیاسی شکاف-های اجتماعی، ترجمه پرویز دلیرپور و علیرضا سمیعی اصفهانی، تهران: انتشارت کویر.
۲۴. وینسنت، اندرو (۱۳۸۹) نظریه-های دولت، ترجمه حسین بشیریه، تهران، نشر نی.
۲۵. موسوی زاده، سید شهاب الدین (زمستان ۱۳۹۶)، «در انتظار قانون گرایی: تحلیل متنی نظریه حاکمیت قانون در ایران»، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و چهارم، شماره ۹۲: ۱۷۵-۲۰۴.
۲۶. Banakar, Reza and Nasrolahi Fard, Shahrard (۲۰۱۲). "Driving Dangerously: Law, Culture and Driving Habits in Iran", *British Journal of Middle Eastern Studies*, Vol. ۳۹, No. ۲. Available at:
۲۷. https://www.researchgate.net/publication/۲۲۸۱۳۵۶۳۱_Driving_Dangerously_Law_Culture_and_Driving_Habits_in_Iran
۲۸. Katouzian, H. (۲۰۰۹). *The Persians: Ancient, Mediaeval and Modern Iran*, New Haven: Yale University. Available at:
۲۹. https://www.researchgate.net/publication/۲۴۸۴۰۰۳۷۸_The_Persians_Ancient_Mediaeval_and_Modern_Iran
۳۰. Gurr, Ted Robert (۲۰۰۰) *Peoples versus states: minorities at risk in the new century*, Washington, D.C.: United States Institute of Peace Press. Available at:
۳۱. http://staging.bitfusion.io/peoples_versus_states_minorities_at_risk_in_the_new_century.pdf
۳۲. Hanway, Jonas (۱۷۵۴) *An historical account of the British trade over the Caspian Sea*, London: Dodsley, etc. Available at: <https://catalog.hathitrust.org/Record/۰۰۸۶۸۸۱۹۵>
۳۳. The United Nations Rule of Law Indicators (۲۰۱۱). First edition, Implementation Guide and Project Tools, Department of Peacekeeping Operations, Office of the High Commissioner for Human Rights, United Nations Publication. Available At: http://www.un.org/en/events/peacekeepersday/۲۰۱۱/publications/un_rule_of_law_indicators.pdf
۳۴. Hartmann, Michael E. and Klonowiecka-Milart, Agnieszka (۲۰۱۱). "Lost in Translation Legal Transplants Without Consensus-Based Adaptation", in: *The Rule of Law in Afghanistan: Missing in Inaction*, Editor: Whit Mason, Cambridge. Available at:
۳۵. https://www.researchgate.net/publication/۲۵۶۰۵۷۴۴۷_Legal_Transplant_of_Undue_Influence_Lost_in_Translation_or_a_Working_Misunderstanding
۳۶. Weingast, Barry R. (۲۰۱۰). "Why Developing Countries Prove So Resistant to the Rule of Law", in James J. Heckman, Robert L. Nelson, and Lee Cabatingan (eds), *Global Perspective on the Rule of Law*, Abingdon, Routledge. Available at: http://jenni.uchicago.edu/WJP/Vienna_۲۰۰۸/Weingast_ROL_MS_-۰۸_۲۰۰۰%۲۰۵۱۹.pdf
۳۷. Godson, Roy (۲۰۰۴). "A Guide to Developing a Culture of Lawfulness", *Symposium on the Role of Civil Society in Countering Organized Crime: Global Implications of the Palermo, Sicily Renaissance*, Inter-American Drug Abuse Control Commission, Available at: [Http://www.cicad.oas.org/apps/Document.aspx?Id=۳۰۹](http://www.cicad.oas.org/apps/Document.aspx?Id=۳۰۹).
۳۸. Hayek, Friedrich August Von (۱۹۶۰) *The Constitution of Liberty*, University of Chicago. Available at: <http://iea.org.uk/sites/default/files/publications/files/Hayek's%۲۰Constitution%۲۰of%۲۰Liberty.pdf>
۳۹. Banakar, Reza and Shahrard Nasrolahi Fard (۲۰۱۲). "Driving Dangerously: Law, Culture and Driving Habits in Iran", *British Journal of Middle Eastern Studies*, Vol. ۳۹, No. ۲. Available at:





امیرحسین علی خانی
دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل
دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)



پریسا پارسا
دانش آموخته‌ی کارشناسی ارشد روابط بین الملل
دانشگاه علامه طباطبائی

بررسی تطبیقی سیاست خارجی باراک اوباما و دونالد ترامپ

در قبال بحران سوریه (سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۱)



چکیده:

بیش از شش میلیون سوری آواره شده در این کشور، پنج میلیون آواره به کشورهای اطراف، تخریب بیش از حد مناطق کشور، اقتصاد و آینده‌مردمان سوری، کشته‌شدن بیش از ۵۰۰ هزار نفر در درگیری‌های سوریه و صرف بودجه‌های کلان کنگره آمریکا تنها بخشی از واقعیت کشور سوریه بعد از به دست گرفتن ریاست جمهوری باراک اوباما می‌باشد. کشور سوریه با واقع شدن در بخشی ژئوپلیتیک و حساس از منطقه‌ای بحران‌زای خاورمیانه به میدانی برای برخورد قدرت‌ها تبدیل شده و از نظر بین‌المللی در معادلات جهانی دارای اهمیت خاصی می‌باشد. بازیگران مهم این منطقه از طرفی محور مقاومت، جمهوری اسلامی ایران، حزب الله لبنان، دولت بشار اسد سوریه و در حاشیه آن روسیه و ترکیه راهبرد استراتژیک خود را در برابر بازیگر دیگر یعنی اسرائیل و آمریکا قرار داده اند. مقاله حاضر باروش تحقیق رویکرد کاوش مند سعی در تبیین و تطبیق دو رویکرد ادوار سیاست خارجی آمریکا در سوریه می‌باشد.

واژگان کلیدی: بحران - جنگ داخلی - سوریه - تروریسم - آمریکا

شناخت سیاست خارجی و راهبردهای مورد استفاده رهبران ایالات متحده همواره یکی از موضوعات و دغدغه‌های علوم سیاسی بوده. به دلیل ذات متغیر و سیال سیستم بین‌المللی که دارای سطوح مختلف تحلیلی است شرایط را برای اندیشمندان این علم برای نیل به واقعیت، شناخت، پیش‌بینی و کنترل یک واقعه همواره سخت کرده است. در این بین خاورمیانه با وجود منابع نفت و گاز، همواره از مهم‌ترین مناطق جهان به حساب آمده و رهبران کشورها رویکردهای مختلفی برای ورود و دخالت به این منطقه در پیش گرفته‌اند. کشور سوریه به ریاست جمهوری بشاراسد بعد از بهار عربی و مخصوصاً اعتراضات مارس ۲۰۱۱ به صورت مرکز ثقل این منطقه جلوه‌گر شد (اسمعیلی، ۱۴۰۰: ۱۰۱). ناتوانی اولیه بشاراسد در کنترل معترضان

و شورشیان، ظهور گروهک‌ها تروریستی و بیشتر شدن فعالیت آن‌ها، دخالت آمریکا، کشتار وسیع مردم و نقض حقوق بشر همگی معلول ذات متغیر نظام بین‌الملل می‌باشد. سیاست خارجی آمریکا در قبال بحران سوریه ترکیبی از راهبردها و دکترین‌های مختلف از تلاش‌های دیپلماتیک گرفته تا حمله مستقیم به خاک سوریه همگی به منظور نیل به اهداف و ارتقای منافع ملی ایالات متحده بوده (سلطانی نژاد و دیگران، ۱۳۹۸: ۶۹).

باراک اوباما چهل و چهارمین رئیس‌جمهور آمریکا با شعار تبلیغاتی امید و تغییر، اولویت خود را خاتمه دادن به جنگ عراق به دلیل هزینه سرسام‌آور جنگ و بحران اقتصادی ۲۰۰۹ قرار داد (روزبهان، ۱۳۹۶: ۲۹). برای همین منظور اوباما برخلاف اسلاف و رهبران قبلی آمریکا تمرکز خود را بیشتر بر مسائل داخلی گذاشته و با تأکید به چندجانبه‌گرایی و عدم تمایل حضور مستقیم در جهان، باعث تغییر سیاست خارجی ایالات متحده شد. با نگاه به رویکرد تدافعی اوباما متوجه استفاده وی از راهبرد موازنه از راه دور خواهیم شد. این راهبرد اجازه‌ی دور نگه داشتن خود از مناقشه را به منظور کاهش هزینه می‌دهد و فقط برای حفاظت از منافع حیاتی، نیروی نظامی به عنوان راهکار پیشنهاد می‌شود. ولی پیدایش داعش معادلات اوباما را بر هم زده و او را مجبور به تغییر راهبرد استراتژیک می‌کند.



ترامپ رییس جمهور بعدی آمریکا دارای ویژگی‌های شخصیتی پیش بینی ناپذیر، خودمحور، رادیکال و بدبین نسبت به نظام بین‌الملل سیاست خارجی خود را متفاوت با اوباما قرار داده و نسبت به استفاده از گزینه نظامی علاقه دارد. وی حمله شیمیایی سوریه را به شدت پاسخ داده و مبارزه با دولت اسلامی عراق و شام (داعش) را در رأس برنامه‌ریزی سیاست خارجی خود قرار می‌دهد. سیاست خارجی ترامپ در مقایسه با اوباما مبین نظامی‌تر و تهاجمی‌تر شدن رویکرد آمریکا می‌باشد. ترامپ اولویت‌های خود را کسب چهره اقتدارآمیز برای آمریکا قرار داده و نیروی نظامی را اولین گزینه حل مشکلات قلمداد می‌کند. پیشینه پژوهش

بلدر بریفتی (۱۳۹۷) در کتاب سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه به بررسی کنشگری آمریکا در منطقه آسیای جنوب شرقی از منظر واقع‌گرایی تهاجمی می‌پردازد و هدف آمریکا را جلوگیری از ظهور یک قدرت منطقه‌ای میداند. راهبرد آمریکا را در زمان و مکان‌های مختلف، متفاوت و متغیر مانند تحریم سیاسی، فشار دیپلماتیک، نهادگرایی و استفاده از نیروی نظامی می‌انگارد.

علی باقری دولت‌آبادی (۱۳۹۶) در مقاله خود تحت عنوان (مقایسه سیاست‌های اوباما و ترامپ در برابر بحران سوریه) به تفاوت‌ها، علت حوادث و چرایی جنگ سوریه و دخالت دو رییس جمهور می‌پردازد. با توجه به مورد توجه قرار گرفتن بحران سوریه در مطبوعات و رسانه، آمریکا و سیاست خارجی آن بیشتر



بحران سوریه

خاورمیانه از منظر ژئوپلیتیکی در مرکز تحولات و بحران‌های امنیتی و نظامی از قرن ۲۰ تا به امروز می‌باشد (کلیب، ۱۴۰۲: ۱۱). در بررسی شکل‌گیری بحران سوریه نمیتوان تحولات و وقایع بهار عربی را نادیده گرفت؛ این مجموعه از انقلابات باعث زد و خورد بین مردم و حاکمیت، بروز خشونت و تغییر نظام سیاسی در کشورهایی مانند مصر، تونس، یمن و لیبی شد. کشور سوریه هم با واقع شدن در منطقه خاورمیانه از این تحولات مصون نمانده و آثار انقلاب به آن سرایت کرده است. سوریه با داشتن رژیم‌های انحصاری، تک حزبی و سکولار با تبعیت از الگوهای اقتدارگرایانه به ریاست‌جمهوری بشار اسد دارای مشکلات فراوان اقتصادی، قومی، امنیتی و ... می‌باشد (همان، ۱۴۰۲: ۱۴۱). در سال ۲۰۰۹ بیش از ۳ میلیون نفر سوری در کشور خود کاملاً بدون درآمد معیشتی بودند. ساختار فاسد، اختناق، سرکوب و اقتصاد ورشکسته باعث شعله‌ور شدن اعتراضات در نواحی حما، درعا، حمص و دیرالزور شده و عملاً سوریه از سال ۲۰۱۱ بعد از سرکوب معترضان به مرکز تنازعات جهانی تبدیل شد. با نگاه به رویکرد ایالات متحده در خاورمیانه، منافع این کشور را در گزاره‌های زیر خلاصه می‌شود:

۱- تامین امنیت اسرائیل

۲- جلوگیری از پدید آمدن هژمون و قدرت برتر منطقه‌ای

۳- جلوگیری از نفوذ و تفوق ایران، چین و روسیه

۴- کنترل بازیگرانی که خواهان تغییر موازنه و سیستم منطقه‌ای هستند

۵- جلوگیری از هسته‌ای شدن

۶- مبارزه با گروه‌های تروریستی که در تضاد با آمریکا می‌باشند

۷- مبارزه با مسلمانان

۸- تداوم حضور و نفوذ خود در خاورمیانه‌ی ژئوپلیتیکی و دارای منابع نفت و گاز

رویکرد اوباما به بحران سوریه:

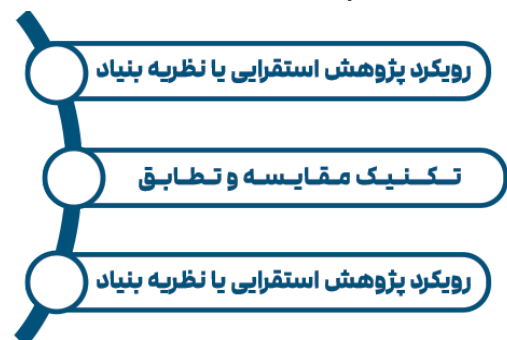
ایالات متحده بعد از حوادث و تجربیاتی که بعد از یازدهم سپتامبر به دست آورد همواره سیاست خارجی

از پیش به میان می‌آید. دولت آبادی فرضیه خود را حفظ اسرائیل را معلول مهار قدرت ایران و اعمال آمریکا گذاشته و سیاست خارجی آمریکا را تضعیف سوریه میداند.

مقاله حاضر سعی در ایجاد یک پژوهش منسجم و رفع خلا‌های موجود در پژوهش‌های گذشته با بررسی تطبیقی رویکرد روسای جمهور ایالات متحده در قبال بحران سوریه را دارد.

روش تحقیق

با توجه به موضوع پژوهش و محدودیت‌های موجود، رویکرد این پژوهش از راهبرد استقرایی یا شواهد بنیان (رویکرد کاوش نظام مند) استفاده میکند؛ بدین منظور از روش بررسی تطبیقی - توصیفی برای شناخت و فهم یک موضوع از طریق مشاهده و تطابق، انتخاب پدیده‌های مربوط به هم درصدد بیان شباهت و تفاوت‌های موضوع مورد بررسی به کوشش نظری می‌پردازیم.



رویکرد نظری

نظریه واقع‌گرایی در علوم اجتماعی و روابط بین‌الملل بر این اصل مبتنی است که واقعیت‌های عینی و مستقل از ادراک انسانی وجود دارند (کار، ۱۴۰۰: ۳۱) و می‌توان آن‌ها را از طریق روش‌های علمی و تجربی بررسی کرد. این نظریه بر نقش محوری دولت‌ها به عنوان بازیگران اصلی در نظام بین‌المللی آنارشیک تأکید دارد (مرشایمر، ۱۳۸۹: ۹) و استدلال می‌کند که قدرت نظامی و اقتصادی دولت‌ها تعیین‌کننده رفتارهای بین‌المللی است. همچنین، واقع‌گرایی بر این باور است که انسان‌ها و دولت‌ها به طور ذاتی به دنبال منافع خود هستند (قاسمی، ۱۳۹۴: ۲۳۰) و در نظام بین‌المللی هیچ نهاد فراملی قهری برای کنترل رفتار آن‌ها وجود ندارد.

خود را به صورتی تهاجمی تر تعریف کرده و خود را منجی جهان بشریت از دستان تروریسم و وظیفه پلیس جهانی را به جامعه بین المللی القا کرد (ادواردز، ۱۴۰۲: ۲۶). متغیرهای فراوانی در شکل‌گیری سیاست خارجی آمریکا چه به صورت داخلی و چه خارجی اثرگذار بوده؛ در ابعاد خارجی میتوان متغیرهای زیر را عنوان کرد:

۱- قدرت گرفتن چین و سیاست کسب پرستیژ در عین حال تجدیدنظر طلبانه‌ی این کشور در صحنه‌ی بین الملل.

۲- قدرت گرفتن گروهک‌های تروریستی و تکفیری در منطقه خاورمیانه و مخالفت علنی با ایدئولوژی غرب.

۳- جولان ایران در منطقه.

۴- وجود مناطق مهم نفتی و گازی در خاورمیانه و وابستگی روزافزون صنایع آمریکا به منابع طبیعی.

۵- تجربه‌ی سیاست مداخله‌گرایانه و توسل به رژیم‌ها و شرکت توسط دولت نیکسون (۱۹۶۹) در مناطق نفتی اورمیانه و دخالت سودآور

آمریکا در تغییر راهبرد نفتی کشورهای تولید کننده نفت. (علی‌خانی، ۱۴۰۲)

و در ابعاد داخلی :

۱- کشف منابع عظیم نفت و گاز در مناطق شمالی که به شدت بازار

انرژی را تحت تاثیر خود قرار داده و به صورت متغیر مادی در کاهش نیاز آمریکا به نفت خاورمیانه ظاهر شد.

۲- بالا رفتن سطح تنش و واکنش افکار عمومی آمریکایی‌ها نسبت به جنگ افروزی ایالات متحده.

۳- لابی پررنگ اسرائیل.

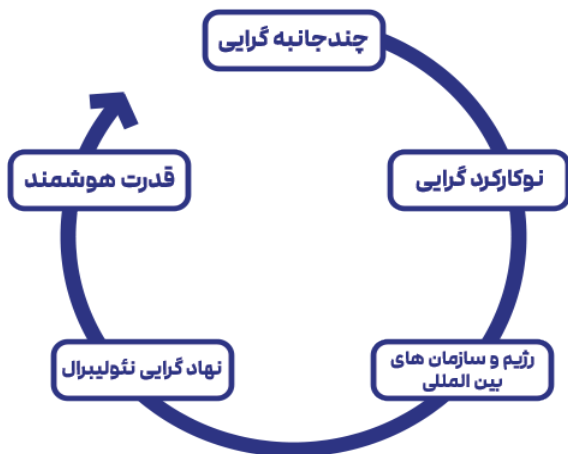
۴- وقوع ۱۸ عملیات تروریستی در دوره‌ی اول ریاست جمهوری اوباما و ۶ عملیات در دوره‌ی دوم.

در راستای اجرای دکترین قدرت هوشمند، اوباما با ابزارهای دیپلماتیک مانند مذاکرات ژنو، سعی در کناره‌گیری بشاراسد از زمام قدرت و ارائه‌ی طرح دولت انتقالی را داشت و خود باراک اوباما شخصا از بشاراسد درخواست کناره‌گیری از قدرت را داشت.

ولی این راهبرد با پدید آمدن یا آوردن داعش به کلی معادلات را برهم زده و بی‌نتیجه ماند (نیر، ۱۳۹۷: ۵۱). افکار عمومی جامعه آمریکا تاب پذیرش دخالت ایالات متحده در جنگ سوریه را نداشت و در شعارهای کمپین انتخاباتی اوباما محوریت ضدیت با جنگ بیش از همه چیز به چشم می‌خورد؛ برای همین اوباما برای شانه خالی کردن از بار تعهدات جنگ و پیامدهای آن، به کنگره ایالات متحده درخواست حمله به سوریه را تسلیم کرد. در پی کنش‌های اوباما مبنی بر ادامه‌ی دکترین مورد استفاده‌ی خود، برای حمایت از مخالفان سوری دولت بشار اسد، جای مانور بیشتری به عربستان برای این اقدام داد و به حمایت هرچه بیشتر خود از گروه‌های معارض سوری پرداخت.

در تبیین اهداف اوباما و آمریکا در سوریه نباید تاثیر دکترین راهبرد امنیت ملی را نادیده گرفت؛ این سند مصوبه سال ۱۹۸۶ کنگره آمریکا به هر مقام ریاست جمهوری وظیفه‌ی تعریف و تبیین تهدیدها و فرصت‌های پیش روی آمریکا را در همه بخش‌های سیستم بین‌المللی و جامعه جهانی را محول کرده. (ساعد، ۱۳۸۷) باراک اوباما در سند راهبری خود، مسائل سیستمی متأثر از اقدامات آمریکا را با متغیر مداخله‌گر ابعاد داخلی خود ایالات متحده می‌خواند و سعی در کاهش هزینه‌های





بعد اقتصادی سیاسی



بعد نظامی

و سعی در کاهش هزینه‌های دخالت در مناطق مختلف جهان را داشت. نوع نگاه او باما اینگونه بود که آمریکا در جایی که می‌تواند مسئله را حل و فصل کند وارد شده در غیر این صورت مسئولیت حل مشکلات جهانی بر دوش آمریکا نیست (سریع‌القلم، ۱۴۰۳). بحران سوریه ترکیبی از مسائل داخلی و بین‌المللی می‌باشد که می‌توان از دخالت آمریکا برای منافع خود، وجود اسرائیل، اعتراضات داخلی، وجود گروه‌های مسلح تروریستی نامید. همچنین می‌توانیم دکترین‌های اتخاذ شده توسط او باما را در ابعاد اقتصاد سیاسی و نظامی بدین نحو نشان دهیم:

راهبرد ترامپ در برابر بحران سوریه:

با به قدرت رسیدن فردی خودمحور، پراگماتیست و جمهوری خواه که بنیان‌های شعار خود را مبنی بر (عظمت آمریکایی) بنا نهاده بود به تجهیز هرچه بیشتر ارتش و وزارت دفاع ایالات متحده پرداخت.

دخالت در مناطق مختلف جهان را داشت. نوع نگاه او باما اینگونه بود که آمریکا در جایی که می‌تواند مسئله را حل و فصل کند وارد شده در غیر این صورت مسئولیت حل مشکلات جهانی بر دوش آمریکا نیست (سریع‌القلم، ۱۴۰۳). بحران سوریه ترکیبی از مسائل داخلی و بین‌المللی می‌باشد که می‌توان از دخالت آمریکا برای منافع خود، وجود اسرائیل، وقوع ۱۸ عملیات تروریستی در دوره‌ی اول ریاست جمهوری او باما و ۶ عملیات در دوره‌ی دوم.

در راستای اجرای دکترین قدرت هوشمند، او باما با ابزارهای دیپلماتیک مانند مذاکرات ژنو، سعی در کناره‌گیری بشاراسد از زمام قدرت و ارائه‌ی طرح دولت انتقالی را داشت و خود باراک او باما شخصا از بشاراسد درخواست کناره‌گیری از قدرت را داشت. ولی این راهبرد با پدید آمدن یا آوردن داعش به کلی معادلات را برهم زده و بی‌نتیجه ماند (نیر، ۱۳۹۷: ۵۱). افکار عمومی جامعه آمریکا تاب پذیرش دخالت ایالات متحده در جنگ سوریه را نداشت و در شعارهای کمپین انتخاباتی او باما محوریت ضدیت با جنگ بیش از همه چیز به چشم می‌خورد؛ برای همین او باما برای شانه خالی کردن از بار تعهدات جنگ و پیامدهای آن، به کنگره ایالات متحده درخواست حمله به سوریه را تسلیم کرد. در پی کنش‌های او باما مبنی بر ادامه‌ی دکترین مورد استفاده‌ی خود، برای حمایت از مخالفان سوری دولت بشار اسد، جای مانور بیشتری به عربستان برای این اقدام داد و به حمایت هرچه بیشتر خود از گروه‌های معارض سوری پرداخت.

در تبیین اهداف او باما و آمریکا در سوریه نباید تاثیر دکترین راهبرد امنیت ملی را نادیده گرفت؛ این سند مصوبه سال ۱۹۸۶ کنگره آمریکا به هر مقام ریاست جمهوری وظیفه‌ی تعریف و تبیین تهدیدها و فرصت‌های پیش روی آمریکا را در همه بخش‌های سیستم بین‌المللی و جامعه جهانی را محول کرده. (ساعد، ۱۳۸۷) باراک او باما در سند راهبری خود، مسائل سیستمی متأثر از اقدامات آمریکا را با متغیر مداخله‌گر ابعاد داخلی خود ایالات متحده می‌خواند

او در سند راهبرد امنیت ملی خود ابتدا بر خطر و مبارزه با (تروریست‌های رادیکال اسلام‌گرا) تاکید کرد و نیاز جامعه جهانی را به یک آمریکای مقتدر میدانست (ترامپ‌سم، ۱۴۰۰: ۱۷۱). میتوان راهبرد باراک اوباما را در سیستم بین‌المللی، رهبری جهان در حاشیه و نهاد گرا بدانیم و راهبرد ترامپ را رهبری در صحنه و واقع‌گرا قلمداد کنیم. وی از طریق راهبرد یکجانبه‌گرایی همیشگی آمریکا جهان را متوجه نیاز خود به رهبری ایالات متحده بر سیستم بین‌المللی کرد و برخلاف رییس جمهور پیشین علاقه‌ای به دموکراسی و حقوق بشر برای حل مشکلات سوریه و در حادثه‌ترین آن، داعش ندارد. ترامپ فقط یک هفته بعد از به قدرت رسیدن دستور تجهیز، بازسازی و تخصیص منابع بیشتر به ارتش و نیروهای نظامی را صادر کرد. (امینیان، ۱۳۹۶) همچنین به صورت تصاعدی بودجه نظامی را افزایش داده و در سال ۲۰۱۷ با حمله موشکی مستقیم به پایگاه هوایی شعیرات متعلق به نیروی هوایی سوریه واقع در غرب استان حمص در پی پاسخ به حمله شیمیایی خان شیخون برآمد (کاکوتانی، ۱۴۰۱: ۸۹).

اقدامات جنگ افروزان‌ه‌ی ترامپ:

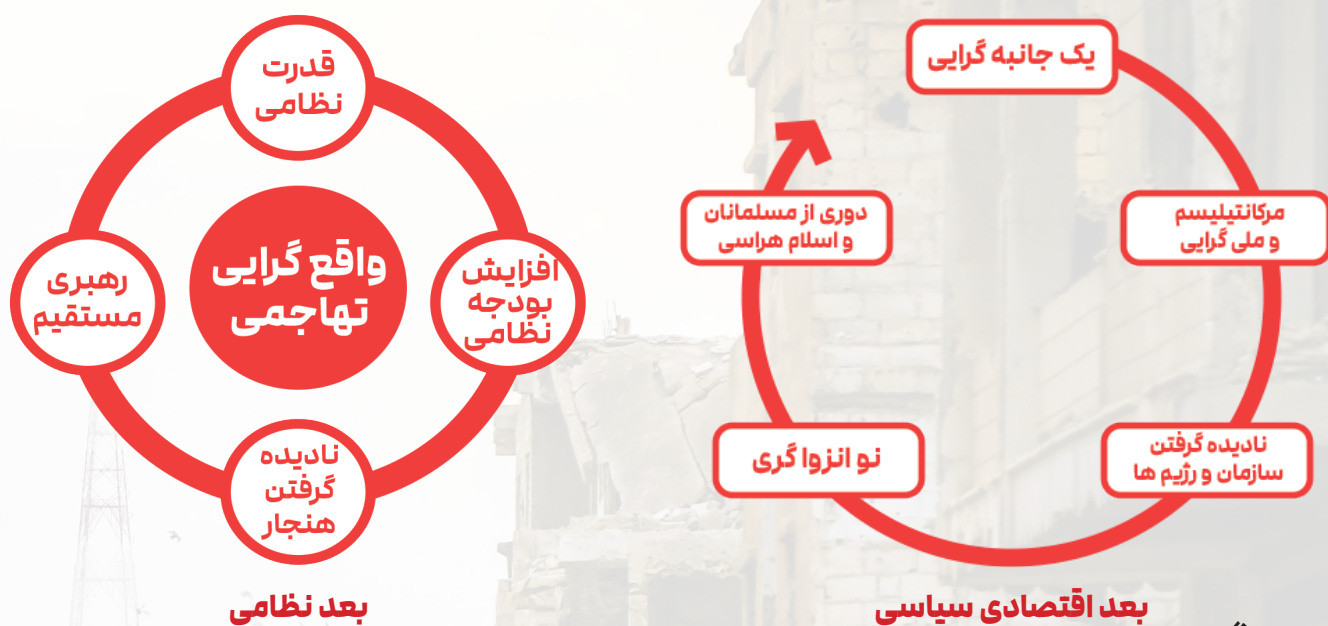
- ۱- تجهیز، آموزش و تخصیص منابع مالی به ۴۰۰۰ نیروی عرب
- ۲- اعزام سربازان آموزش دیده‌ی نیروی دریایی آمریکا به سوریه در ۲۰۱۷
- ۳- همکاری با کشورهای متحد خود و سوق دادن آن‌ها به دخالت در سوریه و جنگ
- ۴- حمله‌های متعدد موشکی به نقاط مهم سوریه
- ۵- کشتن ابراهیم عواد ابراهیم بدری قرشی اولین خلیفه داعش در اکتبر ۲۰۱۷ با حمله به مکان اختفای او در نزدیکی مرز ترکیه و سوریه با استفاده از نیروهای دلتای فرماندهی مشترک عملیات ویژه، هنگ ۵۷ تکاوران و نیروهای ویژه هوای ایالات متحده

ایالات متحده آمریکا بیش از ۳۰ میلیارد دلار صرف حضور خود فقط در کشور سوریه از تجهیز، آموزش سرباز و مبارزه با داعش گرفته و زد و خورد با دولت وقت سوریه کرده است. تا جایی که ترامپ مایل بود برای جلوگیری از صرف هزینه بیشتر، نه تنها از سوریه بلکه از منطقه خاورمیانه خارج شود. (بولتون، ۱۳۹۹) از طرفی ترامپ حدس می‌زد ترکیه به صورت مستقیم وارد سوریه و جنگ بشود و به طور معمول با حمله خود باعث آسیب به کردهای مستقر در این منطقه بشود. زیرا با توجه به تعهد خود به نیروی‌های کرد، زد و خوردی بین آمریکا و ترکیه به وجود می‌آید که معادلات ایالات متحده را به هم میریزد؛ (بولتون، ۱۳۹۹: ۷۰) حتی در سال ۲۰۱۹ به صورت علنی خواستار بازگشت نیروهای خود به بهانه کشتن ابوبکر البغدادی و شکست داعش، از سوریه شد ولی با توجه به حضور ایران در منطقه، کمک‌های روسیه، ضروری بودن حضور آمریکا برای منافع خود و وجود گروهک‌های تروریستی مختلف در نهایت به مانند سابق حضور خود در منطقه را تمدید کرد. کنگره آمریکا با تصویب قطعنامه‌ای که در متن مصوب آن به ضرورت حفظ مناطق شمال شرقی سوریه توجه شده بود، با عدم حمایت از کردها و رها



کردن این گروه به حال خود در مقابله با داعش، مخالفت کرده و بر حفظ پایگاه نظامی التَّنَف واقع در جیف التَّنَف تاکید میکند.

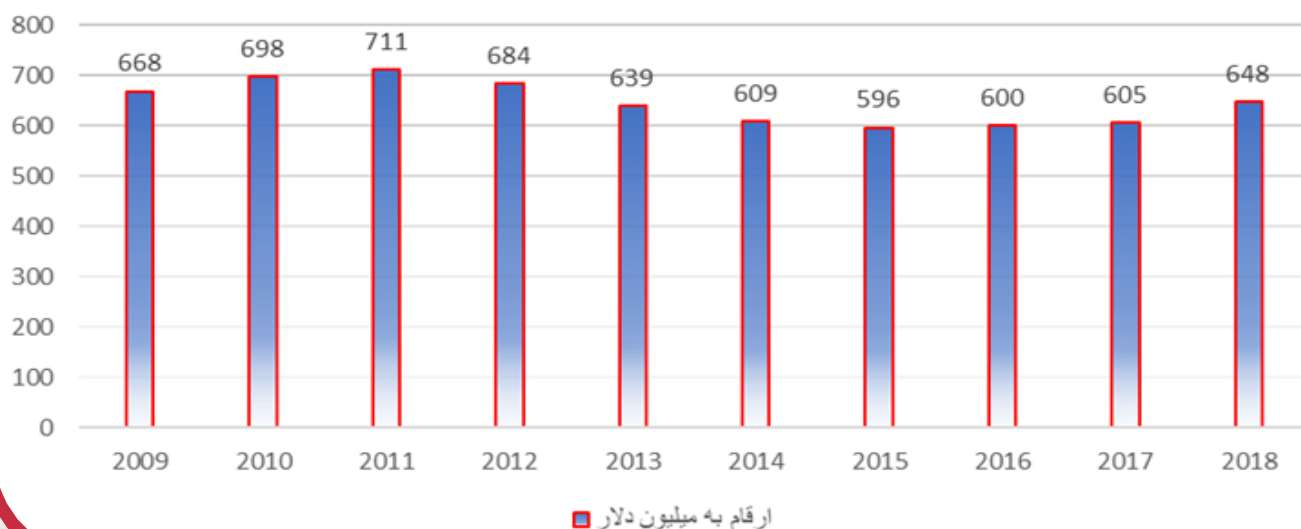
رویکرد سیاست خارجی ترامپ را میتوان به صورت زیر نشان داد:



نتیجه گیری

در اوایل ابتدایی سال های ریاست جمهوری اوباما بودجه ی نظامی ایالات متحده بالغ بر ۶۶۸ میلیارد دلار شامل میشد که با به کارگیری دکتترین قدرت هوشمند و دلایلی که در پژوهش گفته شد این رقم در سال ۲۰۱۵ به کمترین مقدار خود یعنی ۵۹۶ میلیارد دلار رسید. در جدول زیر میزان تغییرات بودجه نظامی ایالات متحده را با رسم نمودار نشان داده میشود:

بودجه نظامی آمریکا



سیاست خارجی آمریکا در زمان ریاست جمهوری باراک اوباما تبلور تلفیق پارادایمی و ترکیب واقع گرایی، حداقل گرایی، چندجانبه گرایی و خودمحوری میباشد. بر رهبری در حاشیه خود اصرار کرده و دیگر کشورها را در حفظ نظم سیستم بین الملل و امنیت بین الملل شریک میداند. اما ترامپ با داشتن ویژگی های شخصیتی رادیکال تری نسبت به اعصار خود، به منظور ایجاد بازدارندگی و کسب پرستیژ و اقتدار، ایجاد راهی برای کوتاه کردن دست ایران از منطقه و تضعیف جریان مقاومت، حملات شیمیایی دولت سوریه را در سال ۲۰۱۸ و ۲۰۱۷ بلافاصله با حمله مستقیم نظامی به خاک سوریه و بمباران موشکی جواب داد.

منابع:

- اسمعیلی، علی (۱۴۰۰). بحران سوریه. تهران: چاپخش
- امجد، محمد (۱۳۹۰). سیاست و حکومت در ایالات متحده. چاپ ششم. تهران: نشر سمت
- امینیان، بهادر (۱۳۹۶). به کارگیری زور به عنوان سیاست خارجی آمریکا، معضل فراروی ترامپ. مجله سیاست دفاعی، سال بیست و پنجم، شماره ۹۹، ۲۲۲-۱۹۱
- اندرو لینگلیتر. نوواقعگرایی، نظریه انتقادی و مکتب برسازی. ترجمه: علیرضا طیب (۱۳۸۹). تهران: اداره نشر وزارت امور خارجه
- جان رابرت بولتون. اتاقي که در آن اتفاق افتاد: خاطرات کاخ سفید. ترجمه علی مجتهدزاده (۱۳۹۹). تهران: نشر صدای معاصر
- جان مرشایمر. تراژدی سیاست قدرتهای بزرگ. ترجمه: غلامعلی چگنیزاده (۱۳۸۹). تهران: اداره نشر وزارت امور خارجه
- خوان زاراته. اتاق جنگ در خزانه داری آمریکا. ترجمه: مریم اصغریور (۱۳۹۷). تهران: نشر پندارتابان
- دولت آبادی، علی (۱۳۹۶). مقایسه سیاستهای اوباما و ترامپ در برابر بحران سوریه. اطلاعات سیاسی، شماره سیصد و هشتم
- دونالد ترامپ. آمریکای زمینگیر: چگونه عظمت را به آمریکا بازگردانیم. ترجمه: سمیرا محتشم (۱۳۹۹). تهران: نشر ثالث
- دهشیار، حسین (۱۳۸۶). سیاست خارجی و استراتژی کلان ایالات متحده آمریکا. چاپ اول. تهران: نشر قومس
- روزیهان، محمود (۱۳۹۶). تحلیل سیاست های اقتصادی متضاد. تهران: مهربان
- ساعت، نادر (۱۳۸۷). اسناد تاریخی ایران و حقوق بین الملل در روند قانونگذاری. چاپ اول. تهران: نشر خرسندی
- سلطانی نژاد و دیگران (۱۳۹۸). بررسی تحلیلی بحران سوریه. تهران: دانش نگار
- سلطانی نژاد، احمد و نجفی، مصطفی و زبیدی، زینب (۱۳۹۷). بررسی تحلیلی بحران سوریه؛ زمینه ها، بازیگران و چشم اندازها ۲۰۱۱-۲۰۱۷. چاپ اول. تهران: نشر دانش نگار
- سلیمان زاده، سعید (۱۳۹۷). راهبرد سیاست خارجی ترامپ: هیبرید نوانزوگرایی-واقع گرایی. فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی، سال هشتم، شماره بیست و هشتم
- صفری، میثم (۱۳۹۹). جنگ جهانی بر ضد سوریه: شکست توطئه علیه محور مقاومت. چاپ اول. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- عارفی، راهب و عارفی، محمدمعین و کریمی، حسین (۱۳۹۲). بررسی نظریه واقع گرایی ساختاری در دیدگاه کنت والتز. چاپ اول. تهران: نشر راشدین
- علی خانی، امیرحسین (۱۴۰۲). بررسی نقش آمریکا در سیاستگذاری و راهبرد نفتی ایران در دوره ی نیکسون ۱۹۶۹-۱۹۷۱. ششمین کنفرانس بین المللی علوم انسانی
- قدردان قزاملکی، محمدحسن (۱۳۹۶). سیاست و حکومت. چاپ سوم. تهران: کانون اندیشه جوان وابسته به موسسه کانون اندیشه جوان تهران، اندیشه پویا
- کاکوتانی، میچیکو (۱۴۰۱). کتاب مرگ حقیقت. تهران: اندیشه آگاه
- کلیب، سامی (۱۴۰۲). جنگ سوریه به روایت اسناد سری. تهران: ماهنامه دانشمند
- کی شمس فالحی، حسین (۱۳۹۶). سیاست خارجی آمریکا در قبال تحولات سوریه از سال (۲۰۱۷ - ۲۰۱۱). چاپ اول. تهران: نشر شاپرک سرخ
- لوئیس فاوست. روابط بین المللی خاورمیانه. ترجمه: احمد سلطانی نژاد (۱۳۹۲). تهران: اداره نشر وزارت امور خارجه
- محمدزاده ابراهیمی، فرزاد و ملک، محمدرضا و سید جواد، امام جمعه زاده (۱۳۹۵). راهبرد خاورمیانه اوباما؛ از واگذاری مسئولیت تا همراهی محدود. فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی، سال ۱۳۹۵، شماره بیست و هشتم
- محمودزاده، ابراهیم (۱۴۰۰). از تئوری تا واقع گرایی. چاپ اول. تهران: نشر دانشگاه صنعتی مالک اشتر
- مدرس، محمدولی (۱۳۹۶). نقش مجتمع های نظامی-صنعتی در سیاست خارجی ایالات متحده. فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل، سال نهم، شماره سی و سوم
- نیر، باب (۱۳۹۷). اوباما. تهران: شیرازه
- David, Steven R. (2015) "Obama: The Reluctant Realist." The Begin- Sadat Center, Mideast Security and Policy Studies No 113. Bar-Ilan University.
- Donnelly, Jack (2005) "Realism", in Theories of International Relations, edited by Scott Burchill & et al., 29-54. Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- Gates, Robert M. (2015) Duty: Memoirs of a Secretary at War, New York: Vintage Books.
- Rampton, Roberta (2016) "Obama sends more Special Forces to Syria in fight against IS," Reuters, April 26. <http://www.reuters.com/article/us-mideastcrisis-usa-syria-idUSKCN0XLOZE>
- Robinson, Jerry (2016) "Preparing for the Collapse of the Petrodollar System, Part 1," FTM Daily, <http://ftmdaily.com/preparing-for-the-collapse-of-thepetrodollar-system/>
- Rose, Gideon (1998) "Neoclassical Realism and Theories of Foreign Policy," World Politics, Vol. 51, No. 1, pp. 144-72.
- Schweller, R. L. (1993) "Tri polarity and the Second World", International Studies Quarterly, Vol. 37, No. 1, pp. 73-103.
- Schweller, R. L. (2004) "Unanswered Threats: A Neoclassical Realist Theory of Under balancing," International Security, Vol. 29, No. 2, pp. 159-201.
- Schweller, R. L. (2008) Unanswered Threats: Political Constraints on the Balance of Power, Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Schweller, R. L. (2013) "Jervis's Realism," in Psychology, Strategy and Conflict: Perceptions of Insecurity in International Relations Theory, edited by James W. Davis, 25-46. New York: Routledge.
- Schweller, R. L. (2014) "China's Aspirations and the Clash of Nationalisms in East Asia: A Neoclassical Realist Examination," International Journal of Korean Unification Studies, Vol. 23, No. 2, pp. 1-40
- Walt, Stephen M. (2005) Taming American Power: The Global Response to U.S. Primacy, New York: Norton

تبیین مفهوم «هژمونی» در رهیافت انتقادی «رابرت کاکس»



مرتضی اسماعیلی
دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی

چکیده

در این مقاله مفهوم «هژمونی» بر اساس رهیافت رابرت کاکس و دیدگاه‌های او، که مبتنی بر نظریات آنتونیو گرامشی است؛ طرح و بررسی می‌گردد. در ابتدا نگاهی اجمالی و فشرده به تعریف هژمونی در نظریات رئالیستی و لیبرالیستی و انتقادی خواهیم داشت و سپس این مفهوم را در سه محور اساسی، ذیل اندیشه کاکس بررسی خواهیم کرد: ۱- تعریف و تحلیل کاکس از هژمونی ۲- تبیین هژمونی در تاریخ معاصر بر اساس رهیافت او ۳- نقشه راه کاکس برای رهایی و مبارزه با هژمون. قبل از بیان این سه محور، باتوجه به اینکه کاکس مبدع نظریه انتقادی در حوزه روابط بین‌الملل اجمالاً مختصات این نظریه را نیز بررسی خواهیم کرد. هدف اصلی این مقاله ارائه یک تحلیل تئوریک بر پایه تلقی رهیافت کاکسی از مفهوم «هژمونی» می‌باشد. سؤال اصلی این مقاله است که با توجه به تعریف خاص و ویژه کاکس - و به طور کلی نظریه پردازان مکتب انتقادی - از مقوله «هژمون» مهم‌ترین راهکارهای رهیافت کاکسی برای مقابله و مبارزه با هژمون چیست و چگونه عملی می‌شود. در پاسخ ادعا می‌شود سازماندهی نیروهای اجتماعی و مبارزه فرهنگی مهم‌ترین راهکار برای مقابله با هژمونی یا بازیگر سلطه در نظم جهانی است. واژگان کلیدی: هژمونی، نظریه انتقادی، کاکس، گرامشی، سلطه.



مقدمه

مفهوم هژمونی پیش از ورود به ادبیات روابط بین الملل و به طور خاص اقتصادسیاسی بین الملل، در حوزه اندیشه‌های سیاسی مورد بحث و بررسی قرار می‌گرفت. آنتونیو گرامشی متفکر سرشناس ایتالیایی و از بنیان حزب کمونیست این کشور، اولین شخصی بود که به صورت منسجم و مبسوط مفهوم هژمونی را در تئوری مارکسیستی-ایده‌آلیستی خود پرورش داد. آنچه در هستی‌شناسی مارکسیستی معیار تحلیل قرار می‌گیرد، طبقات و نوع روابط طبقاتی است که شکل‌گیری آنها به نوعی، نتیجه منطق سرمایه‌داری است. در همین راستا مارکسیست‌ها در تحلیل هژمون پیش از هرچیز بستر طبقاتی هژمون را مد نظر قرار می‌دهند. از میان مارکسیست‌هایی که در باب هژمونی در عرصه جهانی تئوری پردازی کرده‌اند، دو نحله در ادبیات اقتصاد سیاسی بین‌الملل بیشتر قابل توجهند: سیستم جهانی به رهبری والرشتاین و نئوگرامشینیسم به رهبری رابرت کاکس. مفهوم هژمونی از دیدگاه گرامشی، بعدها به صورت گسترده‌تری توسط رابرت کاکس وارد ادبیات روابط بین‌الملل شد. متفکر. در این مقاله صرفاً دیدگاه کاکس درباره مفهوم هژمونی را بررسی خواهیم کرد. (قنبرلو، ۱۳۸۵: ۸۵۹)

رویکردهای مختلف به هژمونی

اصطلاح هژمونی بر دو اصل اساسی استوار است؛ بازیگرانی که می‌خواهند هژمون شوند و شرایطی که برای ایجاد و حفظ هژمون ضروری است. در نظریه‌های نولیبرال و نئورئالیستی این دولت‌ها هستند که هژمون بالقوه‌اند، در حالی که در چارچوب نظریات نئوگراشین، هژمون نماینده طبقه برتر جامعه مدنی نیز می‌باشد. در واقع دو متغیر اصلی در نسبت با هژمون در نظریات روابط بین‌الملل محوریت دارد: قدرت مادی در نظریات نئورئالیسم، قدرت نرم (توانایی رهبری) در نئولیبرالیسم و ترکیبی از این دو به همراه تاکید بر نیروهای اجتماعی (طبقاتی) در نظریه نئوگراشین. (Schmidt, 2018)

در جدول ذیل به صورت فشرده و خلاصه توضیح هژمونی در سه نظریه اصلی رئالیسم، لیبرالیسم و نظریه انتقادی مبتنی بر آراء کاکس آمده است:

نظریه انتقادی (دیدگاه کاکس)	لیبرالیسم	رئالیسم	بازیگران بالقوه هژمون
دولت گسترده (متشکل از طبقه حاکمه + دولت (دستگاه سیاسی حاکم)	دولت‌ها به مثابه بازیگران عاقل	دولت‌ها به مثابه بازیگران عاقل	
توانایی‌های اجتماعی و اجتماعی در سه رکن: اجتماعی (اندیشه‌ها و هنجارها)، سیاسی (مؤسسات) و اقتصادی (قدرت مادی)	توانایی کنترل منابع شامل مواد خام، سرمایه، بازارها و دارای مزیت نسبی در تولید کالاهای با ارزش	توانایی‌های نظامی و اقتصادی برای حمایت و افزایش قدرت سخت بازیگران	شرایط برقراری هژمونی

نگاهی فشرده به ویژگی‌های هژمونی در سه رویکرد رئالیسم، لیبرالیسم و نظریه انتقادی رابرت کاکس

(Dirzauskaite, Cristinel Ilincă, 2017:50)

رویکرد کاکس به هژمونی

یعنی توانایی یک طبقه مسلط برای جلب رضایت تحت سلطه، توانایی آن برای اعمال «رهبری فکری و معنوی» و در نهایت متقاعد ساختن افراد تحت سلطه به این معنی که منافعی همسان با منافع طبقه مسلط دارند. (گریفیتس و دیگران، ۱۳۹۶)

کاکس در بررسی اندیشه‌های گرامشی می‌گوید بدون وجود یک طبقه هژمون هیچ اردوگاه تاریخی نمی‌تواند وجود داشته باشد. هر جا طبقه هژمون در یک کشور یا پیکربندی اجتماعی، تسلط داشته باشد دولت (دولت گسترده که گرامشی مد نظر دارد) با تبلیغ یک فرهنگ مشترک، انسجام و وحدت اردوگاه تاریخی را حفظ می‌کند. (کاکس، ۱۳۸۵: ۲۱۷)

کاکس نشان می‌دهد که هژمونی در سطح بین‌المللی صرفاً یک نظم ساده در میان دولت‌ها

جهان بینی کاکس تا اندازه زیادی برگرفته از گرامشی و آثار اوست. رابرت کاکس با صورت بندی دوباره مفاهیم اصلی گرامشی، چارچوبی تحلیلی برای روابط بین‌الملل و اقتصادسیاسی بین‌الملل در انداخته و با بهره گرفتن از اندیشه گرامشی، برای نظریه پردازی درباره «نیروهای اجتماعی، دولت‌ها و نظم‌های جهانی» می‌شود گفت به تنهایی پایه گذار مکتب فکری کاملی در دو حوزه یادشده بود. «یادداشت‌های زندان» از مهمترین آثار گرامشی است که در یک دهه‌ای که توسط رژیم فاشیستی ایتالیا به زندان انداخته شد؛ به تحریر در آورده است. شکی نیست که «هژمونی» مفهوم سازمان بخش محوری یادداشت‌های زندان است. از دید گرامشی هژمونی

نیست؛ بلکه یک نظم مشخص در اقتصاد جهانی
با یک شیوه غالب تولید است که به تمام کشورها
نفوذ کرده است. در واقع هژمونی مجموعه‌ای
پیچیده از مناسبات و روابط اجتماعی بین‌المللی است
که طبقات اجتماعی کشورهای مختلف را به یکدیگر
پیوند می‌زند. (Cox and Sinclair 1996: 137)

در رهیافت کاکسی بیشتر بر بعد رهبری قدرت
هژمونیک پافشاری می‌گردد تا بر جنبه بکارگیری
قدرت (به خصوص قدرت مادی) توسط دولت
هژمونیک. این رهیافت نه فقط قدرت عینی
و ظاهری هژمونی یعنی حاکمیت و سلطه اقتصادی
و سیاسی را در نظر می‌گیرد و لازم می‌شمارد، بلکه
همچنین قدرت معنوی و رهبری معنوی و مطلق
نیروهای اجتماعی در سطح ملی و دولت برتر در
سطح بین‌المللی را نیز ضروری و اساسی می‌شمارد.

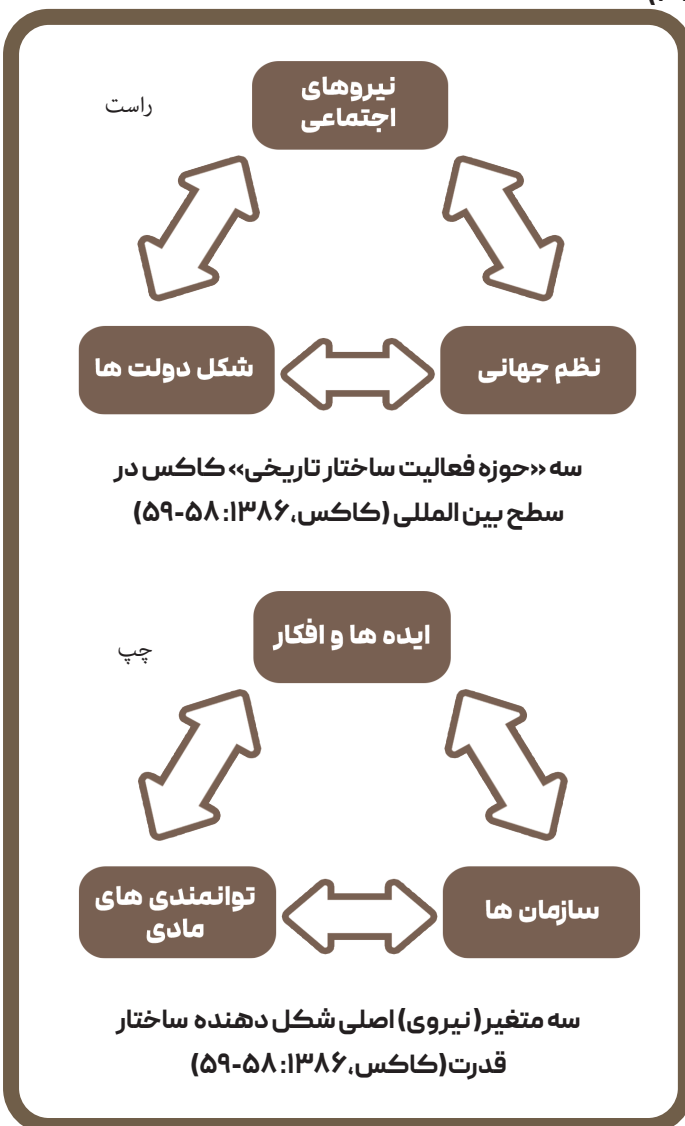


بطوریکه بدون این موارد اساساً حاکمیت هژمونی وجود خارجی به خود نمی‌گیرد و آنچه که ظاهر می‌گردد چیزی فراتر از سلطه و حاکمیت زور نیست. در واقع هر چه موقعیت و جایگاه مشروعیت و حاکمیت معنوی دولت هژمونیک قوی‌تر و گسترده‌تر باشد این دولت کمتر نیازمند بکارگیری اشکال گوناگون سرکوب و استفاده از نیروی زور و تحمیل منافع ملی خود به دیگران می‌باشد، چه اینکه اساساً بکارگیری زور و سرکوب نشانه از میان رفتن جایگاه و موقعیت قدرت هژمونیک و تبدیل آن به یک دولت سلطه گر می‌باشد. (پورا احمدی، ۱۳۸۶: ۳۷) در چهارچوب این رهیافت، هژمونی بگونه بسیار عمیق و چندبعدی تعریف می‌گردد و فرض می‌شود که حاکمیت جهانی از نوع ویژه‌ای ایجاد می‌گردد که در آن دولت مسلط و حاکم به ایجاد یک نظام ایدئولوژیکی جهت تفاهم و رضایت همگانی دو طرفه اقدام می‌کند. نظامی که تأمین کننده برتری مداوم و مستمر جهانی دولت هژمونیک و یا مجموعه دولت‌ها و طبقات اجتماعی هژمونیک می‌باشد. در عین حال این نظام همزمان تأمین کننده رضایت و اهداف و منافع دولت‌هایی می‌گردد که در سطح پایین‌تری از قدرت و دیگر توانایی‌های مادی و غیرمادی در مقایسه با قدرت دولت هژمونیک قرار گرفته‌اند. (کاکس، ۱۳۸۶: ۶۴)

هژمونی به مثابه ساختار تاریخی

کاکس هژمونی را به مثابه یک ساختار تاریخی در نظر می‌گیرد که در آن عقاید و توانایی‌ها، قدرت مادی و در نهایت نهادهای قدرت هژمونی با یکدیگر همراه و هماهنگ می‌گردند. تعاملات و روابط متقابل این سه عامل در چهارچوب سه سطح مستقل ولی مرتبط با یکدیگر ایجاد و گسترش می‌یابند. این سه سطح عبارتند از: نیروی اجتماعی توسعه یافته بوسیله سازمان و روابط تولید (مفهوم مارکسیستی روابط تولید که منجر به ایجاد نیروهای اجتماعی گوناگون و متضاد می‌گردد و شکل دهند روابط طبقاتی است که مبنای تمامی مبارزات اجتماعی و

سرمنشأ تمامی تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌باشد). ۲. روابط تنگاتنگ و پیچیده میان دولت و جامعه مدنی، دولتی که از بطن اجتماعی درون جامعه مدنی ظهور می‌یابد و قدرت آن شکل گرفته، نهادینه می‌شود، توسعه می‌یابد و در نهایت اعمال می‌شود. ۳. نظم جهانی در واقع توسط قدرتمندترین دولت در میان سایر دولت‌های سرمایه داری و در جهت تسهیل و تنظیم روابط و مبادلات جهانی سرمایه، تولید و نیروی کار ایجاد می‌گردد. (پورا احمدی، ۱۳۸۶: ۳۱)



شکل سمت راست، در واقع نشان دهنده سه حوزه فعالیت سطح بین‌المللی سه نیروی اصلی شکل دهنده ساختار قدرت (شکل سمت چپ) است. این سطوح سه گانه باهم ارتباط متقابل دارند؛ تغییر سازمان تولید، نیروهای اجتماعی تازه‌ای پدید می‌آورند که به نوبه خود ساختار دولت‌ها را دگرگون می‌سازند. و عمومیت یافتن دگرگونی

ساختار دولت‌ها، نظم جهانی را دگرگون می‌سازد. ضمن اینکه رابطه این سه سطح ساده و خطی نیست. نیروهای اجتماعی فرامرزی از طریق ساختار جهانی، دولت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. ساختارهای خاص نظم جهانی، شکل‌هایی را که دولت‌ها می‌پذیرند تحت تأثیر قرار می‌دهد. شکل‌های دولت نیز از طریق انواع سلطه‌ای که اعمال می‌کنند مثلاً از طریق پیشبرد منافع یک طبقه و مانع تراشی برای دیگر طبقات، بر توسعه نیروهای اجتماعی تأثیر می‌گذارند. (کاکس، ۱۳۸۶: ۵۸-۶۰)

سازمان‌های بین‌المللی جایگاه ویژه‌ای در تبیین کاکس از «هژمونی» دارند. کاکس معتقد است سازمانهای بین‌المللی نقش توسعه و تحکیم ایدئولوژی هژمون را بازی می‌کنند: «یکی از سازوکارهایی که هنجارهای جهان شمول هژمونی جهانی از طریق آنها نمود می‌یابد سازمان‌های بین‌المللی است.» کاکس ۵ ویژگی اصلی برای این سازمانها که بیانگر نقش هژمونی محور آنهاست؛ برمی‌شمارد: ۱- تجسم قواعدی هستند که توسعه نظم هژمونیک محور را تسهیل می‌کنند. ۲- خودشان زاده نظم جهانی هژمونیک محورند. ۳- به هنجارهای نظم جهانی مشروعیت ایدئولوژیک می‌بخشند. ۴- نخبگان کشورهای پیرامون را در دل خود جذب می‌کنند ۵- اندیشه‌های ضد هژمونی را جذب و هضم می‌کنند. (کاکس، ۱۳۸۵: ۲۲۵-۲۲۶)

به عنوان مثال کاکس می‌گوید رژیم‌ها، نهادها و سازمان‌های بین‌المللی کنونی مانند صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی حافظان نظم اقتصادی سرمایه داری هستند که هژمون آنها را تأسیس کرد تا نظم هژمونیک دلخواه آن را حفظ نمایند. به بیان

دیگر این نهادها و رژیم‌ها بازتاب دهنده منافع، ارزش‌ها، انگاره‌ها و ایده‌های اقتصادی آمریکا به عنوان هژمون هستند. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۹۶) بر همین اساس کاکس استدلال می‌کند پایان جنگ جهانی دوم مصادف بود با ظهور ایالات متحده به عنوان یک ابرقدرت یا در بیان کاکس: Pax Americana .

در این دوره، ایالات متحده ایدئولوژی لیبرالی خود را با تأسیس نهادها و سازمان‌های مختلف بین‌المللی، نهادینه و ترویج کرد؛ بطوریکه عرف عمومی و مشترک فضای بین‌الملل برای مبنای آن شکل گرفت. ترکیب قدرت نظامی-سیاسی و قدرت اقتصادی-فرهنگی ترکیبی ایالات متحده به طور گسترده‌ای مشروعیت آن را به عنوان یک رهبر جهانی شکل داد. در واقع پس از جنگ جهانی دوم، کشورهای اروپای غربی همراه با ژاپن که توسط اتحاد جماهیر شوروی و کمونیسم تهدید می‌شدند به رهبری ایالات متحده بیش از پیش مشروعیت داده و آن را پذیرفتند و در نتیجه ایالات متحده توانست هژمونی خود را برقرار سازد. کاکس توجه ویژه‌ای به رهبری فرهنگی- ایدئولوژیک ایالات متحده دارد و تأکید می‌کند گرچه قدرت اقتصادی آمریکا رو به کاهش نسبی است اما سبک زندگی آمریکایی یک فرهنگ جهانی شده است و همین باعث ثبات هژمونی آن می‌گردد. (Cox, 1995: 45) او در خصوص تلاش آمریکا

برای توسعه و رواج «سبک زندگی آمریکایی» می‌گوید هدف اصلی این است که همه ما مثل آمریکایی‌ها باشیم؛ همان چیزی را بخواهیم که آمریکایی می‌خواهند و دنبال همان چیزی باشیم که آنها در پی آن هستند. این ایده را می‌توان در تلاش‌های آمریکا برای





توسعه اقتصادی و سیاسی در خارج از کشور و از طریق مداخلات نظامی در عراق و افغانستان مشاهده کرد، همچنین در مورد نحوه شکل گیری و استفاده ایالات متحده از مؤسسات بین المللی. (schouten, 2009: 5) از نظر هنری کسینجر نیز امریکا با اعلام هدفش مبنی بر ایجاد نظم نوین جهانی، درصدد ترویج کاربرد ارزش های داخلی خود در تمامی جهان بود. (کگلی و ویتکف، ۱۳۸۸: ۸۲)

نتیجه گیری:

«نظریه همواره به نفع کسی و برای غرضی درانداخته می شود.» (کاکس، ۱۳۸۶: ۳۹) این مشهورترین جمله ای است که از نوشتجات رابرت کاکس نقل می گردد. کاکس به عنوان یک نظریه پرداز انتقادی، هژمونی را متشکل از سه رکن «مادی»، «اراده تبدیل شدن به قدرت هژمونیک» و در نهایت «ایدئولوژی اجماع ساز و مشروعیت بخش» می داند. این سه رکن به ترتیب شرط لازم، شرط کافی و شرط تداوم هژمونی محسوب می شوند. آنچه در رهیافت کاکس که مبتنی بر نگاه گرامشی است؛ اهمیت دارد، توجه ویژه به بعد ایدئولوژیکی-فرهنگی در ذیل مفهوم هژمونی است. همچنین در این نگرش هژمونی صرفاً به معنای سلطه یک دولت معنی نمی شود؛ بلکه به مثابه یک ساختار کلان و یک نظم غالب مبتنی بر هنجارهای هژمون دیده می شود که شامل ایده ها و هنجارها (ideas) نهادها (institutions) و توانایی های مادی (material capabilities) است. بنابر نگرش کاکس، اولویت مبارزه در برابر با وضعیت هژمونی آمریکا در روابط بین الملل معاصر، مبتنی بر یک مبارزه فرهنگی دراز مدت است.

× تقدیر و تشکر:

از مدیریت محترم پژوهشکده کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی (تالار محققان) جهت در اختیار گذاشتن منابع پژوهشی و سایر حمایت ها تقدیر و تشکر دارم.

پوراحمدی، حسین (۱۳۸۶)، «مفاهیم قدرت و هژمونی در پارادایم‌های رئالیسم ساختاری و ماتریالیسم گرامشین»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۶، بهار و تابستان.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۶)، اصول و مبانی روابط بین‌الملل (۲)، تهران: انتشارات سمت، چاپ دوم.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۴)، نظریه‌ها و فرانظریه‌ها در روابط بین‌الملل، تهران: نشر مخاطب، چاپ اول.

قنبرلو، عبد... (۱۳۸۵)، «ثبات هژمونیک در استراتژی اقتصادی-امنیتی امریکا»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نهم، شماره چهارم، زمستان.

کاکس، رابرت (۱۳۸۶)، «نیروهای اجتماعی، دولت‌ها و نظم‌های جهانی» در لینکلتر، اندرو (ویراستار)، نوواقع‌گرایی، نظریه انتقادی و مکتب برساز، ترجمه علیرضا طیب، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی.

کاکس، رابرت (۱۳۸۵)، «گرامشی، چیرگی و روابط بین‌الملل: گفتاری در روش» در لینکلتر، اندرو (ویراستار)، مارکسیسم، ترجمه علیرضا طیب، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی.

کگلی، چارلز دبلیو؛ ویتکف، اوچین آر. (۱۳۸۸)، سیاست خارجی امریکا؛ الگو و روند، ترجمه اصغر دستمالچی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

گریفیتس، مارتین و دیگران (۱۳۹۶)، پنجاه متفکر بزرگ روابط بین‌الملل، ترجمه علیرضا طیب، چاپ چهارم، تهران: نشر نی.

ب. انگلیسی

Cox, R. (1995). Critical Political Economy. In B. Hettne (Ed.), International Political Economy. Understanding Global Disorder (pp. 31-46). London & New Jersey: Zed Books.

COX, R. W. and T. J. SINCLAIR (1996), Approaches to World Order. Cambridge: Cambridge University Press.

Dirzauskaite, G. and Cristinel Ilinc, N. (2017), 'understanding-hegemony-in-international-relations-theories, Aalborg University. See: <https://projekter.aau.dk/projekter>.

Schouten, P. (2009) 'Theory Talk #37: Robert Cox on World Orders, Historical Change, and the Purpose of Theory in International Relations'. See: <http://www.theorytalks.org/2010/03/theory-talk-37.html>

Schmidt, B. (2018), 'hegemony-conceptual-theoretical-analysis'. See: <https://doc-research.org/2018/08/>



طیبه حسنوند
دانشجوی کارشناسی ارشد رشته روابط بین الملل
دانشگاه لرستان



جایگاه مشارکت سیاسی زنان

در جامعه بعد از انقلاب اسلامی ایران



چکیده:

مشارکت سیاسی زنان در ایران از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی نقش قابل توجهی در سیر تحولات تاریخی ایران داشته است. زنان با تاثیر گذاری بر سرنوشت سیاسی جامعه خویش به طرق مختلفی به ایفای نقش خویش پرداخته اند. با وقوع انقلاب اسلامی تعمق و گسترش سیاسی در ایران، مشارکت زنان در سطوح بالای مدیریت سیاسی کشور بهبود یافته است. گرچه در سمت های بالا حضور گمرنگی داشته اند ولی نسبت به کل سیاست و قانون گذاری در ایران پیشرفت های قابل توجهی کرده اند.

واژگان کلیدی: مشارکت سیاسی، زنان، انقلاب اسلامی

فرهنگ مردسالاری در طول تاریخ اجتماعی ایران، فرهنگ مسلط و بلا منازع بوده و این فرهنگ هم بسترساز و هم سازنده‌ی ساختارهای سیاسی - اقتصادی، قانونی و ارزشی در ایران بوده است. ساختارهای ایجادشده مکانیسم‌هایی را تدوین و طرّاحی نموده که در فرایند القای تثبیت و بازتولید خود، فرادستی مردان و فرودستی زنان را توجیه و طبیعی جلوه می‌دهند. فرهنگی که برحسب تقسیم‌کارجنسیتی، نقش سنتی زنان را صرفاً نقش خانگی و محدود به حوزه خصوصی (بچه داری، خانه داری، شوهرداری) و حوزه‌ی عمومی را صرفاً مختص به مردان توجیه و تفسیر می‌کند. اما تحولات بوجود آمده طی سه چهار ده اخیر با افزایش چشمگیر سطح آگاهی‌ها و میزان تحصیلات زنان نشان می‌دهد که زنان ایرانی خواهان مشارکت سیاسی-اقتصادی و اجتماعی برابر با مردان هستند و با این رویکرد، فرهنگ مردسالاری را با چالش‌های جدی مواجه کردند (عظیمی هاشمی و همکاران، ۱۳۹۴). مشارکت در عرصه سیاست عمری به قدمت تاریخ دارد اما به مفهومی که امروزه کم و بیش متداول است، درزندگی جوامع انسانی پدیده‌ی جدید محسوب می‌شود. مشارکت سیاسی به لحاظ مفهومی پدیده‌ای جدید و مختص به دولت‌های مدرن است؛ هر چند به لحاظ مصداقی نمودهایی از آن را در نظام‌های کهن گذشته می‌توان شناسایی کرد (ارسطو، ترجمه عنایت، ۱۳۷۱). مشارکت سیاسی نوعی کنش هدفمند در فرآیند تعاملی بین کنشگر و محیط اجتماعی او در جهت رسیدن به اهداف معین و از پیش تعیین شده تعریف نموده‌اند. فرآیندی که افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی با در نظر داشتن اهداف معین و مشخص که منجر به سهم شدن آن‌ها در منابع اجتماعی می‌شود، در آن شرکت می‌کنند. (Ghafari, ۲۰۰۱: ۴۲) مشارکت سیاسی زنان و حضور بانوان در عرصه‌های تصمیم‌گیری حکومتی می‌تواند پشتوانه‌ای مناسب برای سایر عرصه‌های مشارکت

جوانانه تلقی گردد. اشکال گوناگون مشارکت زنان بی‌تردید از حضور و ظهور آنان جهت تأیید سیاست‌های رسمی حکومتی متفاوت است؛ نوع نگاه توسعه‌ای به زنان به همراه بازنگری در ایستارها و کردارهایی که از قبل وجود داشته و تداوم یافته بوده‌اند یک ضرورت است. (خلیلی، ۱۳۸۶: ۱۶۵). روش ما در نوشتن این مقاله تحلیلی-توصیفی است. شیوه گردآوری اطلاعات استفاده از مطالب مکتوب اعم از کتاب، مقالات، مجلات و منابع موجود در اینترنت می‌باشد. ما در این مقاله سعی داریم به این سوال بپردازیم که انقلاب اسلامی ایران چه تاثیری برآینده زنان در سیاست داشته است؟

پیشینه مشارکت سیاسی زنان در جهان و ایران:

مشارکت در عرصه سیاست عمری به قدمت تاریخ دارد. اما مشارکت به مفهومی جدید که امروزه کم و بیش متداول است، در زندگی جوامع انسانی پدیده جدید محسوب می‌شود. تا یکی دو قرن پیش در اروپا، حق مشارکت در تصمیم‌های سیاسی، حق اداره امور عمومی به گروه کوچکی از مردم، که دارای امتیازات خانوادگی، ثروت و قدرت بودند، تعلق داشت. واکثريت مردم از مشارکت سیاسی محروم بودند و تنها نوع مشارکت سیاسی، شرکت در شورش‌های دهقانی یا تظاهرات در شهرها بود. این شورش به ندرت مشروعیت ساختار نظام سیاسی را مورد سؤال قرار می‌دادند.

(مصفا، ۱۳۸۵: ۱۷). وقوع انقلاب صنعتی و موج آزادیخواهی و تقاضای ایجاد جامعه مدنی موجب ایجاد نهضت اجتماعی زنان در اروپا گردید و زنان اروپایی توانستند به بسیاری از حقوق انسانی و اجتماعی خود دست یابند. زنان ایرانی نیز با آگاهی یافتن از تحولات سیاسی و اقتصادی در کشورهای اروپایی خواستار همان تحولات در کشور خود شدند (ناجی زاده، ۱۳۸۲: ۲۱۵). پیشینه واکنش به وضعیت سنتی زنان در ایران به اواخر قرن نوزدهم و به ویژه به جنبش مشروطیت باز می‌گردد (بشیریه، ۱۳۷۷: ۲۹۱). در این نهضت، تفاوت‌هایی که بین زنان و مردان تصور می‌شد به نقد کشیده شد و بر لزوم دخالت

دادن زنان در امور اجتماعی تأکید شد. نهضت مشروطه در سال ۱۲۸۵ ش به ثمر رسید و مردم حق انتخاب کردن و انتخاب شدن برای نمایندگی مجلس را به دست آوردند (نظری و همکاران، ۱۶۶: ۱۳۹۳). در دوران پهلوی اول، که عصر رویارویی آشکار تجدیدگرایی و سنت گرایی حول محور زن و حقوق آنها بود (فوران، ۳۵۹: ۱۳۷۸). و در زمینه قانون گذاری در خصوص زنان همان راهی را ادامه دادند که در دوره قاجار در پیش داشتند؛ یعنی اصولی چون اصل ۳۶ و ۳۷ متمم قانون اساسی را به تصویب رساندند که در آن جنسیت و مردسالاری (پدرسالاری) کاملاً رعایت شد. در دوره پهلوی دوم، با اعطای حق رأی به زنان و رشد و توسعه آموزش بانوان و تصویب قانون حمایت از خانواده، زنان ایرانی به سطحی از دانش اجتماعی دست یافتند که قادر بودند در مجالس و مجامع داخلی و بین المللی حضور یابند، اما فقط زنانی به مجلس راه یافتند که بی چون و چرا موافق و مطیع سیاستهای شاه و دربار بودند (نظری و همکاران، ۱۶۶: ۱۳۹۳). با وقوع انقلاب اسلامی، تا حد زیادی خواسته های زنان که عمدتاً بازیابی شخصیت و کرامت واقعی آنان بود تأمین شد (یزد خواستی، ۱۳۷۲: ۴۱). از ویژگی های انقلاب اسلامی ایران سهم بودن بانوان بود؛ بانوان سهم بزرگی در انقلاب را به خود اختصاص داده اند (مطهری، ۱۳۶۴: ۱۴۴). زنان، که سهم گسترده ای در انقلاب اسلامی داشتند، خواهان

مشارکت برابر با مردان بودند آن هم در نظامی که در روی کار آمدنش بیشترین سهم را داشتند.

مشارکت سیاسی زنان قبل از انقلاب

تاریخچه بیداری واقعی زنان در ایران به اواخر قرن نوزدهم و جنبش مشروطیت باز می گردد. زنان در این دوران با مشارکت در تظاهرات، تجمع ها، تحصن ها، حمایت خود را از مشروطه خواهان و مخالفت خود با رژیم سلطنتی قاجار و مصائب ناشی از آن را اعلام کردند (شمیم، ۱۰۴: ۱۳۷۰). در انقلاب مشروطه، بانوان ایرانی شرکت فعالانه ای داشتند و باتشویق روحانیت، آن هانیز به مبارزه برخاستند که هدفشان استقلال ایران و اجرای قانون اساسی بود (بشیریه، ۲۸۹: ۱۳۷۰). در بهار سال ۱۳۱۳ ه. ش هنگامی که رضا شاه سفر خود را به ترکیه آغاز کرد پس از بازگشت مسئله کشف حجاب را به عنوان نقطه عطفی در دوران حکومت خود به اجرا درآورد. مسئله کشف حجاب برای بعضی از زنان بسیار بغرنج بود کشف حجاب در تاریخ ۱۷ دی ماه ۱۳۱۴ ه. ش باعث خانه نشین شدن عده زیادی از آنان شد (مک کی، ۱۸۶: ۱۳۸۰). اقدامات رضاشاه برای تغییر چهره اجتماعی زنان ایران، باعث شد تضادهای اجتماعی دربرخورد با مدرنیتهای که برعرف کهن تحمیل شده بود، اشکال خشونت آمیزی به خود بگیرند. پس از روی کار آمدن محمد رضاشاه، گروهی از زنان که از فشار حکومت



در معابر با چادر ظاهر شدند و ماموران حکومتی هم علی‌رغم وجود قانون کشف حجاب چندان که باید با مردم مقابله نمی‌کردند، جمعی از مراجع وقت طی نامه‌ای از شاه جدید تقاضا کردند، کشف حجاب را لغو کند. پس از لغو قانون کشف حجاب، بسیاری از زنان مسلمان به حجاب روی آوردند که این امر زمینه مشارکت برخی از زنان محجبه مسلمان را فراهم کرد و جنبش‌هایی را از سوی آنها به وجود آورد شاهدخت اشرف پهلوی که بی‌شک در آن زمان قدرتمندترین زن ایران بود از نهضت زنان حمایت کرد و از نمایندگان گروه‌ها خواست تا طرحی برای تقویت این نهضت و نحوه گسترش فعالیتشان ارائه دهد؛ در سال ۱۳۴۱ محمد رضا شاه پهلوی حق رای برای زنان را به عنوان یکی از شش اصل انقلاب سفید به فرماندهم گذاشت و با تصویب لایحه اصلاح قانون انتخابات در مجلس، زنان حق و امکان ورود به صحنه پارلمان را پیدا کردند (افخمی، ۳۹۱: ۱۳۷۶-۱۳۹۰). زنان راه یافته به صحنه سیاست و قانونگذاری منتخب تمام طیف‌ها و گرایش‌های زنان و مردان ایران نبودند و نتوانستند سخنگوی نیازهای متنوع همه مردم ایران باشند و از زبان همگان حق خواهی کنند. در نتیجه از حمایت زنان متعلق به طیف‌های گوناگون سیاسی محروم ماندند و از آنها به کنایه و طعنه به نام نمایندگان انتصابی یاد می‌شد. در جامعه‌ای با خصلت‌ها و ویژگی‌های جامعه ایران همین یک طعنه کافی است تا از شعاع نفوذ و رخنه نماینده انتصابی در قلب مردم بکاهد و پایگاه‌های مردمی را از او بستاند. به تدریج این باور در اذهان روشن بین زمانه تقویت شد که برخورداری از حق رأی و نمایندگی در پارلمان به تنهایی گزارش گرمشارکت زنان در حیات سیاسی کشور نیست. آنچه به حقوق سیاسی زنان معنا می‌بخشد ایجاد جامعه مدنی است که به آنها یاری می‌رساند تا خود را از حصار زندگی خانگی و محفلی که قرن‌ها است در آن زیست می‌کنند برهانند (شجاعی، ۱۳۸۱: ۱۴۳).

جایگاه سیاسی زنان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران

در جامعه قبل از انقلاب اسلامی، به لحاظ سلطه فرهنگ بیگانه هرگونه تحرک و فعالیت سیاسی از زنان مسلمان سلب شده بود. در مورد نقش و جایگاه زن دو دیدگاه وجود داشت: ۱- یک دیدگاه زن را عنصری زیبا، افسونگر، تنوع‌آفرین و گذراننده اوقات فراغت هوسبازان می‌دانست ۲- دیدگاه دیگر زن را همچون پیچک ضعیفی معرفی می‌کرد که تاب هیچ مقاومتی در مقابل طوفان حوادث ندارد و انتظار هیچ کار جدی و مهمی از او نمی‌رود (مافی، ۱۳۷۶). با وقوع انقلاب اسلامی و تعمق و گسترش سیاسی در ایران، زنان علاوه بر اینکه در عرصه گوناگون انقلاب حضور یافتند، به مرور تحولات چندی در راستای گسترش مشارکت زنان انجام گرفت، افزایش نرخ سواد در میان زنان، افزایش نسبت دانشجویان دختر به پسر و افزایش نرخ تحصیلات بالا و تخصص در میان زنان، از جد این تحولات بوده است. هر چند در عرصه سیاست و حکومت، زنان در سمت‌های بالا حضور کم‌رنگ داشته‌اند و مشارکت در عرصه سیاست و حکومت همواره یکی از خواسته‌های زنان ایران در طول بیش از یک قرن گذشته بوده و در همه حرکت‌ها و فعالیت‌ها زنان به عنوان یکی از اهداف مطرح شده است. (قاسمی، معالی، ۱۳۶: ۱۳۹۳). از ابتدای شکل‌گیری انقلاب در ایران با ترکیبی از انواع مشارکت سیاسی زنان روبه‌رو هستیم. در برخی منابع مشارکت سیاسی زنان، با توجه به سطح مشارکت آنان، به دو سطح توده و نخبگان تقسیم بندی شده است. مشارکت سیاسی توده‌ای زنان در عرصه‌هایی چون شرکت در فرایند انقلابی، شرکت در انتخابات ادواری، شرکت در تظاهرات و راهپیمایی‌ها، شرکت در گروه‌ها و انجمن‌ها، شرکت در فعالیت‌های بسیج و جنگ تحمیلی است. شرکت در سطح نخبگان نیز شامل عضویت در مجلس قانونگذاری، فعالیت‌های قوه قضاییه، مشارکت در سطوح بالای تصمیم‌گیری دولت می‌شود (درویشی، امامی، ۱۳۸۹). که مشارکت



سیاسی زنان در سطح نخبگان در جامعه ایران از حضور کم‌رنگی برخوردار می‌باشند، از جمله عواملی که منجر به عدم مشارکت سیاسی زنان در سطح نخبگان در بسیاری از کشورها از جمله ایران شده است:

۱. رسم و رسوم و دیدگاه‌های فرهنگی و اجتماعی غلط منجر به عدم حضور زنان در فعالیت‌های سیاسی می‌شود؛

۲. بی‌سوادی یا کم‌سوادی زنان و همچنین ناآگاهی آن‌ها نسبت به اصول دموکراسی سهم بسزایی در فقر سیاسی آن‌ها بازی می‌کند؛

۳. ناتوانی احزاب سیاسی از دیدن زنان به عنوان کاندیداهای مناسب به حضور در انتخابات؛

۴. طبیعی دانستن سلطه مردان در سیاست؛
۵. فقدان یک ارگان مشخص که وظیفه شناسایی موانع حاصل از تبعیض‌های جنسیتی بر سر راه زنان را به منظور مشارکت در سیاست بر عهده داشته باشد؛
(Zelek, ۲۰۰۵: ۴۹)

طی سال‌های گذشته، مجموعه‌های از تحولات داخلی و فراملی موقعیت زنان ایرانی را دگرگون کرده است. وقوع انقلاب اسلامی و رشد ارزش‌های عدالت خواهانه، گسترش آزادی‌های مدنی، فرایند نوسازی و توسعه جامعه، دگرگونی ارزش‌های سنتی، افزایش تحصیلات دانشگاهی، بهره‌مندی از رسانه‌های جمعی و دسترسی به اطلاعاتی که در سطح جهانی گردش دارد، در مجموع، میزان سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و سیاسی زنان را ارتقا داده است. اما هنوز هم زنان بیش از مردان از تبعیض، تحقیرشدگی، خشونت، تجاوز جنسی، فقر، کم‌سواد و احساس ناامنی در رنج‌اند (جواهری، ۱۳۹۰). در ترسیم چشم‌انداز آینده حضور و مشارکت زنان در عرصه سیاست چندین عامل را می‌توان به منزله نیروهای کلیدی، که عموماً قابلیت کنترل اندکی دارند را مدنظر قرارداد از جمله: رشد جمعیت، رشد فردگرایی، رشد طبقه متوسط، آموزش و تحصیلات عالی، توسعه آگاهی‌های عمومی و مطالبه‌گری مردم، توسعه ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی، جهت و نتایج هریک از روندهای مطرح

شده می‌تواند به منزله فرصت یا چالشی در رابطه با حضور و مشارکت زنان در عرصه سیاست تأثیرگذار باشد (درویشی سه تلانی، همتی، ۳۸۶: ۱۳۹۷). مشارکت زنان در امور سیاسی، امری کارکردی و لازم است و جامعه‌ی امروز ما به خدمات زنان در عرصه‌ی سیاسی- اجتماعی نیاز مبرم دارد (رضوی الهاشم، ۶۳: ۱۳۸۸). با وجود این که پدیده انقلاب اسلامی، زمینه‌ی مساعدی را برای مشارکت سیاسی- اجتماعی زنان فراهم کرده است، اما در عمل، اهداف این انقلاب در مورد نقش و جایگاه واقعی زنان در مدیریت کلان جامعه هنوز تحقق نیافته است. به عبارت ملموس‌تر، زنان به طور کلی از عرصه‌های مهم و تأثیرگذاری چون قضاوت، فقاقت، اجتهاد، ریاست قوای سه گانه، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس خبرگان رهبری، مذاکرات هسته‌ای، سیاست خارجی و... غایب هستند.

نتیجه گیری

حضور سیاسی زنان ایرانی در دستگاه حکومتی و نظام دیوانسالاری، ریشه در فرهنگ دینی تشیع دارد و ربطی به نهضت زنان در اروپا ندارد. جریان انقلاب اسلامی سبب شد که زنان از نظر فکری و عملی به جایگاه واقعی خود که اسلام مشخص کرده است، دست یابند. پس از انقلاب اسلامی، اندیشه غالب این بود که دخالت در سرنوشت خود، حق زنان است و در شرایط فعلی، حضور آنان در عرصه‌های سیاسی نه فقط حق، بلکه تکلیف آنان است. و باعث شد که جایگاه زنان در نظام اسلامی بالا رود و الگویی برای

زنان مسلمان در همه جهان باشد. در نظام جمهوری اسلامی، حقوق سیاسی زنان در چارچوب تساوی حقوق انسانی و اجتماعی زن و مرد و در صورت رعایت موازین اسلامی از جانب همه، برای حضور سیاسی زنان شکل گرفت. زنان در ایران علاوه بر اینکه از عهده نقش‌ها و وظایف سنتی خود به خوبی برمی آیند، نسبت به حوادث سیاسی اطراف خود حساس هستند و سیر وقایع را با حساسیت دنبال می‌کنند و در وقت لازم وارد عرصه‌های سیاسی، اداری، دیوانی و اجتماعی هم می‌شوند، امروزه سهم کردن زنان در قدرت نه امری از سر اختیار، بلکه یک امر اجباری و بسیار ضروری است. توجه به منافع بسیار عینی سرمایه‌گذاری روی زنان، تلاش برای ارتقا و افزایش مشارکت سیاسی زنان را به مسؤولیتی همگانی مبدل می‌کند. با وجود اینکه تعداد زنان متخصص در جامعه و نیروی کار افزایش یافته است، اما پیشرفت آنها در مشاغل تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری چندان محسوس نبوده است. با توجه به اینکه نیمی از جمعیت جامعه را زنان تشکیل می‌دهند مدیریت آینده نیازمند استفاده بیشتر و کارآمدتر از نیروی بالقوه زنان در سطوح کلان مدیریت جامعه می‌باشد فراهم کردن زمینه‌ها و شرایط لازم برای



مشارکت فعال زنان در عرصه‌های مختلف از جمله در عرصه‌های قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری ضروری است. باید با برنامه‌ریزی و اقدامات فرهنگی و آموزشی به اصلاح نگرش‌ها پرداخت. از یک سو با آموزش و اقدامات فرهنگی عوامل درونی ایجادکننده بی‌میلی به مشارکت فعال و کاندیدا و نماینده شدن یا بی‌میلی به رأی دادن به زنان را از بین برد. از سوی دیگر باید تلاش کرد تا با ایجاد تغییرات در فرهنگ و عرف ناصحیح موجود در جامعه، موانع فرهنگی و اجتماعی موجود بر سر راه فعالیت و مشارکت فعال زنان را از میان برداشت.

منابع:

- درویشی سه تلانی، فرهاد، همتی، زهره (۱۳۹۷)؛ سناریوهای پیش روی حضور زنان ایرانی در عرصه سیاست ۱۴۰۶.۱۳۹۶ یک بررسی آینده پژوهانه، زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۶، پاییز ۱۳۹۷: ۳۹۶-۳۷۹
- جواهری، فاطمه (۱۳۹۰)؛ «گزارش وضعیت اجتماعی زنان در ایران ۱۳۹۰-۱۳۸۰»، تهران: نی.
- قاسمی حاکم، معالی، فاطمه (۱۳۹۳)؛ «عوامل محدود ماندن مشارکت سیاسی زنان» پژوهشنامه علوم سیاسی، سال دهم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۳، صص ۱۵۶-۱۲۳
- نظری، مینا، علی حسینی، علی، امام جمعه زاده، سید جواد، پورنجبر، مهدیه (۱۳۹۳)؛ «بررسی رابطه ی جامعه پذیری و مشارکت سیاسی زنان»، پژوهش نامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پنجم، بهار و تابستان ۱۳۹۳، صص ۱۶۱-۱۸۵
- خلیلی، محسن (۱۳۸۶)؛ «آسیب شناسی مشارکت زنان در جامعه معاصر ایران»، پژوهش زنان، دوره ۵، شماره ۲، پاییز ۱۳۸۶: ۱۸۶-۱۶۵
- مافی، فرزانه (۱۳۷۶)؛ «آشنایان ناآشنا»، دبیرخانه کنگره بررسی نقش زنان در دفاع و امنیت، ۱۳۷۶
- عظیمی هاشمی، مژگان، قاضی طباطبایی، محمود، هدایتی، علی اصغر، (۱۳۹۴)؛ «مشارکت سیاسی زنان در ایران و عوامل موثر بر آن»، فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه، سال ششم، شماره ی چهارم، زمستان ۱۳۹۴
- فوران، جان (۱۳۷۸)؛ مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران: از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق با ۸۷۹-شمسی تا انقلاب، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۴)؛ پیرامون انقلاب اسلامی، قم: انتشارات وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- یزدخواستی، بهجت (۱۳۷۲)؛ زنان و تغییرات اجتماعی، تهران: مانی.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۷)؛ جامعه شناسی سیاسی، تهران: نشر نی.
- ناجی راد، محمد علی (۱۳۸۲)؛ موانع مشارکت سیاسی زنان در فعالیتهای سیاسی-اقتصادی پس از انقلاب، تهران: کویر.
- شجاعی، زهرا (۱۳۸۱)؛ «نقش زنان در عرصه سیاست»، مجموعه مقالات زنان مشارکت و برنامه ریزی برای توسعه پایدار، جلد اول، تهران: برگ زیتون
- مصفا، نسرين (۱۳۸۵)؛ «نقش زنان در انقلاب اسلامی»، مشارکت سیاسی زنان در ایران، تهران: وزارت امور خارجه.
- درویشی، فرهاد، امامی، اعظم (۱۳۸۹)؛ «مشارکت سیاسی زنان در جنگ ایران و عراق طی سالهای ۱۳۶۰»، فصلنامه تخصصی مطالعات دفاع مقدس: نگین ایران، س ۹، ش ۳.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۰)؛ جامعه شناسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، تهران: نشرنی.
- رضوی الهاشم، بهزاد (۱۳۸۸)؛ «تحلیل جایگاه مشارکت زنان در فرایند توسعه سیاسی-اجتماعی انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علوم اجتماعی علامه طباطبایی، شماره بیست و یکم
- شمیم، علی اصغر (۱۳۷۰)؛ ایران در دوره سلطنت قاجار، انتشارات علمی: تهران.
- مک کی، ساندرا (۱۳۸۰)؛ ایرانی ها، ترجمه شیوا رویگریان: انتشارات ققنوس: تهران.
- افخمی، مهناز (۱۳۷۶)؛ «انقلاب مسالمت آمیز: مروری بر فعالیت ها و دستاوردهای سازمان زنان ایران (۱۳۵۷-۱۳۴۳)»، مجله ایران نامه، شماره ۵۹، سال پانزدهم، تابستان، صص ۴۱۲-۳۸۹
- ارسطو، (۱۳۷۱)؛ سیاست، مترجم حمید عنایت، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی

- Zelek, Tigist (2005), Ethiopian Women Lowyers Association the Politic Participation of Women in Ethiopia: Challenges and Prospects, addisababa.

- Ghafari Gholamreza. (2001). explanation of social and cultural factors affected social and economic participation. doctoral tez.

اخلاق در سیاست

ابوالفضل خانعلیان

دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی دانشگاه شاهد



IN THIS TEMPLE
THE HEARTS OF THE PEOPLE
WHOM HE SAVED THE UNION
MEMORY OF ABRAHAM LINCOLN
IS ENSHRINED FOREVER



اخلاق علمی است که باید‌ها و نبایدهای رفتار انسان را مد نظر دارد و خواهان ایجاد و تثبیت اخلاق پسندیده (فضیلت اخلاق) و نابودی یا دوری کردن از اخلاق ناپسند (رذائل اخلاق) در وجود انسان است به نوعی اخلاق خواهان تشکیل جامعه آرمانی با فضایل اخلاقی است به واقعیت کمتر توجه می‌کند. اخلاق می‌تواند محافظه کار یا انقلابی باشد برای مثال کنفوسیوس بزرگترین متفکر که آن را یکی از پیامبران الهی دانسته‌اند مبدع اخلاق محافظ کار بود که روابط حاکم بر جامعه چین را همانطور که بود حفظ می‌کرد و خواهان استمرار آن روابط بوده است. بودا پیامبر هم‌واسه اصلی که مطرح کرد به نوعی به دنبال اخلاق محافظه‌کاری بوده است (زندگی سراسر درد و رنج بی‌پایان است. سرچشمه این درد و رنج آرزو خواستن است. تنها با رسیدن به نیرونا می‌توان بر آرزو خواستن غلبه کرد). اخلاق انقلابی به آن اصولی گفته می‌شود که خواهان تغییر وضع موجود و تشکیل وضع مطلوب خود است که نمونه‌های آن در دعوت پیامبران الهی از قوم خودشان تجلی یافته است.

سیاست را تعریف‌های مختلفی کرده‌اند به گونه‌ای که حتی در میان خود دانشمندان و صاحب نظران آن هم تعریف واحدی از این علم وجود ندارد و همین امر باعث شده است که عده‌ای آن را علم ندانسته و در علم بودن سیاست تردید کرده و آن را یک میان رشته که بدون ارتباط با دیگر علوم اجتماعی غیر قابل فهم است تنزل داده‌اند.

شاید چنین تعبیری در حدی درست باشد ولی باید گفت که سیاست علمی با قدمت است و ارسطو آن را سرور تمام علوم دانسته است. علی‌رغم اینکه امروزه تعریف واحدی از آن یافت نمی‌شود ولی می‌توان سیاست را علم دستیابی و حفظ و گسترش قدرت تعریف کرد. قدرت یعنی توانایی وادار کردن دیگران به انجام کاری که در غیر این صورت انجام نمی‌دادند ولی امروزه قدرت به گونه‌ای اعمال می‌شود که شخص الف شخص ب را به گونه‌ای وادار داشته که شخص ب فکر می‌کند که در حال یافتن

منفعت خود است ولی بر اساس منفعت شخص الف گام برمی‌دارد.

در واقع می‌توان گفت که در میان همه متفکران سیاسی توجه به اخلاق در سیاست وجود داشته است ولی باید گفت آیا اخلاق مورد نظر نسبی بوده یا بر اساس اصول ثابت متکثر است. نسبیت یعنی حقیقتی وجود ندارد و هرچه که به نظر افراد برسد علی‌رغم تفاوت آن حقیقت است در دوران یونان باستان تالس متفکر یونانی جهان را تشکیل شده از آب می‌دانست هراکلیوس هم جهان را تشکیل یافته از آتش می‌داند و فیثاغورث هم عدد را عنصر اصلی تشکیل جهان دانسته و انسیمنس از متفکران مکتب ملطی هوا را عامل اصلی تشکیل جهان معرفی کرده است و دوست دیگر آن هم انسمیندر که عضو مکتب ملطی بوده می‌گوید که نباید هیچ عنصری را عنصر اصلی تشکیل جهان معرفی کرد.

همین نظریه‌های متضاد باعث شد که سوفسط‌ها که به معنای دانشمندان هستند به نظریه پردازی بپردازند. یکی از آنها می‌گوید اولاً حقیقتی وجود ندارد. ثانیاً اگر وجود داشته باشد برای انسان قابل شناخت نیست. ثالثاً اگر هم قابل شناخت باشد قابل آموزش دادن نیست. همین نظر باعث اصلی نسبی‌گرایی بوده ولی تکثرگرایی یعنی حقیقتی وجود دارد ولی تفسیرهایی که از آن می‌شود متفاوت هستند. سقراط به دنبال ایجاد جامعه‌ای با فضیلت بود بنابراین خود را خرمگس آتن معرفی کرد که با طرح سوالاتی با روش خود باعث آزار افراد شده است. او می‌گوید هتر است از بی‌عدالتی رنج ببرم تا خود مرتکب آن شوم و یک انسان عادل صرف نظر از اینکه چه سرنوشت دنیوی دارد بهتر از شخصی است که عادل نباشد.

افلاطون هم که به دنبال فیلسوف شاهی بود تا بتواند مدینه فاضله خود را تشکیل دهد. در ایران هم که پادشاه باید فرهمند باشد یعنی به تایید اهورا مزدا رسیده تا بتواند به عنوان شاه بر ایران حکومت کند و فرهمندی در دو حیوان تجلی یافته بود به عنوان مثال وجود قوچ در کنار اردشیر

پاپکان نشانه آن بود پرنده بی غم هم نشانه دیگر فرهمندی است بنابراین شخصی باید حاکم ایران باشد که وارسته بوده و تایید دینی و الهی هم داشته باشد.

دین مبین اسلام هم حاکمی را شخصی حکیم و عادل می داند و فارابی که به دنبال ایجاد مدینه فاضله بود بهترین حاکم برای آن را شخص پیامبر اسلام می دانست. امام علی علیه السلام هم برای حاکم صفاتی را مد نظر دارند که در نامه ای که به مالک اشتر نوشته اند اساس را مشخص کرده و فرمودند که مردم یا برادر دینی تو هستند یا در آفرینش با تو یکسان هستند این کلام نورانی ما را به پایبندی و اخلاق دستور می دهد به قدری حاکم صالح برای مسلمانان و اهل بیت علیه السلام مهم بوده است که امام حسین علیه السلام برای جلوگیری از نابودی اسلام قیام کردند تا با شهادت خودشان اسلام را نجات دهند و توجه به حاکم همواره مورد نظر ائمه اطهار بوده است. به گونه ای که وقتی هارون الرشید حدود فدک را از امام کاظم علیه السلام پرسید تا فدک را به ایشان برگرداند امام کاظم علیه السلام حدودی که مشخص کردند همه قلمرو حکومت هارون الرشید بود.

بهترین متفکر جان رالز است که می گوید برای رسیدن به عدالت باید از حجاب جهل استفاده کرد و گفته است که باید شهروندان با هم برابر باشند و اگر تبعیضی اعمال می شود بهتر است که به نفع فقیرترین عضو جامعه باشد. در دوران قرون وسطا علی رغم فسادها پاپ نماینده خدا بر زمین بود و خواهان ایجاد فضایل مسیحی در میان مردم تا آنها را به سعادت برساند و در توجیه گفته می شد که مسیح دارای قدرت باز کردن و بستن بود و هر کس که مسیح می بست شقاوت حال هر کس که باز می کرد سعادت مند در دنیا و آخرت بود و این قدرت به پاپ رسیده است.

لیبرال ها هم در میان دو فضیلت عدالت و آزادی اولویت را به آزادی داده اند و می گفتند که همه با هم برابرند و حال هر کس بیشتر تلاش کند به سود

بهتری برسد و بهتر است تا جامعه احترام و منزلت بیشتری برای افراد سخت کوش مد نظر قرار دهند تا بهترین ها به مناصب کلیدی برسند. تامس مور هم که با ایجاد امعه آرمانی خود در یک جزیره مردم را به تشکیل چنین جامعه ای راهنمایی نموده است.

مارکس هم که جامعه بی طبقه و هر کس به اندازه توان کار کند و به اندازه نیاز از خزانه بردارد را بیان کرده است. در دوران مختلف برای حاکمان

فضایل نیکو مد نظر داشتند تا جامعه ای خوب داشته باشند یعنی آن فردی که به حکومت می رسید اهمیت و الایی داشت چون ساختارها خیلی اهمیت نداشتند که بتوانند جامعه را هدایت کنند. جان مارو حتی دارد که یکی از پرسش های اصلی آن غایت سیاست است می توان گفت

غایت سیاست که با اخلاق هم مورد نظر است شامل نظم و امنیت و عدالت و برابری و سعادت دنیا و سعادت آخرت و یا سعادت دنیا و آخرت

و آزادی و... است.

به عنوان مثال هگل به آزادی بها می دهد و مارکس به برابری و شیعیان به عدالت و اهل سنت به نظم و امنیت و با توجه به غایتی که برای خود تعیین کرده اند اخلاقشان هم متفاوت است. گاهی هم میان اخلاق عمومی و



اخلاق سیاسی فرق گذاشته می‌شود مثلاً بخشندگی در اخلاق عمومی مورد توجه است ولی در سیاست نهی شده این بیان متفکر اصلی سیاست که رنسانسی در این زمینه به وجود آورد و پیامدهای عمل را مهمتر از خود عمل دانست کسی نبود جز ماکیاولی که پندهایی که در کتاب شهریار به حاکم می‌دهد با همه متفکران سیاسی متفاوت است. به عنوان مثال می‌گوید حاکم باید مثل شیر و روباه باشد یا اینکه ویرتو او باید بیشتر از فورتون باشد پس بهتر است از حاکم بترسند تا او را دوست بدارند.

فمینیست‌ها اخلاق را در برابری زن و مرد دانسته چون می‌گویند که در گذشته پدرسالاری بوده و باید که تغییر کند و تمایز میان حوزه عمومی و خصوصی هم باید انجام شود حوزه خصوصی هم مردانه است.

رابرت فیلمر نویسنده کتاب پدرسالار که جان لاک رساله اول از دو رساله را در نقد دیدگاه او نوشته است می‌گوید در کتاب مقدس آمده که پدر خود را احترام نما و این بیانگر این است که حضرت آدم اولین شاه بود و بعد به پسر بزرگش رسید بنابراین شاه همان گسترش طبیعی خانواده است و شاه به نوعی پدر

جامعه خواهد بود.

چنین سخنی بعدها باعث ایجاد نظریه الهی شاهان شد که حاکمان نماینده خدا بوده و کسی که با آن مخالفت کند با خدا مخالفت کرده و سن آگوستین هم می‌گوید که باید از حاکم هرگونه که باشد اطاعت کرد حتی اگر مسیح را انکار کرد باید تقیه کرده و نباید او را برکنار کنیم. سند پل و امبروز هم این را تایید کردند و از شاهان جانبداری نمودند. بعدها که هابز و لاک و ژان بعدها که هابز و لاک و ژان ژاک روسو مفهوم قرار اجتماعی رو طرح کردند و لاک گفت که در صورت لغو قرارداد توسط شاه می‌توان او را برکنار کرد.

نظریه قرارداد اجتماعی جای حق الهی شاهان را گرفت ولی بعدها گفته شد که قرارداد اجتماعی هم رست نیست و افراد چون مجبور هستند و یا عادت کرده‌اند از حکومت پیروی می‌کنند که این سخن دیوید هیوم است که تقریباً اساس هر چیزی را سست کرد. او حتی اقامت در یک کشور را دلیل توجیه قبول حکومت و اخلاق آن جامعه ندانست و گفت اگر کسی در یک جزیره که اطراف آن را آب گرفته اسیر شده باشد یا در یک کشتی بوده و تنها راه نجات پریدن در آب و مردن است آیا می‌توان گفت که شخص از وضع خود راضی است.

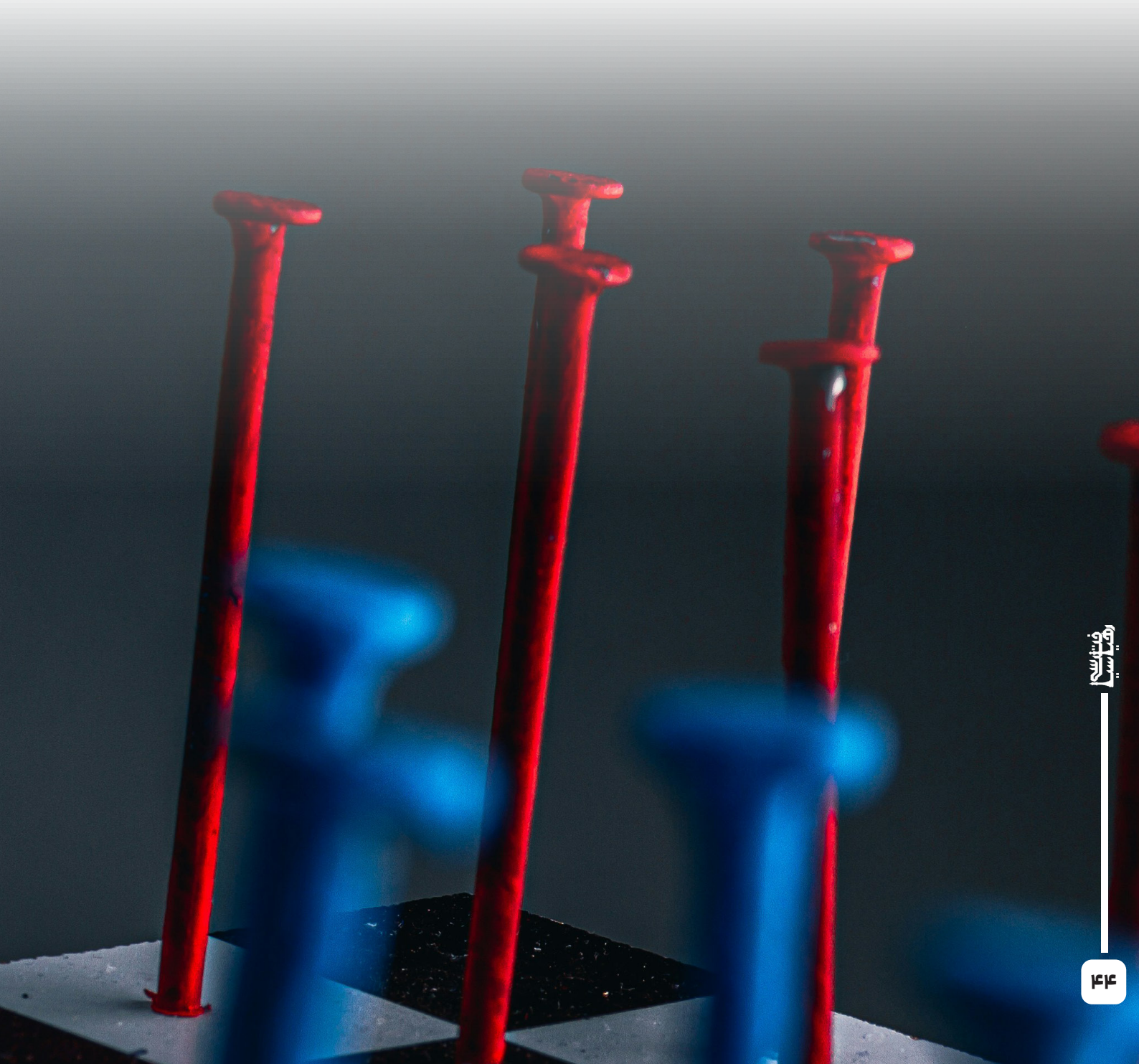
مکتب رواقی یکی از مکاتب یونان باستان می‌گوید که انسان چه در سریر چه در زنجیر باید روان خود را شاد کند و وضع مادی خیلی تاثیر ندارد یا مکتب اپیکوری که به دنبال لذت بود باعث شد جرمی بنتام و جان استوارت میل اندیشه فایده‌گرایی را مطرح کنند و بگویند که بیشترین لذت برای بیشترین افراد جامعه. فرانسیس بیکن هم آرمان شهری را د نظر داشت ولی اصلی‌ترین فضیلت آن علم بود و کسانی بزرگان و حاکمان آن بودند که عالم‌ترین باشد.

بسیار می‌توان در این مورد بیان کرد ولی باید که در هر صورت از اخلاق بهره گرفت حتی اگر در سیاست عملی شکست خورد همانطور که گفته‌اند که حکومت کسانی تداوم می‌یابد که اخلاق

را کنار بگذارند و کسانی که اخلاق مدار هستند حکومتشان کم است و بقایی نخواهد داشت به عنوان مثال حکومت مولا علی علیه السلام و امام حسن مجتبی علیه السلام خیلی اندک بود و ائمه دیگر هم اصلاً به قدرت نرسیدند و چون خود عمل اخلاقی برایشان مهم بود. بنابراین مصلحت اندیشی‌های بی‌مورد و پیامدهای مهم عمل که به نوعی ماکیاولی بیان کرد مدنظر اهل بیت نبوده و آنها خود عمل را مدنظر قرار داده بودند. برای مثال در دوران پیامبر اسلام یکی از یهودی‌های ثروتمند دزدی کرد لی پیامبر او را مجازات نمود و به مصلحت‌هایی که دوستان برایش می‌گفتند بهایی نداد.

یکی از راه‌های اخلاقی برای تاثیرگذاری بر روی افراد صبر و تحمل است که در تعالیم حضرت عیسی بیان شده یعنی اگر به گونه راست صورتت سیلی زدند بگذار به سمت چپ هم سیلی بزنند ولی با اخلاق درست او را تحت تاثیر قرار بده. گاندی رهبر هندوستان هم چنین نظری داشت به پیروزی بدون خشونت معتقد بود و می‌گفت که اگر کتک خوردن شما باعث تاثیر اخلاقی بر روی فرد کتک زننده شد بهتر است که کتک بخورید و او را اخلاقی به راه راست هدایت کند.

امام حسن مجتبی علیه السلام هم وزی با فردی شامی روبرو می‌شوند و آن فرد سخنان بسیار زشتی به امام



می‌گوید ولی امام با رفتاری درست و صبر و تحمل آن فرد را به راه راست هدایت کرده و او از یاران امام حسن می‌شود.

عمل خیلی برای اهل بیت مهم بود در دوران امام صادق علیه السلام به ایشان خبر دادند که شخصی مانند جدشان حضرت علی علیه السلام شبانه به فقیران کمک می‌کند آن حضرت روزی آن فرد را در خیابان دیدند و او را تعقیب کردند و به بازار رفتند و دیدند که آن فرد میوه‌هایی را می‌دزد امام آمدند و جلوی او را گرفتند لی آن فرد گفت که آنها را برای انفاق به نیازمندان می‌دزدند و چون خداوند فرموده یک عمل صالح ۱۰ پاداش دارد و یک عمل گناه همان یک جزا دارد پس ثواب بیشتری نصیبش خواهد شد ولی امام صادق علیه السلام جلوی او را گرفتند و مانع این کار شدند.

لنین رهبر انقلاب اکتبر روسیه هم با شعار صلح و زمین و نان تمام قدرت از آن شوراها مردم را در یک نظام کمونیستی جای داد و خواهان اجرای عدالت و آرمان اصلی مارکس بود. بهترین چیز برای افراد چه در سیاست و چه در زندگی روزمره عمل به این فرمان حضرت علی علیه السلام است که هرچه برای خود می‌پسندی برای دیگران هم بپسند و هرچه برای خود نمی‌پسندی برای دیگران هم نپسند.

بریکس و امکان دلارزدایی از تجارت ایران

دکتر شهاب‌الدین فرجی لاهیجی
دکترای علوم سیاسی



در روسیه، برزیل و آفریقای جنوبی رسیده است، به آنها اجازه داد تا رشد و سهم قابل توجهی در تولید جهانی کالا و خدمات، تبدیل شدن به برخی از کشورهای پیشرو از نظر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و انباشت ذخایر بین‌المللی، بهبود چشمگیر وضعیت در حوزه بودجه و اجتماعی و چند برابر شدن مقیاس بازار مالی داخلی داشته باشند.

بریکس: رویای تغییر و واقعیت

کشورهای بریکس دارای دبیرخانه، منشور یا سایر هنجارهای رسمی نیستند. دولت‌ها برای ایجاد مدلی از دنیای جدیدی که به آنها امکان می‌دهد مسیر توسعه خود را انتخاب کنند، متحد شده‌اند. اگرچه کشورهای عضو بریکس گفتگوها پیرامون ایجاد یک پول واحد تحت عنوان اس. آر. دی را در سالهای اخیر شروع کرده‌اند، اما هنوز توافق نهایی در این زمینه انجام نگرفته است. در حال حاضر، سیستم پولی جهان تحت تسلط سه ارز است: دلار آمریکا، یورو و ین ژاپن که بیش از ۸۰ درصد از پرداخت‌ها در تجارت بین‌المللی و حدود ۹۰ درصد از دارایی‌های ذخیره رسمی و بدهی‌های جهانی از طریق آنها انجام می‌شود. تحت تأثیر بی‌ثباتی فزاینده نظام پولی و نوسانات فزاینده نرخ ارزهای کلیدی جهان، تمایل به مشارکت واحدهای پولی کشورهای در حال توسعه

بریکس یک مجمع اقتصادی متشکل از اقتصادهای نوظهور برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی است. این مجمع جهانی در سال ۲۰۱۱ اعلام موجودیت کرد. هدف این مجمع اقتصادی توسعه گفتگوی منسجم بین اعضا و همکاری متقابل سودمند است. فرض بر این است که تا سال ۲۰۵۰، با حفظ پویایی اقتصادی، کل تولید ناخالص داخلی کشورهای بریکس ۴/۲ برابر (یا ۲/۴۶ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان) بیشتر از تولید ناخالص داخلی کشورهای توسعه یافته - اعضای جی ۷ خواهد بود. نرخ‌های بالای رشد اقتصادی اعضای بریکس که طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ به طور متوسط به ۶/۸ درصد در سال در چین، ۹/۵ درصد در هند و ۸/۱ تا ۲/۷ درصد

BRICS 20
KAZAN, RUSSIA 24
22-24 OCTOBER



در تجارت درون منطقه‌ای وجود داشته است. مقیاس استفاده از ارزهای کشورهای در حال توسعه در گردش بین‌المللی هنوز کوچک است و با افزایش سهم این کشورها در تولید و صادرات جهانی مطابقت ندارد. سهم کل ارزهای روسیه، چین، هند، برزیل و آفریقای جنوبی در کل گردش مالی بازار ارز جهانی در سال ۲۰۱۹، حدود ۳/۹ درصد بود، در حالی که سهم کل آنها در تولید ناخالص داخلی جهانی ۶/۳۴ درصد برآورد شد. دلایل ضعف بین‌المللی شدن پول ملی کشورهای در حال توسعه به خوبی شناخته شده است. مواد اولیه‌ای که آنها وارد می‌کنند به طور سنتی با دلار آمریکا معامله می‌شود. شرکت‌های داخلی ترجیح می‌دهند با دلار کار کنند. برای معاملات مالی بین‌المللی به واحد پول ملی محدودیت‌هایی وجود دارد. توانایی‌های مالی افراد غیر مقیم از نظر مدیریت ارزهای ملی و سایر دارایی‌ها به دلیل توسعه نیافتگی بازار سرمایه بسیار محدود است. در نهایت، محیط عمومی اقتصادی، از جمله سیستم‌های مالیاتی و حقوقی، استفاده از ارزهای بریکس توسط افراد غیر مقیم را ترجیح نمی‌دهد. در آینده، با غلبه بر این موانع، باید انتظار افزایش قابل توجهی در نقش ارزهای ملی بزرگترین کشورهای در حال توسعه در ارائه خدمات تجارت بین‌المللی و جریان‌های سرمایه برون مرزی داشت که به آنها اجازه می‌دهد جایگاه قابل توجهی در سیستم پولی دنیای مدرن داشته باشند؛ مطابق با اهمیت آنها برای اقتصاد جهانی. در ژوئن ۲۰۱۹، روسیه و چین با انعقاد توافقنامه‌ای در مورد توسعه تجارت متقابل و مبادلات مالی با استفاده از ارزهای ملی خود، روبل و یوان، اولین گام‌ها را برای دلارزدایی روابط تجاری دوجانبه برداشتند. کارشناسان معتقدند که شانس چین برای تقویت موقعیت جهانی یوان بسیار بالاست. ذخایر بانک خلق چین نزدیک به ۵ تریلیون دلار است. در صورت ادامه حرکت کشور به سمت آزادسازی بازار سرمایه، تمایل بانک‌های مرکزی برای خرید ارز چین افزایش می‌یابد. یک یوان قوی‌تر، چین را قادر می‌سازد تا بدهی خارجی بانک‌ها و شرکت‌های ملی را به

دلار کاهش دهد و در نتیجه خطر یک بحران مالی را کاهش دهد. علاوه بر این، خروج سرمایه از کشور کاهش می‌یابد و کنترل بر جابجایی آن تضعیف می‌شود. کارشناسان معتقدند در دراز مدت، به سختی باید انتظار افزایش مداوم در ارزش یوان را داشت، زیرا اقتصاد چین با مشکلات جدی روبرو خواهد شد: سطح بالای بدهی شرکت‌ها و نرخ رشد سریع آن، ظرفیت تولید مازاد، بازار نامتعادل املاک و مستغلات و عدم اطمینان در توسعه اقتصاد جهانی. این عوامل باعث نوسانات نرخ یوان خواهد شد.

بین‌المللی‌سازی رئال برزیل در چارچوب انجمن بزرگ ادغام منطقه‌ای مرکوسور صورت می‌گیرد که کشورهای عضو آن بیش از ۷۵ درصد از کل تولید ناخالص داخلی آمریکای لاتین را تشکیل می‌دهند.

توسعه روابط تجاری و اقتصادی بین دولت‌های منطقه به مشارکت ارزهای ملی در خدمت تجارت متقابل کمک می‌کند که فعلاً در سطح رسمی مورد حمایت قرار می‌گیرد. بنابراین، در ژوئیه ۲۰۰۸، در اجلاس مرکوسور، برزیل و آرژانتین توافق کردند که استفاده از رئال و پزو را در تسویه حساب‌های دوجانبه گسترش دهند و نرخ‌های مبادله خود را در یک کریدور واحد در رابطه با سایر ارزها مرتبط کنند. به عقیده رهبران این کشورها، این ابتکار شرایطی را برای دلارزدایی از تجارت متقابل، افزایش ثبات پول ملی و ایجاد پیش‌شرط برای معرفی ارز واحد در آینده در قلمرو مرکوسور فراهم می‌کند.

همچنین بعید است روسیه بتواند در آینده نزدیک ارز خود را در برابر دلار یا یورو قرار دهد. روبل باید خود را با سیستم پولی دوقطبی بین‌المللی جدید وفق دهد؛ امری که در سال ۲۰۲۰ همزمان با تقویت روابط روسیه با کشورهای آسیایی آغاز شد. بنابراین نیاز به تغییر جهت روابط ارزی خود به سمت ین ژاپن و یوان چین بدیهی است. رهبر روسیه بارها بر لزوم تبدیل روبل به ارز جهانی تاکید کرده است. رئیس‌جمهور روسیه ولادیمیر پوتین معتقد است که هنگام ورود به بازار جهانی برای شرکت‌های روسی مفید است که

قراردادهای سودآورانه تنها به دلار و یورو بلکه به روبل نیز منعقد کنند.

برخلاف چین، سیاست پولی هند بازتر است و عمدتاً بر ایجاد شرایطی متمرکز است که ورود سرمایه خارجی به بازار داخلی را تسهیل کند. به ویژه اطمینان از ورود سالانه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به میزان حداقل ۲۵ میلیارد دلار به عنوان یکی از وظایف اقتصادی اولویت‌دار کشور اعلام شده است. سیاست آزادسازی ارز خارجی هند در دهه ۲۰۰۰ به افزایش قابلیت تبدیل روپیه و ایجاد شرایط برای بین‌المللی شدن تدریجی آن کمک کرد. در عین حال، آزادسازی مبادلات ارزی در هند هنوز تا کامل شدن فاصله دارد. مانع دیگر بر سر راه بین‌المللی شدن روپیه، نرخ تورم نسبتاً بالا در این کشور است. علاوه بر این، مشارکت روپیه در گردش بین‌المللی به دلیل سهم

پایین هند از صادرات کالاهای جهانی (حدود ۶/۱ درصد در سال ۲۰۲۰)، که تقاضای شرکای

خارجی برای پول ملی را کاهش می‌دهد، محدود شده است.

امکان دلارزدایی از تجارت ایران در چارچوب بریکس

در حالی که پیوستن به بریکس مزیت‌های مثبت خود را دارد، اما نباید در مورد آنها اغراق کرد چرا که کسب منافع کامل از بریکس بدون لغو کامل تحریم‌های غرب برای تهران بسیار دشوار خواهد بود. اخیراً با درخواست ایران برای پیوستن به بریکس موافقت شده است. در سطح جهانی، این انجمن ۴۰ درصد از جمعیت جهان و ۲۶ درصد از اقتصاد جهان را تشکیل می‌دهد. اکنون با ورود ایران، ارزش بیشتری به بریکس اضافه خواهد شد، زیرا حدود یک چهارم ذخایر نفت خاورمیانه و دومین ذخایر بزرگ گاز جهان را در اختیار دارد. با از دست دادن امید به عادی‌سازی روابط خود با بلوک غرب، ایران

می‌تواند در حال بررسی گزینه‌های جایگزین برای بقای اقتصادی تحت تحریم‌های فعلی آمریکا باشد. از زمان پیوستن به سازمان همکاری شانگهای در سال گذشته، مشارکت در بریکس دومین گام ایران به سمت شرق است. اگرچه نشست‌های سالانه بریکس برگزار می‌شود، اما همکاری اقتصادی درون بریکس بسیار محدود باقی مانده است. بنابراین سوال اساسی این است که در این شرایط، بریکس چه کمکی می‌تواند به ایران ارائه دهد؟ تهران آگاه است که اعضای دارای پتانسیل بزرگ باید یک مکانیسم مالی مستقل برای خنثی کردن تلاش‌های غرب برای تحمیل سیاست‌های خود، به ویژه برای به چالش کشیدن سازوکار سوئیفت - که در دسترس بودن آن برای ایران در کوتاه مدت / میان مدت بسیار مشکل است و به شدت با آینده مذاکرات هسته‌ای مرتبط خواهد بود - ایجاد

کند. با این وجود، به دست آوردن منافع کامل از بریکس بدون لغو کامل

تحریم‌های غرب بسیار دشوار خواهد بود. پتانسیل اقتصاد ایران بسیار زیاد است. توسعه آن به فناوری غربی به ویژه در بخش انرژی نیاز دارد؛ چیزی که کشورهای بریکس نمی‌توانند به طور کامل آن را ارائه دهند. ایران در کوتاه مدت تا میان مدت واقعاً نمی‌تواند منافعی از بریکس به دست بیاورد، به جز فضایی برای مانور سیاسی و دیپلماتیک. هیچ چشم‌انداز واقعی برای کشورهای بریکس وجود ندارد که به خاطر داشتن روابط تجاری و اقتصادی با ایران، تحریم‌های آمریکا را نادیده بگیرند. آنچه ایران اغلب به آن می‌بالد، از نظر ادامه همکاری چین و روسیه با ایران علیرغم تحریم‌های ایالات متحده، اولاً یک موضوع دوجانبه است و دوم با هزینه قابل توجهی مانند تخفیفی که ایران برای تجارت نفت خود به چین می‌دهد، ادامه یافته است.

بنابراین، انتظار نمی‌رود که سازمان همکاری



شانگهای و بریکس به ایران در یافتن راهی برای برون رفت از مشکلات اقتصادی فعلی کمک کنند. مدتی است که بریکس روی سیستم پرداخت متقابل، آژانس رتبه بندی اعتباری، بانک ارز و مکانیزم ذخیره کار می کند. به این ترتیب، کشورهای عضو ممکن است از تحریم های ایالات متحده فرار کنند. اما این امر زمانبر خواهد بود و نمی تواند منجی اقتصاد بحرانی ایران در کوتاه مدت شود. ایران در صدد است با ایجاد مکانیسم های پرداخت دو جانبه، هم دلار را از معاملات دو جانبه حذف کند و هم از سیستم مالی سوئیفت استقلال پیدا کند؛ امری که به ایران امکان می دهد از سیستم مالی تحت کنترل ایالات متحده استقلال پیدا کرده و تحریم های آن را دور بزند. آنچه مد نظر ایران جهت پیوستن به بریکس و استقلال از سیستم مالی دلار در سطح جهانی است اساساً در کوتاه مدت و میان مدت قابل تحقق نیست اما چشم اندازی برای همکاری بلند مدت با اعضای بریکس در این زمینه وجود دارد. کشورهای بریکس همکاری فزاینده ای نشان داده اند و قصد دارند سیستم مالی تحت سلطه دلار را تغییر دهند. در چارچوب بریکس، روسیه و چین ابتکارات دلارزدایی را برای حفظ منافع خود که ناشی از رقابت ژئوپلیتیکی آنها با ایالات

متحده است و خطر تحریم های آتی علیه آنها را در نظر می گیرند، رهبری می کنند. هند، برزیل و آفریقای جنوبی از بیانیه های بریکس در مورد تغییر سیستم مالی جهانی و ایجاد فرصت های بیشتر برای ترویج استفاده از ارزهای محلی برای تجارت بین المللی حمایت کرده اند. همه اعضای بریکس اقداماتی را برای کاهش دلار و بهبود استقلال خود در سیستم مالی جهانی انجام داده اند. دلیل اساسی برای توسعه یک سبد ارز مشابه اس. دی. آر برای کشورهای بریکس، پرداختن به هژمونی دلار آمریکا و ایجاد حوزه نفوذ و واحد پول خود در آن حوزه است. هنوز مشخص نیست که آیا همه اعضای بریکس می خواهند ذخایر خارجی را برای توسعه این حوزه نفوذ جدید انتقال دهند یا خیر. دلارزدایی، به هر طریقی، منافع و اولویت مشترک همه کشورهای بریکس برای تنوع بخشیدن و کاهش خطر شوک های خارجی و شوک های ارزی ناشی از دلار آمریکا است. با این حال، در حالی که کشورهای عضو بریکس - به طور جمعی و جداگانه - قصد دارند از منافع مالی جهانی خود با توسعه یک ارز ذخیره محافظت کنند، وابستگی بیش از حد به دلار آمریکا چالش هایی را ایجاد می کند که ممکن است چنین ایده ای را به واقعیتی دور تبدیل کند.



مصاحبه با دکتر محسن بیات

استاد مشاور انجمن علمی دانشجویی علوم سیاسی دانشگاه لرستان
و مدیر گروه علوم سیاسی دانشگاه لرستان

مصاحبه کننده : امیررضا دریکوند
دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی دانشگاه لرستان



+رشته علوم سیاسی را به صورت مختصر معرفی کنید.

قبل از اینکه بخواهیم علوم سیاسی را تعریف کنیم، ضرورت دارد که ابتدا تعریفی از سیاست ارائه کنیم. سیاست از دو منظر تعریف می‌شود یکی منظر بدبینانه یا واقع بینانه یا همان رئالیستی و دیگر منظر آرمان گرایانه است از منظر رئالیستی سیاست، راه رسیدن به قدرت است، اما از منظر ایده آلیستی، سیاست ابزار رسیدن به زیست مطلوب اجتماعی و یا همان سعادت جمعی است. اما در مورد علوم سیاسی، باید گفت که این علم، علم مطالعه سیاست و شیوه‌های تصمیم‌گیری، حاکمیت و حکمرانی، قدرت و همچنین تحلیل فعالیت‌های سیاسی، تفکرات سیاسی رفتارهای سیاسی و نهادهای سیاسی

است. با توجه به تعریف ایده آلیستی از سیاست، باید گفت که رسالت اصلی علوم سیاسی، شناخت مسیرهای رسیدن به سعادت جمعی است.

+وضعیت رشته علوم سیاسی از شروع و ابتدا در ایران چگونه بود؟

علوم سیاسی، دومین رشته‌ای است که در قالب آموزش دانشگاهی و آموزش عالی، پس از طب، در ایران پایه‌گذاری شد. پایه‌گذاری مدرسه علوم سیاسی به زمان مظفرالدین شاه قاجار و ۲۸ آذر سال ۱۲۷۸ خورشیدی برمی‌گردد که بسیاری این روز را روز علوم سیاسی در ایران می‌نامند. مدرسه علوم سیاسی در اثر تلاش میرزا حسن خان مشیرالملک پسر میرزا نصرالله مشیرالدوله، وزیر خارجه وقت، بنیان نهاده شد. سال‌های بین سال ۱۲۷۸ تا ۱۳۱۳، سال‌های نهادینه شدن علوم سیاسی در ایران بوده است زیرا در این سال‌ها پس از مدرسه علوم سیاسی مدرسه حقوق در سال ۱۳۰۶، مدرسه تجارت در سال ۱۳۰۴ و مدرسه حقوق و علوم سیاسی در سال ۱۳۰۶ و نهایتاً دانشکده حقوق و علوم اقتصادی و علوم سیاسی دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳، بنیان نهاده شد.

از سال ۱۳۱۳ تا ۱۳۴۰، علوم سیاسی در ایران زیر سایه وزارت خارجه مشغول به تربیت رجال سیاسی برای دستگاه دیپلماسی ایران بودند به همین خاطر مدرسه علوم سیاسی در بدو تاسیس رسماً جزئی از وزارت خارجه بود هدف علوم سیاسی در این دوران اهداف عملی و مشخص بود؛ تربیت نیروهای انسانی مورد نیاز وزارت خارجه مطابق با استانداردهای غربی. در این دوره علوم سیاسی در ایران حت‌تاثیر دانشگاه‌های فرانسوی بود. روی کار آمدن رضا شاه منجر به محافظه‌کاری بیشتری در علوم سیاسی و همچنین کاهش چشمگیر مباحث نظری در این علم شد.

اما در دهه ۴۰، تاسیس دانشگاه ملی یا همان دانشگاه شهید بهشتی کنونی و آموزش علوم سیاسی در آن دانشگاه، گسترش دوره کارشناسی از سه سال و ۴ سال و همچنین ایجاد دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترای علوم سیاسی تاثیر بسیار مهمی در گسترش



علوم سیاسی داشت.

پس از انقلاب اسلامی و به ویژه انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها علوم سیاسی رنگ بوی اسلامی و انقلابی به خود گرفت از طرف دیگر، شاهد کاهش سرعت گسترش رشته علوم سیاسی و گرایش‌های مرتبط با آن بودیم و برخی از رشته‌ها مانند حقوق سیاسی به کلی کنار گذاشته شدند. اما در دهه ۸۰ شمسی شاهد گسترش گرایش‌های مختلف علوم سیاسی در دانشگاه هستیم به طوری که اکنون حدود ۱۵ گرایش مختلف برای رشته علوم سیاسی در دانشگاه‌ها تعریف شده است.

+ تحولات علوم سیاسی در ایران و دانشگاه لرستان چگونه پیشرفت؟

مهمترین تحول دهه‌های اخیر در رشته علوم سیاسی شاید تخصصی شدن گرایش‌های مرتبط با این رشته: رشته‌هایی مانند سیاست تطبیقی، روابط بین‌الملل، فلسفه سیاسی، سیاست‌گذاری عمومی، روزنامه نگاری، اندیشه سیاسی مطالعات منطقه‌ای، دیپلماسی از مهمترین رشته‌های منشعب شده از علوم سیاسی هستند.

رشته علوم سیاسی در دانشگاه لرستان در سال ۱۳۹۲ تأسیس شد که در آن زمان این گروه دارای سه عضو هیئت علمی و ۳۵ دانشجوی روزانه بود. در تأسیس این رشته مطابق با رفرنس و دروس دانشگاه‌های بزرگ ایران تدریس گردد. با فارغ التحصیل شدن چندین گروه از دانشجویان کارشناسی، مقطع کارشناسی ارشد رشته روابط بین‌الملل در دانشگاه در سال ۱۴۰۱ تأسیس گردید در دو سال اخیر تحول مهم، پذیرش دانشجویان بین‌المللی در رشته فوق در دانشگاه بوده است و چشم‌انداز گروه برای این رشته، پذیرش دانشجویان مقطع دکترا می‌باشد که بلافاصله پس از فارغ التحصیل شدن دانشجویان کارشناسی ارشد این مهم محقق خواهد شد.

+ وضعیت هم‌اکنون علوم سیاسی در دانشگاه لرستان چگونه است؟

با توجه به راه‌اندازی مقاطع ارشد و دکترا در رشته روابط بین‌الملل، اهداف بعدی در گسترش رشته علوم سیاسی در دانشگاه لرستان جذب هیئت علمی فعال و همچنین گسترش مقاطع ارشد و دکترا شاخه‌های دیگر علوم سیاسی است به شکلی که پیش‌بینی می‌کنیم در دهه آینده رشته علوم سیاسی یکی از رشته‌های تاثیرگذار در دانشگاه لرستان و این استان باشد.

+ فرق علوم سیاسی با رشته حقوق در چیست؟

در مورد تفاوت رشته حقوق با علوم سیاسی باید گفت که شاید مهم‌ترین تفاوت از نظر مبانی نظری و علمی و همچنین کاربردی در گستردگی رشته علوم سیاسی نسبت به حقوق است رشته حقوق در ایران متمرکز بر قوانین ایران است اما رشته علوم سیاسی رشته‌ای است که موضوعات متعددی از جمله فلسفه سیاسی جامعه‌شناسی سیاسی سیاست‌گذاری تصمیم‌گیری سیاسی دیپلماسی و همچنین قانونگذاری را بر می‌گیرد ما در گذشته رشته حقوق سیاسی در ایران داشتیم که نشان‌دهنده نزدیکی این دو رشته در گذشته ایران بوده است اما امروزه این دو رشته در ایران تا حدودی از هم مجزا و مستقل شدند.

تفاوت دیگر رشته علوم سیاسی و حقوق در حدود بین‌المللی بودن دو رشته است رشته حقوق غالباً یک رشته داخلی در بسیاری از کشورهاست زیرا قوانین کشورها از یکدیگر متفاوت می‌باشد اما رشته علوم سیاسی از نظر مبانی فلسفی، اندیشه‌های سیاسی، شیوه‌های حکمرانی، سیاست تطبیقی و بسیاری از موضوعات دیگر تقریباً یک رشته فراملی است.

+ در آخر هم توضیحی درباره آینده شغلی این رشته تحصیلی بدهید.

آینده شغلی رشته علوم سیاسی همانند بسیاری از رشته‌های علوم انسانی و حتی فنی و علوم تجربی تحت تاثیر عوامل متعددی است.

سیاست کوچک‌سازی دولت‌ها در کشورها از جمله کشور ایران و همچنین افزایش تعداد دانشجویان در چند دهه اخیر، منجر به چالش اشتغال در بین فارغ التحصیلان رشته علوم سیاسی شده است. نبود امکان اشتغال در بخش خصوصی و همچنین اشتغال مستقل در رشته علوم سیاسی به این چالش دامن زده است اما توانمندسازی دانشجویان در این رشته می‌تواند منجر به رفع این چالش شود، توانمندسازی به معنای افزایش توانایی‌های دانشجویان از طریق تسلط به حداقل یک زبان خارجی، تسلط به روش‌های نوین تحقیق و ورود دانشجویان این رشته به موضوعات جدیدی مانند هوش مصنوعی، می‌تواند در مسیر اشتغال دانشجویان این رشته بسیار موثر باشد.

سیاست‌های حمایت‌کننده مانند اضافه شدن رشته علوم سیاسی به آزمون استخدامی دستگاه‌های اجرایی نیز می‌تواند آینده اشتغال در این رشته را مطلوب کند.

اما نهایتاً باید گفت که اشتغال در رشته علوم سیاسی مانند دیگر رشته‌ها در دنیای امروز وابسته میزان علاقه دانشجویان است که مستقیماً بر تلاش دانشجویان این رشته در توانمندسازی خود موثر است. زیرا با وجود تمام مشکلات و چالش‌ها باید بگوییم که هر حکومت و کشوری به بهترین‌ها در رشته‌های مختلف نیازمند است بنابراین توصیه نهایی من این است که بهترین در علم سیاست. شوید زیرا همیشه برای بهترین‌ها، شغلی وجود دارد.



لطفاً چگونگی تشکیل انجمن دانشجویی علوم سیاسی و مشکلات ابتدایی آن را بیان فرمایید.

انجمن علمی علوم سیاسی دانشگاه لرستان با تلاش فراوان دانشجویان گروه علوم سیاسی و حمایت اساتید محترم گروه از آذر ماه سال ۱۳۹۴ فعالیت خودش را آغاز کرد اولین ورودی‌های گروه علوم سیاسی دانشگاه لرستان در سال ۱۳۹۲ وارد این دانشگاه شدند و از میان دانشجویان این رشته تعدادی از دانشجویان با اسامی خانم احمدی، خانم امامی، خانم خسروی، خانم مرادی و خانم رئیسی هسته اولیه تشکیل انجمن علمی علوم سیاسی دانشگاه لرستان را تشکیل دادند. اولین استاد راهنمای انجمن علمی علوم سیاسی جناب آقای دکتر ذوالفقاری انتخاب گردیدند. دبیر هیئت موسس انجمن علمی علوم سیاسی دانشگاه لرستان خانم نجمه احمدی بودند. در کنار هیئت موسس انجمن علمی علوم سیاسی دانشگاه لرستان سایر دانشجویان نیز همیاری و همکاری فراوانی در راه اندازی شکل‌گیری این انجمن داشتند. از جمله مشکلات انجمن علمی علوم سیاسی دانشگاه لرستان تازه تاسیس بودن گروه علوم سیاسی در دانشگاه بود اولین تجربه دانشجویان و گروه در مورد انجمن علمی برای دانشجویان می‌بود دومین مشکل عدم وجود هرگونه زیرساخت متعلق به انجمن علمی علوم سیاسی می‌بود. یکی دیگر از مشکلات عدم آشنایی دانشجویان و همچنین عدم وجود دانشجویان تحصیلات تکمیلی در این رشته می‌بود. پس از گذشت ۴ ماه از تاسیس انجمن در اولین شورای انجمن علمی علوم سیاسی اینجانب به عنوان اولین دبیر انجمن علمی علوم سیاسی دانشگاه لرستان از طرف شورای انجمن انتخاب شدم. اعضای اولین شورای انجمن علمی علوم سیاسی شامل آقایان محمد جواد گودرزی، داوود کرمی و سید فردین حسینی و خانم‌ها بسطامی، درویشی، حجت‌نیا و رئیسی بودند در کنار این شورا اعضای هیئت موسس نیز به شکل فعال در انجمن فعالیت می‌نمودند.



مصاحبه با آقای
محمد جواد گودرزی
دبیر اسبق انجمن
علمی دانشجویی
علوم سیاسی
دانشگاه لرستان

هدف شما از فعالیت در این انجمن چه چیزی بود و چه دستاوردهایی برای خودتان و رشته علوم سیاسی داشت؟

هدف ما از فعالیت در انجمن علمی علوم سیاسی دانشگاه لرستان فعالیت در گستره دانشجویی در سطح دانشگاه و همچنین افزایش مهارت و دانش خود و سایر دانشجویان در کنار کلاس‌های درسی در دانشگاه لرستان بود همچنین دانشجویان گروه علوم سیاسی به علت ماهیت رشته تحصیلی و با توجه به سطح توانایی‌های خود در دانشگاه در تحولات سیاسی به نقش آفرینی و حضور فعال در مناسبات سیاسی را جزو اهداف خود در نظر می‌گرفتیم به همین خاطر از ظرفیت انجمن علمی علوم سیاسی برای فعالیت در سطح دانشگاه و خارج از دانشگاه بهره می‌گرفتیم.

چند نفر از دانشجویان حضور فعال داشتند؟ در مقایسه با دیگر انجمن‌های علمی رشته‌های دیگر چه وضعیتی داشتید؟

انجمن علمی علوم سیاسی دانشگاه لرستان با توجه به اینکه جزو تازه تاسیس‌ترین انجمن‌های علمی بود و در مرحله اولیه تایید محتوا و شکل فرم انجمن قرار داشت همچنین طرح اولیه مهر انجمن نیز تهیه شده بود که هنوز به تصویب معاونت فرهنگی دانشگاه نرسید تعداد افراد فعال در انجمن علمی علوم سیاسی دانشگاه لرستان کمتر از ۲۰ نفر بودند که پس از فعالیت و شروع به کار شورای جدید تعداد اعضای فعال این انجمن به بیش از ۵۰ نفر ارتقا پیدا کرد و در ادامه با حضور دانشجویان جدیدتر این اعضا ارتقا و همکاری آنها در انجمن گسترش پیدا نمود.

ارزیابی کلی شما راجع به رشته علوم سیاسی و انجمن علمی این رشته چیست؟

گروه علوم سیاسی و به طور ویژه در رشته علوم سیاسی در جمهوری اسلامی ایران یکی از کاربردی‌ترین رشته‌ها و در سطح جهان یکی از مهم‌ترین رشته‌ها

به حساب می‌آید علت اهمیت این رشته کاربردی و تاثیرگذار بودن در وضعیت جامعه علی‌الخصوص مدیریت کشور می‌باشد. این نکته قابل ذکر است که شاید تاثیر مستقیم این رشته در سطح کشور یا تصمیمات اتخاذ شده به صورت شفاف مشخص نباشد اما بهره‌گیری از رشته علوم سیاسی و دانش برگرفته از آن در نقاط مثبت مدیریت سیاسی کشور دیده می‌شود و بسیاری از افراد با بهره‌گیری از دانش سیاسی مسبب رشد و توسعه کشور در حوزه‌های گوناگون می‌گردند یکی از راه‌های دستیابی به این دانش سیاسی و کسب تجربه در حوزه‌های گوناگون سیاسی فعالیت در انجمن‌های علمی و کنکاش پیرامون موضوعات سیاسی و علمی می‌باشد به گونه‌ای که انجمن به مثابه یک کارگاه فعالیت سیاسی از جمله طرح‌ریزی، مدیریت و اجرای تصمیمات سیاسی می‌باشد به همین خاطر افرادی که در انجمن‌های علمی فعالیت می‌نمایند توان تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی و مدیریت بهتری نسبت به سایر دانشجویان دارند چنین افرادی که در انجمن‌های علمی فعالیت می‌کنند در تکمیل تحصیلات خود در مقاطع بالاتر مصمم‌تر و فعال‌تر می‌باشند به شکلی که بسیاری از اعضای شورای انجمن علمی علوم سیاسی دانشگاه لرستان در مقطع ارشد تحصیلات خود را تکمیل نمودند. نقش انجمن علمی علوم سیاسی دانشجویان در ترغیب و ایجاد توانایی و انگیزه در افراد برای پرورش نیروهای توانمند برای مدیریت کشور بسیار حائز اهمیت می‌باشد به شکلی که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. در پایان برای همه دانشجویان گروه علوم سیاسی علی‌الخصوص دانشجویان انجمن علمی علوم سیاسی دانشگاه لرستان آرزوی توفیق و موفقیت در عرصه‌های گوناگون زندگی فردی و اجتماعی را از خداوند منان خواستارم.

تازه‌های نشر

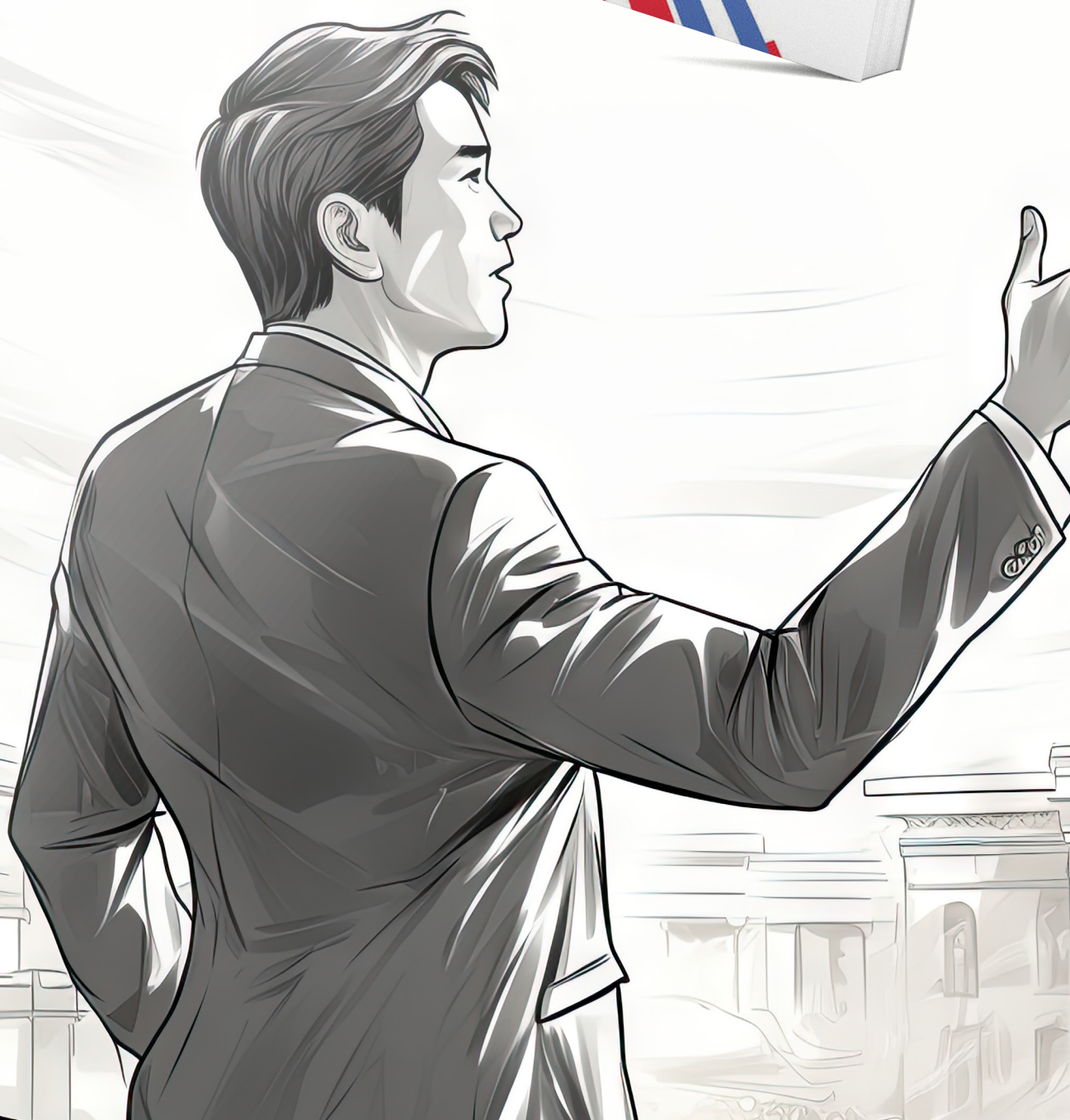
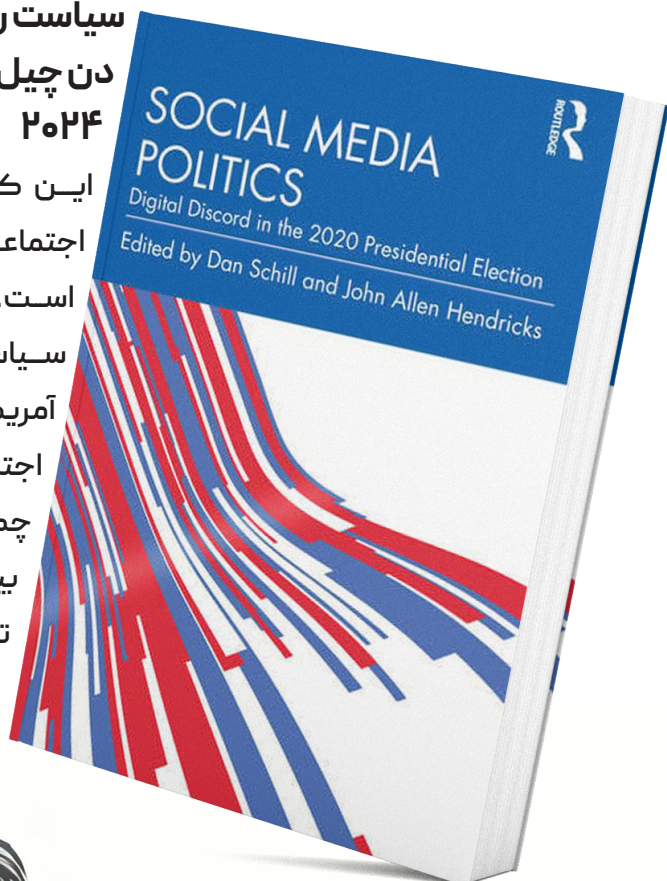
آیا در اینجارج داده؟ دیدگاه‌هایی درباره فاشیسم و آمریکا
دنیل استاین‌متز - جنگینز
۲۰۲۴

از زمان انتخاب دونالد ترامپ، سیاستمداران، مورخان، روشنفکران و کارشناسان رسانه با یک سوال مبهوت‌کننده و فوری مواجه شده‌اند: آیا فاشیسم آمریکا را تهدید می‌کند؟ برخی ارتباط چشمگیر بین لحظه کنونی ما و دوره پرآشوب میان جنگ در اروپا می‌بینند. این کتاب این سوال را بررسی می‌کند و متون کلیدی را از تیزبین‌ترین ذهن‌ها در سیاست، تاریخ و آکادمی جمع‌آوری می‌کند که با نوشته‌های کلاسیک هانا آرنت، آنجلا دیویس، راینهولد نیبور، لئون تروتسکی و دیگران گره خورده است و نتیجه‌گیری آن قابل توجه است.



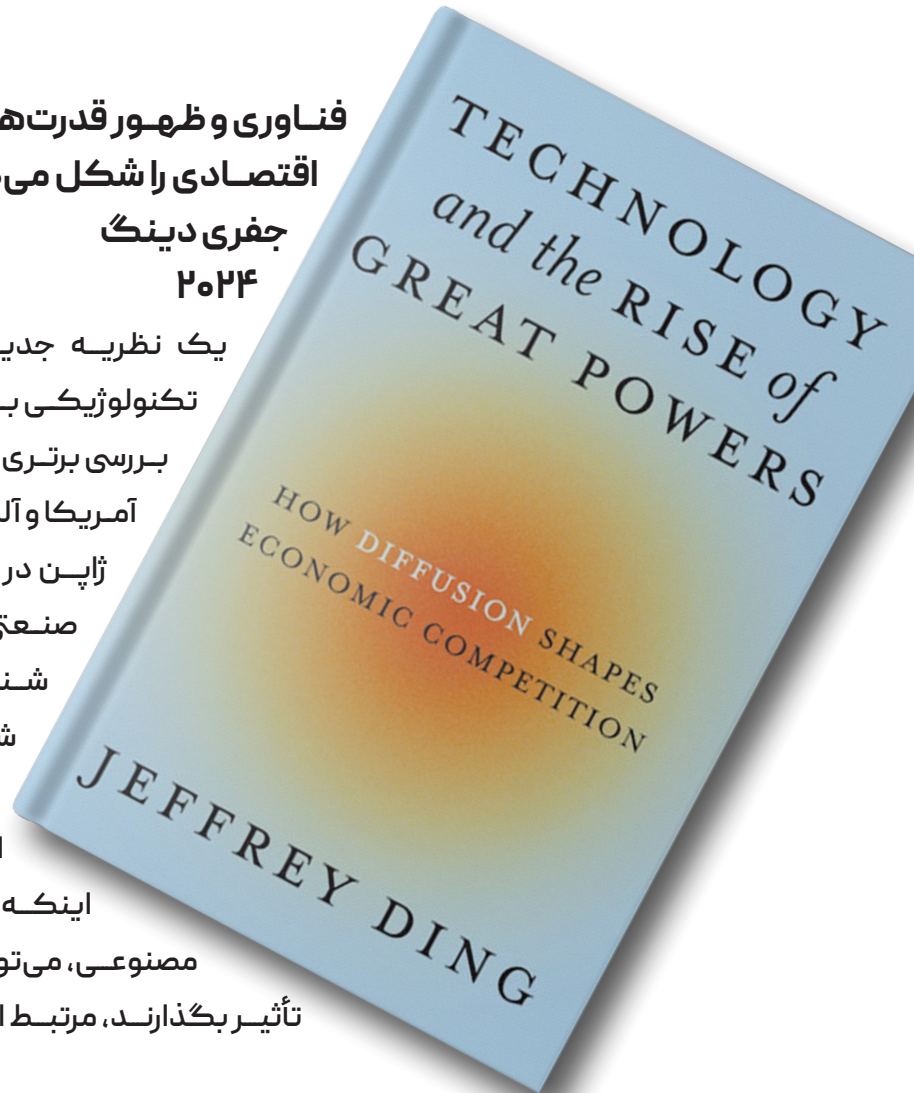
سیاست رسانه‌های اجتماعی
دن چیل و جان الن هندریکس
۲۰۲۴

این کتاب بررسی جامعی از نقش رسانه‌های دیجیتال و اجتماعی در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ ایالات متحده است. گفتمان سیاسی در طول انتخابات ۲۰۲۰، ناهماهنگی سیاسی و یک شکاف عمیق را در میان بخش‌های وسیعی از آمریکایی‌ها آشکار کرد که تا حدی توسط رسانه‌های اجتماعی تامین می‌شد. این کتاب نشان می‌دهد که چگونه رسانه‌های دیجیتال و اجتماعی با تغییر روابط بین شهروندان، سیاستمداران و رسانه‌های سنتی و ظهور تأثیرگذاران جدید، پویایی قدرت را تغییر داده‌اند.



فناوری و ظهور قدرت‌های بزرگ: چگونه پراکندگی رقابت اقتصادی را شکل می‌دهد جفری دینگ ۲۰۲۴

یک نظریه جدید در مورد چگونگی تأثیر انقلاب‌های
تکنولوژیکی بر ظهور و سقوط قدرت‌های بزرگ. دینگ با
بررسی برتری بریتانیا در انقلاب صنعتی اول، سبقت گرفتن
آمریکا و آلمان از بریتانیا در انقلاب صنعتی دوم، و چالش
ژاپن در برابر تسلط تکنولوژیک آمریکا در انقلاب
صنعتی سوم (که به عنوان "انقلاب اطلاعاتی" نیز
شناخته می‌شود)، روشن می‌کند که به این
شکل انقلاب‌های تکنولوژیکی بر توزیع
جهانی قدرت تأثیر گذاشتند. یافته‌های
او مستقیماً بر نگرانی‌های فعلی در مورد
اینکه چگونه فناوری‌های نو ظهور مانند هوش
مصنوعی، می‌توانند بر تعادل قدرت ایالات متحده و چین
تأثیر بگذارند، مرتبط است.



جهان راست: محافظه‌کاری افراطی و نظم جهانی ریتا آبراهامسن و همکاران ۲۰۲۴

این کتاب استدلال می‌کند در حالی که راست رادیکال از
یک جنبش سیاسی یکپارچه فاصله دارد، درخواست‌های
آن برای حاکمیت، نظم‌های تمدنی و چندقطبی، امکان
هم‌گرایی پیچیده و استراتژیک با دولت‌های غیرلیبرال
مانند چین و روسیه و همچنین دولت‌ها و مردم در
جنوب جهانی را فراهم می‌کند. پیامدهای بالقوه این
امر برای آینده نظم جهانی لیبرال عمیق و گسترده
است.





فلم

فلم

تلاقی ویرانگر فیزیک و سیاست
آنها کی طرح:



در یک بزنگاه بزرگ تاریخی، سیاستمداران آمریکایی دست به قمار پرهزینه‌ای برای تولید مخرب‌ترین سلاح دنیا می‌زنند و برای آن به سراغ دانشمندی یهودی با گرایش‌های چپ سیاسی می‌روند و اپنهایمر شخصیت مرکزی فیلمی است که از او به عنوان «مهم‌ترین فرد تاریخ» یاد می‌کند. ترس از نازی‌ها که در صورت دستیابی به بمب هسته‌ای کسی جلودارشان نخواهد بود، موتور پیشران آمریکایی‌ها برای اعتماد فیزیکی‌دانی مرموز است که تا قبل از اینکه آلمانی‌ها به این سلاح مخوف دست یابند، دستشان پر شود. اپنهایمر با کمک گروهی از دانشمندان فیزیک این مأموریت مهم را انجام می‌دهد.

تاریخ، همچون کاغذی که انیشتین از محاسباتش سرباز می‌زند و آن را به دست اپنهایمر می‌سپارد، در حال دست به دست شدن است. فیلم اپنهایمر در دو بخش قابل تشخیص سیاست و فیزیک پیش می‌رود و با دقت قابل تحسین به هر دو می‌پردازد. دو گروه از افراد، آدم‌هایی که نقشه‌ی این جنایات را طراحی و ترسیم می‌کنند که مثال اصلی آن استراوز و آدم‌هایی که بدل به ابزاری برای اجرای این نقشه‌ها می‌شوند و مثال آن اپنهایمر است. نولان در روایت خود، سیاستمداران را در گروه اول و دانشمندان را در گروه دوم جای می‌دهد. برای روشن شدن ماهیت این دو گروه باید به مسیر تبدیل شدن رابرت اوپنهایمر از یک جوان جویای علم و آزاداندیش تا رفتن در کالبد یک نظامی و بازیچه دست سیاست شدن‌اش، توجه کرد. این روایت

با سفر اپنهایمر به عنوان یک فیزیکی‌دان جوان در کمبریج برای رهبری پروژه متهم‌ن شروع و در نهایت به عنوان مدافعی برای توقف مسابقه

تسلحاتی بین ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی به پایان می‌رسد.

در واقع فیلم اپنهایمر به سه فصل اصلی تقسیم می‌شود: بخش اول بر روی پیشینه و سیستم اعتقادی اپنهایمر می‌پردازد، بخش دوم به زمان حضور او در پروژه متهم‌ن و ساخت بمب با دیگر همکارانش اختصاص دارد و بخش سوم بر عواقب پس از استفاده از بمب متمرکز است. اپنهایمر درباره یک دوگانگی اخلاقی است. یک دوگانگی بین انتخاب بد و بدتر. ساخت بمب اتمی که منجر به کشته شدن هزاران نفر می‌شود اما شاید بتوان با آن جنگ جهانی را پایان داد (البته به چه قیمتی؟!). نولان موفق است تا این دوگانگی را بسازد و آن را برای مخاطب تبدیل به مسئله‌ای قابل لمس کند. فیلم در طول مدت زمان سه ساعته خود و در روایت خود مدام بر روی این دوگانگی مانور داده و بر روی این مرز حرکت می‌کند. در اپنهایمر نوعی دوگانگی پیروزی و شکست نیز وجود دارد. ظاهراً شاید آمریکا به پیروزی می‌رسد اما در نهایت شخص اوپنهایمر شکست می‌خورد. این موضوع کاملاً در فیلم ساخته می‌شود و مخاطب کاملاً شکست اوپنهایمر را حس و تجربه می‌کند. اما فیلم آن میزان که در ساخت شکست اوپنهایمر موفق است در به تصویر کشیدن حس پیروزی دولت آمریکا موفق نیست.

در نهایت می‌توان گفت که اپنهایمر با داشتن صحنه‌های درخشان و به یادماندنی مانند صحنه تابیدن درخشش اتمی بر سخنرانی اپنهایمر پس از بمباران هیروشیما و صحنه‌ای که در آن اپنهایمر خود را جای خلبانی می‌گذارد که حرکت یک موشک وی دورا با کلاهک هسته‌ای به سمت لندن می‌بیند، جای پای دیدنی برای خود را در تاریخ سینما به **OPPENHEIMER** جای گذاشت، چه از لحاظ فنی و چه از لحاظ روایی.



پلتفرم ۲ : تجسم سیاست، اقتصاد و طبقات جامعه، ساده و واضح



فیلم پلتفرم ۲، دنباله‌ای بر فیلم موفق پلتفرم (۲۰۱۹) است که به بررسی مجدد تم‌های عدالت اجتماعی، اختلاف طبقاتی و حرص انسانی می‌پردازد، اما در فضایی وسیع‌تر و با داستانی پیچیده‌تر. این فیلم همچون نسخه اول، در محیطی دیستوپیایی و تاریک رخ می‌دهد که شخصیت‌ها را در یک زندان عمودی چند طبقه محصور می‌کند. هر طبقه نماینده یک سطح از جامعه است که دسترسی‌شان به منابع، بسته به طبقه‌شان متفاوت است. در حالی که نسخه اول تمرکز زیادی بر فلسفه تقسیم ناعادلانه منابع و اخلاقیات انسان‌ها در شرایط بحرانی داشت، پلتفرم ۲ تلاش می‌کند تا این ایده‌ها را گسترش داده و مفاهیم جدیدی را مطرح کند. یکی از نقاط قوت این دنباله، عمق بخشیدن به شخصیت‌های اصلی است. برخلاف نسخه اول که بیشتر بر روی تعاملات فردی متمرکز بود، این فیلم به شکلی بزرگ‌تر به روایت داستان جمعی پرداخته و تأثیرات کلان‌تری را بررسی می‌کند.

از نقدهای اصلی به فیلم این است که در برخی لحظات، داستان به جای آن‌که بر روی ایده‌های فلسفی و اجتماعی متمرکز شود، به سمت صحنه‌های خشونت‌آمیز و شوک‌دهنده پیش می‌رود. این امر ممکن است برای برخی بینندگان از جذابیت کاسته و حس عمیق فلسفی فیلم اول را کمرنگ کند. در مجموع، پلتفرم ۲ در تلاش است تا سوالات بیشتری درباره نابرابری، قدرت و امید مطرح کند. هرچند ممکن است به دلیل پیچیدگی بالای داستان و تمرکز بیش از حد بر جنبه‌های بصری، نتواند همان اثرگذاری عمیق نسخه اول را تکرار کند، اما همچنان تجربه‌ای تفکربرانگیز و تأثیرگذار برای علاقه‌مندان به ژانر دیستوپیایی و اجتماعی است.

گزارش فعالیت‌های



انجمن علمی دانشجویی علوم سیاسی دانشگاه لریستان در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳

انجمن علمی دانشجویی علوم سیاسی دانشگاه لریستان، پس از چند سال عدم فعالیت، در تابستان ۱۴۰۲ توسط دانشجویان علاقه‌مند به فعالیت رشته علوم سیاسی احیاء شد و در جلسه‌ای، رضا مریدی دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی به عنوان دبیر این انجمن انتخاب گردید. در آغاز سال تحصیلی، رضا مریدی با شرکت در هفتمین مجمع اتحادیه انجمن‌های علمی دانشجویی علوم سیاسی ایران در مهرماه ۱۴۰۲ در دانشگاه علامه طباطبائی در تهران، عهده‌دار ریاست این مجمع شد که طی آن شورای مرکزی اتحادیه انجمن‌های علمی دانشجویی علوم سیاسی ایران انتخاب شدند. این نقطه آغازی بر شروع دوباره فعالیت‌های انجمن بود. طی سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳، انجمن علمی دانشجویی علوم سیاسی دانشگاه لریستان با برگزاری بیش از ۲۵ برنامه مختلف، تبدیل به یکی از فعال‌ترین انجمن‌های علمی دانشجویی دانشگاه لریستان گردید. در ادامه، قسمتی از تلاش‌های این انجمن به حضورتان تقدیم می‌شود.



کم‌انگیزگی و آمار انصراف بالای دانشجویان رشته علوم سیاسی دانشگاه لرستان، انجمن علمی را بر آن داشت تا جلسه‌ای در باب «چشم‌انداز رشته علوم سیاسی» برگزار کند. آینده شغلی و تحصیلی رشته علوم سیاسی، آنچه یک دانشجوی علوم سیاسی باید بداند و راهکارهای برنامه‌ریزی برای موفقیت در رشته علوم سیاسی، از سرفصل‌های مورد اشاره در این نشست بودند. این جلسه در روز یکشنبه ۱۴ آبان‌ماه ۱۴۰۲ در سالن کنفرانس دانشجوی شهید میربه‌رسي دانشگاه لرستان در دانشکده ادبیات و علوم انسانی با حضور مدیر، اساتید محترم گروه، دبیر انجمن و دانشجویان رشته



ورود به دانشگاه

علوم سیاسی، برگزار شد. در این جلسه دکتر محسن بیات مدیر محترم گروه علوم سیاسی، دکتر مهدی ذوالفقاری، دکتر مهدی شاهین، دکتر محسن عبدالهی، دکتر حسین زینی‌وند و دکتر شهریار فرجی نصیری با ایراد بیانات و ذکر نکاتی به راهنمایی دانشجویان علوم سیاسی پرداختند. همچنین رضا مریدی دبیر انجمن علمی علوم سیاسی، درباره انجمن علمی و نقش آن در رشد و پویایی دانشجویان توضیحاتی ارائه داد. در پایان پرسش‌ها و دغدغه‌های دانشجویان مطرح شد و اساتید محترم پاسخ داده و نکات مهمی را برای پیشرفت دانشجویان در این رشته گوشزد کردند.

جلسه «غزه در آتش و دود: تحلیل جنگ و وقایع اخیر در فلسطین» روز سه‌شنبه ۲۳ آبان‌ماه ۱۴۰۲ با حضور اساتید محترم، دکتر شهریار فرجی نصیری دکترای علوم سیاسی، دکتر علی امیری دکترای جغرافیای سیاسی، رضا مریدی دبیر انجمن علمی دانشجویی علوم سیاسی و جمعی از دانشجویان در سالن کنفرانس دانشجوی شهید میربه‌رسي برگزار شد. در این نشست، دکتر فرجی نصیری و دکتر امیری به ریشه‌یابی علمی قضایای جاری در فلسطین و تحلیل جنگ کنونی در غزه پرداختند. همچنین رضا مریدی دبیر انجمن و بعضی دانشجویان حاضر در جلسه دیدگاه خود را ارائه دادند و اساتید سوالات آنان را پاسخ گفتند.



غزه در آتش و دود



جلسه «پخش فیلم تعادل به همراه بررسی زبان تخصصی سیاسی» در روز دوشنبه ۶ آذرماه ۱۴۰۲ با حضور استاد محترم، دکتر محسن بیات دکترا روابط بین الملل، رضا مریدی دبیر انجمن علمی دانشجویی علوم سیاسی و جمعی از دانشجویان رشته علوم سیاسی در کلاس ۲۰۵ دانشکده فنی برگزار شد. فیلم «تعادل»، فیلمی با موضوع سیاسی و حاوی واژگان بسیار از زبان تخصصی علوم سیاسی می باشد و پخش این فیلم با استقبال دانشجویان همراه بود.



پخش فیلم «تعادل»

همایش «آینده بشریت با هوش مصنوعی» در روز سه شنبه ۲۱ آذرماه ۱۴۰۲، با حضور اساتید محترم دانشگاه لرستان، در دانشکده اقتصاد، سالن شهید شکوهی برگزار شد. در این جلسه دکتر عبدالرضا رشنو، دکترای مهندسی کامپیوتر- هوش مصنوعی و مدیر محترم گروه مهندسی کامپیوتر، دکتر محسن بیات دکترا روابط بین الملل و مدیر محترم گروه علوم سیاسی، دکتر شهریار فرجی نصیری، دکترای علوم سیاسی، دکتر وحید مهرداد، دکترای مهندسی برق و مدیر محترم گروه مهندسی برق و رضا مریدی دبیر انجمن علمی دانشجویی علوم سیاسی به ایراد سخنانی درباره افق پیش روی بشر با توسعه فناوری هوش مصنوعی، پرداختند. دانشجویان دانشگاه لرستان با حضور فعال در این جلسه، سوالات خود را در رابطه با هوش مصنوعی مطرح کردند و اساتید محترم به این پرسش ها، پاسخ دادند.



آینده بشریت با هوش مصنوعی

دوره آموزشی نشریه های دانشجویی با عناوین «نشریه دانشجویی از ایده تا محتوا» و «طراحی نشریه با نرم افزار پابلیشر» توسط مدرسین محترم آقایان امین ماکینانی و محمد نصرتی با حضور تعدادی از دانشجویان به صورت مجازی و به مدت ۴ ساعت، در روزهای پنج شنبه و جمعه ۲۳ و ۲۴ آذرماه ۱۴۰۲ برگزار شد. این دوره با هدف آشنایی و توانمندسازی افراد برای کار در زمینه نشریه های دانشجویی برنامه ریزی شد و به سوالات شرکت کنندگان به صورت مفصل پاسخ داده شد.



نشریه دانشجویی از ایده تا محتوا

برنامه‌های ویژه انتخابات مجلس ۱۴۰۲



انجمن علمی دانشجویی دانشگاه لرستان در راستای آگاه‌سازی و ایجاد فضای گفت‌وگو و تبادل نظر علمی، اقدام به برگزاری سه برنامه در رابطه با انتخابات مجلس شورای اسلامی ۱۴۰۲ نمود که دو برنامه اول پیش از انتخابات و برنامه سوم پس از انتخابات برگزار گردید.

نخستین برنامه، کرسی آزاداندیشی با موضوع «شرکت در انتخابات مجلس: آری یا نه» در روز دوشنبه ۷ اسفندماه ۱۴۰۲ با حضور و سخنرانی دکتر مهدی امید، دکترای اندیشه‌های سیاسی در آمفی تئاتر ساختمان شهید سلیمانی (مدیریت فرهنگی) برگزار شد. در این برنامه دانشجویان آزادانه و در فضایی محترمانه، دیدگاه‌های خود را مطرح کردند.

برنامه دوم، مناظره انتخاباتی میان نامزدهای انتخابات مجلس شورای اسلامی حوزه انتخابیه خرم‌آباد و چگنی بود که در روز سه‌شنبه ۸ اسفندماه ۱۴۰۲ در آمفی تئاتر ساختمان شهید سلیمانی (مدیریت فرهنگی) برگزار شد. آقایان قدرت‌الله ترابی‌نژاد، مرتضی محمودوند و مهرداد ویس‌کرمی در این مناظره حضور یافتند. البته آقایان رضا سپهوند و نورمحمد فردی بیرانوند، با آن که اعلام آمادگی کرده بودند، در روز برگزاری مناظره در سالن حضور نیافتند.

سومین برنامه نیز نشست هم‌اندیشی دانشگاهی با موضوع «آسیب‌شناسی انتخابات در لرستان» بود که در روز دوشنبه ۲۱ اسفندماه سال ۱۴۰۲ با حضور جمعی از اساتید و دانشجویان برگزار شد. هدف از برگزاری این نشست، واکاوی آسیب‌های انتخابات در لرستان و هم‌فکری برای پیدا کردن راه‌حلی برای آن بود.



کارگاه «رمان‌نویسی علمی-تخیلی (با مضامین سیاسی-اجتماعی)» در روز دوشنبه ۱۴ اسفندماه سال ۱۴۰۲ با تدریس رضا مریدی، نویسنده کتاب «سیاره جادوگران» برگزار شد و با استقبال خوب دانشجویان مواجه گشت. هدف از برگزاری این کارگاه، راهنمایی و کمک به علاقه‌مندان به رمان‌نویسی علمی-تخیلی بود تا بتوانند به پرورش ایده‌های جدید بپردازند و آثار نو خلق کنند.



رمان‌نویسی علمی - تخیلی

سلسله کارگاه‌های دوره تخصصی نشریه‌های دانشجویی



در راستای آشنایی بیشتر با نشریه‌های دانشجویی و آموزش مطالب مرتبط با آن، تصمیم بر برگزاری ۴ جلسه کارگاه گرفته شد.

نخستین آن‌ها کارگاه «مدیریت نشریه‌های دانشجویی، ملاک‌ها و شاخص‌های انتشار نشریه‌ها» بود که در روز دوشنبه ۱۰ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۳ توسط دکتر مهدی امید برگزار شد. هدف از برگزاری این کارگاه که در آن مبانی و دانستنی‌های مهم و اولیه نشریه‌های دانشجویی تدریس شد، توانمندسازی دانشجویان و شرکت‌کنندگان، جهت فعالیت در حوزه نشریه‌های دانشجویی بود.

دومین کارگاه از سلسله کارگاه‌های دوره تخصصی نشریه‌های دانشجویی با موضوع «فوتوژورنالیسم و عکاسی خبری، خبر و گزارش» با تدریس دکتر شهرام شرفی، در روز دوشنبه ۱۷ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۳ برگزار شد. هدف از برگزاری این کارگاه، توانمندسازی دانشجویان و شرکت‌کنندگان، جهت فعالیت در حوزه نشریه‌های دانشجویی، خبرنگاری و گزارش‌نویسی بود.

سومین کارگاه از سلسله کارگاه‌های دوره تخصصی نشریه‌های دانشجویی با موضوع «روزنامه‌نگاری موبایلی، پادکست و چندرسانه‌ای» با تدریس خانم‌ها فاطمه محمدی و زهرا محمدی، در روز دوشنبه ۲۴ اردیبهشت‌ماه سال ۱۴۰۳ برگزار شد. هدف از برگزاری این کارگاه، توانمندسازی دانشجویان و شرکت‌کنندگان، جهت فعالیت در حوزه نشریه‌های دانشجویی، طراحی پوستر و کلیپ‌سازی بود.

چهارمین و آخرین کارگاه دوره آموزشی تخصصی نشریه‌های دانشجویی با موضوع «مقاله‌نویسی مطبوعاتی» در روز چهارشنبه ۱۶ خردادماه ۱۴۰۳ به صورت مجازی با تدریس دکتر مهدی امید برگزار شد. هدف از برگزاری این کارگاه، توانمندسازی دانشجویان و شرکت‌کنندگان، جهت فعالیت در حوزه مقاله‌نویسی برای نشریه‌های دانشجویی بود. آخرین کارگاه قرار بود در تاریخ ۳۱ اردیبهشت‌ماه به صورت حضوری برگزار گردد که با وقوع حادثه ناگوار سقوط بالگرد رییس‌جمهور، لغو گردید و به تاریخ جدید موکول شد. جا دارد از زحمات و همکاری دکتر مهدی امید در برگزاری این دوره سپاس‌گزاری فراوانی به جا بیاوریم.

به مناسبت روز ملی خلیج فارس، جلسه ارائه علمی با موضوع «اهمیت و جایگاه خلیج فارس» در روز سه‌شنبه ۱۱ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۳ توسط دکتر مهدی شاهین، عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه لرستان، در سالن کنفرانس شهید میربهری برگزار شد. در این جلسه دکتر شاهین به بررسی ابعاد مختلف اهمیت خلیج فارس برای ایران و کشورهای منطقه و فرامنطقه پرداختند و سوالات اساتید و دانشجویان را پاسخ دادند.



روز ملی خلیج فارس



جلسه ژورنال کلاب

جلسه ژورنال کلاب با ارائه مقاله «A preliminary study of the influence of artificial intelligence on globalization» «مطالعه ای مقدماتی درباره تاثیر هوش مصنوعی بر جهانی شدن» با نویسندگی چانگ وانگ، توسط رضا مریدی دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی، برگزار شد. استاد ناقد این جلسه دکتر حامین احمدی (دکترای جامعه‌شناسی سیاسی) بود که پس از ارائه مقاله، شیوه ارائه را نقد و موضوع را بررسی کرد.

جلسات گفت‌وگو محور و دیگر برنامه‌ها



علاوه بر برنامه‌های ذکرشده، تعدادی دیگر از جلسات گفت‌وگو محور مانند میزگردها، جلسات هم‌اندیشی، نشست‌های برنامه‌ریزی و بررسی عملکرد انجمن، هم‌نشینی دانشجویان با اساتید فرهیخته و... توسط انجمن علمی علوم سیاسی دانشگاه لرستان برگزار شد. باید گفت که هدف تمامی برنامه‌های انجمن، رسیدن به تعالی و پیشرفت علمی دانشجویان دانشگاه لرستان و حتی دیگر دانشگاه‌هاست. نزدیک شدن دانشجویان به اساتید و آشناتر شدن با فضای علمی، می‌تواند به بالارفتن انگیزه، شور و اشتیاق دانشجویان کمک کند و همچنین اساتید نیز مجالی برای ارائه مطالعات و پژوهش‌های خود می‌یابند؛ در نهایت این برنامه‌ها به پویاتر شدن فضای دانشگاه کمک می‌کنند. امید است که سال‌های پیش رو برای انجمن علمی دانشجویی علوم سیاسی دانشگاه لرستان و دیگر انجمن‌ها، پربارتر و پرمثمرتر باشد.



اخبار:

عراقچی: خورشید در حال طلوع از شرق است و در حال غروب در غرب.

سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه کشورمان با اشاره به اجلاس سران گروه بریکس و رایزنی‌های ایران در حاشیه این اجلاس در حساب رسمی خود در برنامه ایکس نوشت: برداشت اصلی؛ خورشید در حال طلوع از شرق است و حقیقتاً در حال غروب در غرب. وی افزود: پس از مشورت‌های نزدیک با ۱۱ کشور در عرض کمتر از سه هفته گذشته، رئیس جمهور را در اجلاس سران بریکس در کازان همراهی کردم. عراقچی همچنین نوشت: تبادل نظرهای ثمربخشی با مجموعه‌ای از رهبران کشورها داشتیم، از جمله روسیه، چین، هند، آفریقای جنوبی، امارات و مصر. در شانزدهمین نشست سران بریکس با موضوع «تقویت چندجانبه‌گرایی برای توسعه و امنیت عادلانه جهانی»، رهبران این نهاد بین‌المللی همچنین بر اهمیت گسترش بیشتر همکاری اعضای بریکس بر مبنای منافع مشترک و تقویت بیشتر شراکت راهبردی خود تاکید کردند.

فرار سرمایه از «اسرائیل» به دنبال افزایش تنش‌ها پس از ۷ اکتبر

رسانه‌های صهیونیستی به نقل از روزنامه اقتصادی «کالکالیست» گزارش داده‌اند که میزان فرار سرمایه‌ها از رژیم صهیونیستی برای سرمایه‌گذاری در خارج به طور چشمگیری افزایش یافته و از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ تاکنون، این میزان ۶۲ درصد رشد داشته است. به گزارش این روزنامه، اصطلاح «فرار سرمایه» پیامدهای عمیقی برای اقتصاد دارد و باید به هر قیمتی که شده، از آن جلوگیری شود، زیرا ممکن است به فروپاشی اقتصادی یا بروز بحران‌های مالی منجر شود. همچنین این گزارش اشاره می‌کند که فرار سرمایه در برخی مواقع به شکلی سریع و ثبت نشده رخ می‌دهد و عوامل محرک آن شامل عدم ثبات مالی، عدم قطعیت، و افزایش خطرات سیاسی، ژئوپلیتیک، اقتصادی و اجتماعی است. پس از حملات فلسطینیان به مناطق اشغالی در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ و تشدید درگیری‌های نظامی بین مقاومت فلسطین و رژیم صهیونیستی، بحران‌های سیاسی و امنیتی در داخل این رژیم شدت گرفت. به دنبال این تحولات،

فرار سرمایه‌های داخلی به دلیل عدم اطمینان اقتصادی و افزایش خطرات ژئوپلیتیک به یکی از معضلات مهم اقتصادی رژیم صهیونیستی تبدیل شده است.

منبع: خبرگزاری مهر

انگیزه ترامپ از تشویق نتانیاهو برای اقدام ضدایرانی / چه کسانی به او گرامی دهند؟

به نظر می‌رسد افزایش گمانه زنی‌ها در داخل ایران از سوی برخی مسئولان رده‌های میانی درباره ساخت بمب اتم، موضع این نامزد جمهوری خواه را برای جذب منابع مالی صهیونیست‌ها در انتخابات، تشدید کرده است. ناظران سیاسی می‌گویند نزدیک بودن مواضع نتانیاهو به ترامپ آنچنان است که امکان تاخیر در حمله اسرائیل به ایران با این استدلال وجود دارد که اسرائیل بتواند حالا که امکان حمله مستقیم به ایران را پیدا کرده، در صورت پیروزی ترامپ در انتخابات، مجوز حمله به تاسیسات هسته ای ایران را دریافت کند. بازی دو سربرد که فعلاً اسرائیل توانسته با دریافت سامانه پدافند موسوم به «تاد»، معامله موفق‌تری را با بایدن بر سر چگونگی حمله به ایران ترتیب دهد، اما کارشناسان سیاسی پیشبینی می‌کنند بیش از هر متغیری، زمان و نحوه حمله اسرائیل به ایران به نتیجه نظرسنجی‌های انتخابات امریکا وابسته است و ممکن است در صورت اطمینان نتانیاهو از پیروزی ترامپ، بخواهد با او هم بر سر حمله به ایران معامله کند. معامله‌ای که سروصدای حامیان ساخت بمب اتم در ایران، عیار آن را بیشتر خواهد کرد.

منبع: خبر آنلاین

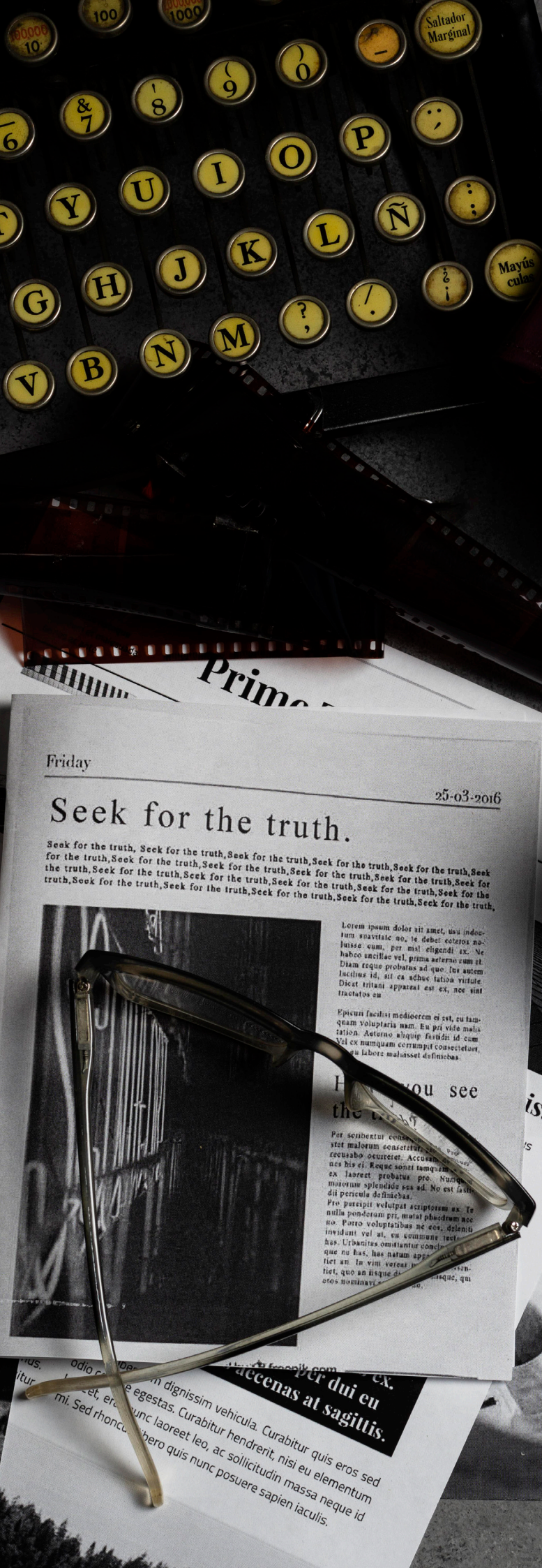
ایالات متحده به شدت از نشت اطلاعاتی درباره طرح اسرائیل برای حمله به ایران «نگران است»

مقامات می‌گویند که اطلاعات بیشتری درز نکرده است، اما تحقیقات در مورد چگونگی انتشار اسناد در تلگرام در حال انجام است. مقامات دولت ایالات متحده که در حال تحقیق در مورد افشای دو سند محرمانه اطلاعاتی در مورد ارزیابی طرح‌های اسرائیل برای حمله به ایران هستند، گفته‌اند که معتقدند هیچ سند دیگری به خطر نیفتاده است. جان کربی، مشاور ارتباطات امنیت ملی در نشستی در کاخ سفید به خبرنگاران گفت دولت بایدن از انتشار غیرمجاز «عمیقاً نگران» شد. این اسناد به برنامه ریزی نظامی اسرائیل برای حمله تلافی جویانه به ایران پس از رگبار موشکی اول اکتبر که بزرگترین حمله تهران به دشمن منطقه‌ای خود بود، مربوط می‌شود. سند اول با عنوان «اسرائیل: نیروی هوایی به آمادگی برای حمله به ایران ادامه می‌دهد و دومین رزمایش به کارگیری نیروی بزرگ را به انجام می‌رساند» و سند دوم «اسرائیل: نیروهای دفاعی به آماده‌سازی مهمات کلیدی و فعالیت‌های پنهانی پهبادی تقریباً به طور قطع برای حمله به ایران ادامه می‌دهند» عنوان داشت.

منبع: گاردین The Guardian

ایران در حال پیشروی در اردن است

جمعیت اردن در صورت همراه شدن با جبهه طلبی‌های ایران، همراه با مرز طولانی این کشور با اسرائیل، می‌تواند اردن را به سکوی پرتاب بالقوه‌ای برای حملات علیه اسرائیل تبدیل کند. اردنی‌ها با در دست داشتن تصاویری از دبیرکل فقید حزب الله، حسن نصرالله، در پایتخت اردن امان، راهپیمایی کردند. شعارهای «لبیک یا نصرالله» در خیابان‌ها طنین انداز شد، یک شعار مربوط به



یک گروه شیعه که به ندرت در اردنی شنیده می شود که تقریباً کاملاً سنی است. از ۷ اکتبر، نه تنها حمایت از حماس، بلکه از دیگر گروه های درون به اصطلاح «محور مقاومت» به رهبری تهران نیز در حال افزایش است. این روند تنها به مشکلات پادشاه اردن، عبدالله دوم می افزاید، زیرا توجیه همسویی اش با واشنگتن برای مردمی که هم از رکود اقتصادی و هم از حمایت آمریکا از اسرائیل رنجیده اند، سخت تر می شود.

منبع: نشنال اینترست THE NATIONAL INTEREST

مقامات اطلاعاتی ایالات متحده می گویند روسیه، ایران و چین می توانند به خشونت های پس از انتخابات دامن بزنند

مقامات اطلاعاتی آمریکا ادعا می کنند که روسیه، چین و ایران قصد دارند روایت های تفرقه انگیزی را برای ایجاد تفرقه بین آمریکایی ها پیش از انتخابات ۵ نوامبر آمریکا ایجاد کنند و ممکن است پس از حضور رأی دهندگان به پای صندوق های رای به آن دامن بزنند. این مقامات که به خبرنگاران در مورد امنیت انتخابات ایالات متحده توضیح دادند، گفتند که بازیگران خارجی می توانند تهدیدات فیزیکی و خشونت را در نظر بگیرند و به احتمال زیاد عملیات اطلاعات نادرست را برای ایجاد عدم اطمینان و تضعیف روند انتخابات انجام می دهند. یکی از مقامات دفتر رئیس اطلاعات ملی گفت: «برخی از بازیگران خارجی ظرفیت دامن زدن به اعتراض ها و اقدامات خشونت آمیز را در این دوره (پس از انتخابات) دارند. به ویژه، ایران و روسیه احتمالاً مایلند حداقل تاکتیک هایی را در نظر بگیرند که به چنین خشونتی کمک کند.»

منبع: رویترز REUTERS

با ما در ارتباط باشید ...



هفتاد و پنجمین

